



فاز دوم

تحلیلی بر کارآمدسازی نظام سیاسی در ایران

باتکیه بر مطالعات
و پژوهش‌های انجام‌شده

تیر و مرداد ۱۳۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم

فازدوم

تحلیلی بر کارآمدسازی نظام سیاسی در ایران

باتکیه بر مطالعات و پژوهش های انجام شده

تیرو مرداد ۱۳۹۷

◀ درباره‌ی این گزارش

گزارش جاری در هفت فصل تنظیم شده است. فصل اول مشتمل بر نظریه‌هایی در تحلیل ناکارآمدی نظام سیاسی ایران که خلاصه مباحث از کتاب‌های حسین بشیریه و کاظم علمداری است. دیدگاه‌های کاظم علمداری معرف نقطه‌ی نهایی طیفی از اپوزیسیون است که نقدهای ریشه‌ای و رادیکال نسبت به کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران دارند. فصل دوم با عنوان «تحلیل ناکارآمدی از خلال توسعه» به بررسی مباحث مرتبط با ناکارآمدی از رهگذر سلسله‌ای از مطالب منتشرشده حول مسئله‌ی توسعه نیافتگی ایران می‌پردازد.

فصول سوم تا پنجم به ترتیب به مقالات گزینش شده از مجلات آفتاب، چشم‌انداز ایران و آیین در خصوص ادبیات موضوع تعلق دارند. حدود ۲۰۰ نشریه در این فصل مورد بررسی و گزینش قرار گرفته‌اند. تقریباً هیچ یک از مقالات به طور مستقیم و سراسرست وارد بحث ناکارآمدی نشده‌اند، اما در خلال مباحث مربوط به فساد، مشکلات اقتصادی، دموکراسی و توسعه در ایران و... به تناوب به ارائه مباحثی حول موضوع ناکارآمدی نظام سیاسی ایران پرداخته‌اند.

فصل ششم حاوی سایر مقالات مربوط به ناکارآمدی نظام سیاسی است که در جستجوی ما در پایگاه‌های اطلاعاتی به دست آمده و در ضمن فاقد ظرفیت علمی-پژوهشی برای گنجاندن در فصل هفتم بوده‌اند.

فصل هفتم نیز حاوی پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی-پژوهشی مربوط به ناکارآمدی نظام سیاسی است. مطالب این فصل بیشتر در گزارش فاز نخست بر اساس دسته‌بندی و تلفیق دیگری (سرفصل‌های محتوایی) ارائه شده بود. اکنون در گزارش فعلی با توجه به قالب مقاله‌محور (بر اساس نویسندگان و مقالات به صورت مجزا) مورد بازنویسی و صورت‌بندی مجدد قرار گرفته‌اند.

نام نویسندگان هر فصل در انتهای مقدمه‌ی فصل ذکر شده است. فصول ششم و هفتم نیز محصول کار مشترک پژوهشگران است.

فصل اول: نظریه‌هایی در تحلیل نظام سیاسی ایران با تکیه بر کارآمدسازی ۸

دیباجه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره‌ی جمهوری اسلامی (حسین بشیریه) ۸

چرا اصلاحات شکست خورد؟ (کاظم علمداری) ۱۰

فصل دوم: تحلیل کارآمدی از خلال توسعه ۱۴

مقدمه ۱۴

حکمرانی خوب، بنیان توسعه (احمد میدری) ۱۴

تقدم توسعه‌ی سیاسی (ابراهیم یزدی) ۱۵

فقدان پاسخگویی و عدم شفافیت (عزت‌الله سبحانی) ۱۵

تنگناهای اقتصادی توسعه (احمد علوی) ۱۶

دولت رانتیرو دیوانسالاری خدماتی-امنیتی (تقی رحمانی) ۱۷

موانع توسعه در ایران (امیرسعید موسوی حجازی) ۱۷

عدم تمرکز در مراکز تصمیم‌گیری، فقدان مشارکت نخبگان (محمد بحرینیان) ۱۸

خلاء گفت‌وگوی آزادانه مردم با دولت (مهدی شریعتی) ۱۹

فقدان تشکل‌یابی و مشارکت نخبگان (حسین رفیعی) ۱۹

گسستگی و گسیختگی در توسعه ایران (کمال اطهاری) ۲۰

بورژوازی نظامی و ایدئولوژی قداست قدرت (هدی صابر) ۲۰

بی‌ثباتی مستمر و تنازع مداوم بر سر منابع (محسن زنانی) ۲۱

اقتصاد نفتی غارتی و رانتی (علی رضاقلی) ۲۱

اتخاذ رویکرد سخت‌افزارانه (پرویز پیران) ۲۲

حذف نیروها و ناکارآمدی (لطف‌الله میثمی) ۲۲

لوازم کارآمدی: ثبات ساختاری و بسترسازی برای تشکل‌ها و اصناف (حسین عظیمی) ۲۳

هژمونی قدرت بر علم (مصطفی معین) ۲۳

فصل سوم: بررسی کارآمدسازی نظام سیاسی در ماهنامه آفتاب ۲۴

مقدمه ۲۴

برنامه‌ریزی شهری و خودکامگی (کمال اطهاری) ۲۵

چشم‌انداز اصلاحات (عبدالعلی رضایی) ۲۵

خصوصی‌سازی، فرجام اقدام اول، تلاش آخر (احمد میدری) ۲۶

اصلاح طلبی، انقلابی‌گری و محافظه‌کاری (اکبر گنجی) ۲۶

پیش‌نیازهای توسعه، نگاهی به دلایل پیشرفت ژاپن (امیرباقر مدنی) ۲۷

۲۸	سه شکاف فعال اقتصاد ایران (مرتضی قره باغیان)
۲۹	استراتژی های سیاسی در ایران امروز (سعید حجازیان)
۳۰	کارآفرینی، اصل فراموش شده جنبش اصلاحات (جمشید اسدی)
۳۱	اصلاح پذیری و آزمون فیصله بخش (علیرضا علوی تبار)
۳۲	استراتژی های دموکراسی (کاوه احسانی)
۳۳	بیکاری، بحران یک جامعه بی برنامه (ی. علوی)
۳۴	ائتلاف های تازه (علیرضا علوی تبار)
۳۵	طرحی برای تحرک اصلاحات (کوشان رازجو)
۳۶	گشودن این گره فرو بسته (تقی رحمانی)
۳۶	پیرامون فساد اداری در ایران
۳۷	نشانگان فلج سیاسی (احمد صدری)
۳۸	اقتصاد زیرزمینی ایران (جهانگیر آموزگار)
۳۸	ساختار حقیقی، ساختار حقوقی (عبدالله رمضان زاده)
۳۹	جامعه مدنی، قدرت رانت خوار و ساختارهای پنهان (غلامعباس توسلی)

فصل چهارم: بررسی کارآمدسازی نظام سیاسی در دوماهنامه چشم انداز ایران

۴۰	مقدمه
۴۰	اقتصاد رانتی و معمای دموکراسی (احمد علوی)
۴۱	موانع توسعه در ایران (محمد حسین رفیعی)
۴۲	عدم اراده ی معطوف به توسعه (بیژن عبدالکریمی)
۴۳	اقتصاد مقاومتی (میرگردی با حضور رفیعی، مظهری و دینی ترکمانی)
۴۳	راه سومی برای اقتصاد نیست (فرشاد مومنی)
۴۴	انقلاب از درون برای مبارزه با فساد (ابراهیم رزاقی)
۴۴	مشارکت همگانی مهمترین عنصر بقای نظام (فرشاد مومنی)
۴۶	توسعه ظرفی برای تحکیم اخلاق و دیانت (عزت الله سبحانی)
۴۷	تأثیر شیوه حکمرانی در گسترش فساد سیستماتیک (علی دینی ترکمانی)
۴۷	قوانینی که به فساد دامن می زنند (مهدی پازوکی)

فصل پنجم: بررسی کارآمدسازی نظام سیاسی در ماهنامه آیین

۴۸	مقدمه
۴۸	دولت غول پیکر و اداره میلیتاریستی جامعه (مصطفی تاجزاده)
۴۹	دموکراسی و موانع اقتصادی آن در ایران (مسعود نیلی)

۴۹	دولت نفوذهای ناهمگن: تأثیر قانون اساسی بر ساختار دولت و اقتصاد در ایران (محسن رنانی)
۵۰	سیاست‌گذاری‌های همزمان (ابوالفضل دلاوری)
۵۰	وضع توسعه ایران؛ ۳۰ سال پس از انقلاب (محمدحسین شریف زادگان)

۵۲	فصل ششم: سایر مقالات مربوط به کارآمدسازی نظام سیاسی
۵۲	قانون اساسی، مشروعیت و کارآمدی
۵۲	چالش اصلی دولت، ناکارآمدی مدیران است (بهروز گرانپایه)
۵۴	از ادراک سازی ناکارآمدی تا کارآمدی وابسته

فصل هفتم: پایان نامه‌ها و مقالات علمی پژوهشی مربوط به کارآمدسازی نظام سیاسی

۵۵	
۵۵	نظام بودجه و ناکارآمدی‌های ساختاری
۵۶	توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران
۵۷	مفهوم، شاخصه‌ها و شیوه‌های ارتقاء کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران
۵۷	جمهوری اسلامی ایران و چالش کارآمدی
۵۸	حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن
۵۹	بررسی موانع عدم تحقق (پایه سازی) طرح اصلاح نظام‌های مدیریتی در بخش دولتی ایران
۶۰	پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی
۶۱	تأثیر توسعه‌ی سیاسی بر افزایش کارآمدی نظام سیاسی (مطالعه‌ی موردی جمهوری اسلامی ایران)
۶۲	بررسی بحران‌های پنج‌گانه توسعه سیاسی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران
۶۳	نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در مدیریت بحران
۶۴	تحلیل رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه کلاوس اوفه
۶۵	بررسی و تحلیل عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام سیاست‌گذاری در ایران
۶۵	فراتحلیلی بر پژوهش‌های حوزه حکمروایی شهری در ایران
۶۶	چالش‌های اجرای نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در ایران دهه ۹۰
۶۷	تأثیر کارایی هزینه و اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جهان
۶۸	بازتولید ساختار رانتی در ایران
۶۹	ارزیابی تئوری برنامه سیاست‌های ضد فساد در ایران بعد از انقلاب

فصل اول: نظریه‌هایی در تحلیل نظام سیاسی ایران با تکیه بر کارآمدسازی

دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره‌ی جمهوری اسلامی (حسین بشیریه)

این کتاب، در سال‌های پس از پیروزی جنبش دوم خرداد نوشته شده و به نظر می‌رسد تحت تأثیر آن فضا، اصلاحات سیاسی در درون ساختار قدرت مهم‌ترین راهکار مقابله با ناکارآمدی حکومت عنوان شده است. از دید نویسنده، شکاف‌های موجود در ساختار قدرت نظیر شکاف فقه-قانون، شکاف سنت-مدرنیته، شکاف فقیه سالاری-دموکراسی، شکاف ایدئولوژی-پلورالیسم، شکاف بسیج توده‌ای-جامعه مدنی و... هستند که عوامل اصلی بحران مشروعیت در نظام را ایجاد کرده‌اند. همچنین ویژگی‌های دولت ایدئولوژیک مانند محدودیت ظرفیت مشارکت سیاسی و عدم تکوین سازمان‌ها و احزاب رسمی، ضعف نهادمندی در رویه‌ها و کردارهای سیاسی در عین حال که فرایندهای نوسازی به پیچیده شدن صحنه اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد، غلبه فرهنگ سیاسی رمانتیک ارزشی-احساسی بر پایه نوعی پاتریمونیالیسم سیاسی، ضعف در کارویژه‌های دولت یا بحران در کارایی، ضعف در مکانیسم‌های ارزیابی اجتماعی عملکرد و سیاست‌های نظام (فرایند بازخوران) و اختلال در فرایندهای ارتباطی با سیستم بین‌المللی در تشدید این امر بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. به عقیده ایشان، به نظر می‌رسد که نظام جمهوری اسلامی از همان آغاز مواجه با چندین بحران متراکم بوده است. هرچند برخی از این بحران‌ها به ویژه پس از سال ۱۳۶۸ بروز آشکارتری یافته است. برخی از این بحران‌ها نتیجه فشارهای فرایند دموکراتیزاسیون از درون بوده و از همان آغاز کم و بیش حضور داشته‌اند. در مقابل، برخی دیگر از بحران‌ها و یا برخی از وجوه آنها در نتیجه فشارهای فرایند جهانی شدن عارض گردیده‌اند.

به این ترتیب بحران در کارایی، یکی از بحران‌هایی است که نظام جمهوری اسلامی با آن درگیر بوده و راه حل آن تنها در اصلاحات و توسعه سیاسی است. ویژگی‌های بحران کارایی از نظر بشیریه عبارت است از:

- ضعف در ایفای کارویژه ایجاد و حفظ همبستگی
- ضعف در ایجاد مکانیسم‌های حل منازعه بین گروه‌های حاکمه و گروه‌های بیرون از عرصه قدرت از یک سو و در درون خود گروه‌های حاکمه از سوی دیگر
- ضعف در ایفای کارویژه نیل به اهداف منتخب از جمله عدالت اجتماعی
- کنترل اخلاقی و فرهنگی جامعه
- ضعف در کارویژه تطبیق با شرایط متحول و جدید که به واسطه گسترش امواج جهانی شدن و تأثیر آن در سطح داخل شدت بیشتری پیدا کرده است

بشیریه در این کتاب، در مورد این بحران و ویژگی‌های آن به طور مشخص صحبت نکرده و تنها به اشاره‌ای اکتفا کرده است و بحث اصلی او در این کتاب، بیشتر حول بحران مشروعیت حکومت به عنوان یک نظام ایدئولوژیک تمرکز یافته است.

۱. بحران مشارکت سیاسی

در اوایل انقلاب پس از ظهور شکاف اول میان نیروهای ائتلاف بزرگ انقلاب، بخش‌های عمده‌ای از طبقات و نیروهای اجتماعی و سیاسی مدرن به ویژه روشنفکران و طبقه متوسط جدید دچار انفعال سیاسی شده بودند. سپس بعد از سال ۱۳۶۸ با تشدید شکاف در درون بلوک نیروهای سنتی مسلط (نخست پیدایش شکاف میان آنچه راست سنتی و چپ سنتی خوانده شده و سپس میان راست سنتی و راست مدرن) بخش‌هایی از بلوک سنتی نیز دچار انفعال شدند. مجموع نیروهایی که در آن دو مرحله از دایره فعالیت و رقابت سیاسی حذف شده بودند، پایگاه اجتماعی حمایت از انتخابات سال ۱۳۷۶ به منظور باز کردن مجاری مشارکت سیاسی را تشکیل می‌دادند. به ویژه پس از انتخابات بخش‌های عمده‌ای از نیروهای متعلق به طبقه متوسط جدید و نیز اجزایی از نیروهای سنتی که در گذشته دچار انفعال شده بودند با پیدایش فرصت مشارکت و رقابت سیاسی نسبی فعالیت بیشتری پیدا کردند.

۲. بحران مشروعیت سیاسی

تداخل و تعارض سه نوع سلطه (کارزماتیک، سنتی، قانونی) موجب بی‌ثباتی سیاسی، بروز اختلاف درباره شکل فعالیت و مشارکت سیاسی و نهایتاً بحران در مشروعیت می‌گردد. به نظر می‌رسد که خلط و تداخل انواع مشروعیت و عدم غلبه الگویی واحد زمینه چنین بحرانی را در جمهوری اسلامی فراهم آورده است.

۳. بحران سلطه سیاسی

به طور کلی دولت در هر صورت بندی اجتماعی باید، بر حسب مقتضیات آن صورت بندی و از چشم‌انداز روابط با نیروها و طبقات اجتماعی، سه کارویژه اصلی را برای حفظ سلطه و وحدت و انسجام خود ایفا کند. مثلاً در صورت بندی سرمایه‌داری پیشرفته، دولت باید اولاً میان طبقات حاکمه در درون بلوک قدرت، وحدت و یکپارچگی ایجاد کند. ثانیاً میان طبقات تحت سلطه به ویژه نیروهای معارض تفرقه بیفکند و از تشکل و سازماندهی آن‌ها جلوگیری کند و ثالثاً بخش‌های دیگر جامعه و به ویژه طبقات ماقبل سرمایه‌داری را جهت تقویت خود از نظر ایدئولوژیک بسیج کند. در مورد صورت بندی اجتماعی-سیاسی خاص ایران از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ این سه کارویژه به صورت زیر قابل بیان‌اند: اولاً دولت می‌بایست انسجام و وحدت طبقات سنتی و ماقبل سرمایه‌داری حاکم در بلوک قدرت را از طریق ایجاد استیلای ایدئولوژیک حفظ کند و از فعال شدن شکاف‌های بالقوه ممانعت به عمل آورد. ثانیاً از تشکل و انسجام نیروهای متعلق به طبقات مدرن به شیوه‌های گوناگون جلوگیری کند و میان آنها تفرقه بیندازد و ثالثاً می‌بایست همچنان بتواند جهت تأمین مقاصد خود به بسیج توده‌ای بپردازد.

حکومت در عمل نتوانست میان نیروهای بلوک قدرت و وحدت و انسجام ایجاد کند، بلکه برعکس هسته اصلی آن، نوعی شیوه انحصارگرایی در حکومت و انسداد سیاسی در عمل را پیشه کرد.

همین ناتوانی در ایفای کارویژه اول سبب بروز ناتوانی در اجرای دو کارویژه دیگر نیز شد. یعنی از یک سو با توجه به بروز تعارضات در درون طبقه حاکمه سنتی، زمینه‌های همفکری میان بخش‌هایی از آن با گروه‌های خارج از بلوک قدرت فراهم آمد و در نتیجه امکان جلوگیری از انسجام و سازمان‌یابی گروه‌های متعلق به طبقات مدرن هرچه بیشتر کاهش یافت و از سوی دیگر با توجه به سلطه گرایش اشرافی-بازاری و تضعیف گرایش رادیکال زمینه‌های بسیج توده‌ای به شکل گذشته (کارویژه سوم) تضعیف شد.

۴. جمع بندی نویسنده

بحران‌های مشروعیت، مشارکت و سلطه، سه وجه واقعیت واحدی را تشکیل می‌دهند که از یک سو به ویژه در سال‌های

پس از ۱۳۶۸ موجب تضعیف کارویژه‌های اصلی حکومت در حفظ همبستگی و حل منازعات سیاسی و اجتماعی گردیده و از سوی دیگر با ایجاد شکاف در بلوک قدرت نیروهای سیاسی تازه‌ای را ایجاد و یا آزاد ساخته است. با خلل‌هایی که در ایدئولوژی سنت‌گرایی پدید آمده و آن را با محدودیت‌های اساسی در برخورد با فشارهای داخلی و جهانی روبرو ساخته است، گفتمان ایدئولوژیک رقیبی با پایگاه اجتماعی گسترده و کم و بیش سازمان‌یافته‌ای پدیدار شده که با بهره‌برداری از بحران‌های مذکور برخی از کرسی‌های اصلی قدرت را تصرف کرده است. این گفتمان هم نسبت به فشارهای درونی در مسیر گذار به دموکراسی و هم به فشارها و نیروهای فرایند رو به گسترش و اجتناب‌ناپذیر جهانی شدن، واکنش مثبت نشان داده است.

مشخصات منبع:

● بشیریه، حسین. ۱۳۸۱. دیپلاچ‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره‌ی جمهوری اسلامی. تهران: نگاه معاصر.

نویسنده: فهیمه بهرامی

چرا اصلاحات شکست خورد؟ (کاظم علمداری)

۱. موانع ساختاری سیاسی

دولت در سایه: از سال ۱۳۵۷ ایران دو ساختار غیرطبقاتی بسیج و قدرت سیاسی، یعنی پوپولیستی و کلانتالیستی (حامی‌پروری) را تجربه کرده است. پوپولیسم (توده‌زدگی، تک‌رهبری و همه با هم) پدیده جامعه در حال گذار و محصول انقلاب توده‌وار، در نبود تشکل‌های حزبی است. با درگذشت آقای خمینی، پوپولیسم جای خود را به سیستم حامی‌پروری داد. عوامل ایجاد حامی‌پروری در ایران:

- ساختار چندمحوری مذهب شیعه
- اقتصاد دولتی. رانتی وابسته به نفت
- انقلاب توده‌وار در جامعه بدون تشکیلات حزبی

این شرایط عامل پیدایش گروه‌های سرخود نظامی، امنیتی، سیاسی، مالی و دینی رقیب و مستقل از دولت شد. برخی از این گروه‌ها در ادامه حیات خود به ارگان‌های اصلی قدرت نظام بدل شدند.

ساخت قدرت در ایران در این دوره به جای لایه‌های افقی طبقات اجتماعی، از ستون‌های عمودی گروه‌های حامی‌پرور خودسر که مستقل از یکدیگر و دولت قرار داشتند تشکیل می‌شد. این ساختار تا به امروز به جابه‌جایی‌ها ادامه یافته است، از یک سو مانع بزرگی در راه اجرای اصلاحاتی بود که به حکومت قانون و تبعیت از دولت منتخب و مرکزی و امنیت نیاز داشت، و از سوی دیگر زمینه رشد و پرورش دولت سایه را فراهم آورد. زیرا دولت سایه توانست خارج از کنترل دولت منتخب، از امکانات وسیع مالی، نظامی، امنیتی و قضایی برخوردار شود، بی‌آنکه پاسخگوی عملکردهای خویش باشد. (همان: ۴۸-۴۹). این ساختار، با توسعه جامعه ایران مغایر است.

غلبه روزافزون تجارت در اقتصاد ایران و افزایش وابستگی به درآمد نفت، از عوامل ساختاری عدم توسعه یافتگی ایران است. هر قدر درآمد دولت از فروش نفت بالاتر رود، میزان واردات کالا نیز افزایش خواهد یافت. این ناشی از سرشت اقتصاد تجارتهای ایران است. گروه‌های کلانتالیستی با استفاده از امتیازهای ویژه با پوشش‌های حکومتی و دینی، در عرصه تجارت

کالا بسیار فعال بوده‌اند. منابع غیررسمی میزان معاملات تجاری خارج از کنترل دولت را ۶۰ درصد کل واردات برآورد می‌کنند. این ویژگی، بخش دیگری از ساختار قدرت را در ایران تشکیل می‌دهد که در شکست اصلاحات نقش داشت (همان: ۵۲). نظام ولایت فقیه برخلاف رژیم‌های سلطانی شکل هرمی ندارد، بلکه شکل خیمه دارد. یعنی موجودیت این نظام نه بر محور یک فرد، یعنی سلطان یا ولی فقیه، بلکه بر ستون‌های متعدد و موازی قدرت استوار است. این ستون‌های موازی در عین رقابت و تضاد و همکاری با یکدیگر، خود صاحب قدرتند، از درآمد هنگفت نفت به طور مستقیم و غیرمستقیم و امتیازهای دیگر بهره می‌برند و مراقب حفظ نظام‌اند. نقش ولی فقیه بیشتر تقسیم منابع قدرت میان افراد جناح خود است (همان: ۶۳). با این توضیحات، تغییر در این نظام از طریق تحول اصلاحی مرحله‌ای و ایجاد بلوک قدرت مدنی و شکل‌گیری ساختار طبقاتی ممکن است. ساختارگرایی غیرطبقاتی است و مبارزه طبقاتی را به پوپولیسم بدل می‌کند. در ساختار کنونی جمهوری اسلامی، طبقات بالای جامعه از ایدئولوژی مذهبی توده‌ها برای خنثی کردن مبارزات اقتصادی آنان استفاده می‌کنند. هنوز بخش بزرگی از کارگران، فرمانبردار رهبران مذهبی است که حقوق اقتصادی او را ضایع می‌کند. سازماندهی مردم برای دستیابی به حداقل قدرت و استفاده از اهرم قدرت برای سازماندهی بیشتر، و استفاده از سازماندهی بزرگتر برای کسب قدرت بیشتر مسیری است که باید طی شود (همان: ۶۹).

اجرای اصلاحات منوط به دگرگونی در نظام حقوقی کشور است. بنابراین نه توسعه سیاسی و یا توسعه اقتصادی به طور کلی، بلکه تغییر نظام حقوقی در هر دو زمینه و رفع موانع مشخص اقتصاد تولیدی، از جمله سرمایه‌گذاری خارجی، دعوت از مدیران صنعتی دوره گذشته و گشودن فضای آزاد برای رشد خلاقیت‌های فکری و جلب مغزها و استعدادها بر بحث‌های رقابتی دو جناح تقدم داشت و دارد. در یک عبارت کوتاه می‌توان گفت که گره کار نه تقدم و تأخر اقتصاد و سیاست، بلکه دولتی بودن اقتصاد ایران است که مانع اصلی توسعه سیاسی نیز شده است. اقتصاد دولتی استبداد و دیکتاتوری می‌سازد. راه حل توسعه سیاسی، خصوصی‌سازی اقتصاد و پایان دادن به سلطه مطلق دولت رانتی بر آن است. (همان: ۷۳)

ساخت و تغییر قوانین در هر کشوری توسط دستگاه قانون‌گذار آن بدون خشونت انجام می‌شود. در ایران نیز باید موانع این مشکل برطرف شود تا مشکل تقدم سیاسی یا اقتصادی نیز حل شود. در غیر این صورت، دلیلی برای تغییر آنچه رخ می‌دهد وجود ندارد.

موانع ساخت دموکراسی در ایران حقوقی، و ادامه مشکلات حقوقی، قدرت سیاسی غالب است. این دو نهاد در هم تنیده شده‌اند و دین توجیه‌گر اتصال آنهاست. بنابراین، نخست آنکه توسعه اقتصادی و سیاسی خود به خود منجر به دگرگونی ساختار حقوقی نخواهد شد. دوم، دستگاه اجرایی و مجلس بدون تغییر بنیادی ساختار حقوقی نظام، از جمله رها کردن اهرم نظامی و قضایی از سلطه انحصاری مخالفان اصلاحات، ناتوان بوده است و ناتوان باقی خواهند ماند و جامعه را به دموکراسی نخواهند رساند (همان: ۷۵).

۲. موانع حقوقی

رابطه هر حکومتی با مردمش در قانون اساسی آن تعریف می‌شود. مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی، این رابطه غیردموکراتیک، یک طرفه و ناشی از اراده فقها و برگشتی به دوران گذشته یا اسلام سنتی است. رابطه دموکراتیک حکومت با شهروندان یک رابطه زمینی و نیازمند قوانین سکولار، نسبی، تغییرپذیر و برآمده از آرای مردم است. در ایران هیچ‌گاه نظام قانونی سکولار و جدا از فقه اسلامی به وجود نیامد. در اصل ۴ قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.» با استناد

به این اصل، هر اصل و بند دیگر قانون اساسی (مانند آزادی مطبوعات و...) مشروط به رعایت موازین اسلامی، و تشخیص آن با شورای نگهبان است... اصل ۴ مانع بزرگی در تحول اصلاحی جامعه و حکومت بوده است (همان: ۸۰، ۸۱).

برخی معتقدند که قدرت حقیقی و قدرت حقوقی در ایران یکی نیست. اگر قدرت قانونی در ایران اعمال شود، یا قانون اساسی به درستی اجرا شود، مشکلات کنونی به تدریج برطرف و رژیم اصلاح خواهد شد. به عبارت دیگر، ریشه مشکلات موجود نه قانون بد، بلکه افراد بدند که از قضا صاحب قدرت حقیقی، نه حقوقی، در جمهوری اسلامی اند. آنها معتقدند که با انتخاب افراد خوب، مانند دوره اصلاحات، رژیم اصلاح می‌شود. بنابراین هدف استراتژیک این بدیل تلاش برای انتقال قدرت از حوزه حقیقی به حوزه حقوقی است، یا اجرای درست قانون اساسی.

برخلاف نظریه فوق، قدرت حقیقی و حقوقی در ایران یکی است. صاحبان حقیقی قدرت، از جمله رهبری، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، شورای مصلحت نظام، دستگاه قضایی، فرماندهان ارگان‌های نظامی از جمله سپاه پاسداران و بسیج، رئیس جمهور و اعضای کابینه، دستگاه امنیتی و زندان‌ها، رئیس امنیت ملی همه قانونی‌اند و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی در قدرت‌اند. این افراد از طریق کودتای نظامی به قدرت نرسیده‌اند که غیرقانونی باشند. نقشی که شورای نگهبان در تصفیه کاندیداها و یا رد مصوبه‌های مجلس ایفا می‌کند، کاملاً بر اساس قانون است (همان: ۸۴).

سیستم قانونی نظام جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی آن، تولیدکننده بسیاری از مشکلات از جمله ستمگری و تبعیض قانونی است. قوانین کلی چون «نهی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌پذیری» در بند ۲ اصل ۲ قانون اساسی بدون نشان دادن اهرم اجرایی آن معنایی ندارد. به عبارت دیگر، قانون اساسی ابزار و قدرتی در اختیار شهروندان قرار نمی‌دهد که از ستمگری حکومتگران بر مردم ممانعت کند. برعکس، ویژگی اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی انحصار قدرت مطلق در دست افراد معدودی است که می‌تواند به سادگی به ستمگری بیانجامد (همان: ۸۵).

ساختار نظام حقوقی جمهوری اسلامی همانند ساختار سیاسی آن معیوب است. همه این مشکلات را نمی‌توان ناشی از ضعف مدیریت در میان اصلاح‌طلبان و عدم سلامت افراد در جبهه مخالف دانست (همان: ۸۶).

مشکل دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی آن است که نقض قانون را قانونی کرده است. جمهوری اسلامی کوشیده است که با گنجاندن نهاد «شورای مصلحت نظام» در قانون اساسی از بن‌بست‌های احتمالی و جاری و پیش‌بینی نشده عبور کند. ایجاد همین نهاد که ظاهراً برای حل بن‌بست‌های درونی نظام به وجود آمده است، اولاً نشان از مشکل ساختاری نظام و ناکارآمد بودن احکام فقهی برای دوره کنونی می‌دهد، ثانیاً در صورت حل مشکل موضعی، توان توسعه و تحولات دموکراتیک را از سیستم می‌گیرد. یعنی با حل مشکلی، مشکل دیگری ساخته می‌شود و مهم‌تر از همه، اساس قانون را به طور قانونی خنثی می‌کند و مصلحت حکومت‌کنندگان قرار می‌گیرد، نه برعکس (همان: ۹۰).

قانون اساسی جمهوری اسلامی بر اساس نظریه ولایت فقیه ساخته شده است. مطابق نظر آیت‌الله خمینی، حکومت حق فقیه شمرده می‌شود و مردم حقی ندارند، بلکه موظفند که از ولی فقیه اطاعت کنند. زیرا به زعم ایشان، فقها وارث پیامبرند و از همان حقی برخوردارند که پیامبر برخوردار بود. این نظام حقوقی - سیاسی هیچ قرابتی با مردم‌سالاری مورد ادعای برخی اصلاح‌طلبان ندارد. قانون اساسی جمهوری اسلامی بر پایه این اصول بنا شده و به همین دلیل، نظام قضایی آن نیز در اختیار فقها قرار دارد و نقش حقوقدان مستقل و آگاه به فلسفه و نظریه‌های علمی حقوق مدون و مدرن، فرعی و ثانوی است (همان: ۹۱).

فقه نه ظرفیت هضم نیازمندی‌های حقوقی امروز را دارد و نه انعطاف و تغییرپذیری لازم برای جامعه متحول کنونی را. به همین دلیل دولت را که درگیر سیاست عملی است به بن‌بست می‌کشاند و مجلس قانون‌گذاری را که باید بر اساس نیازمندی‌های جامعه قوانین جدید تصویب کند به ابزار اراده نهاد دیگری که به طور قانونی موظف به حفظ و رعایت سنت‌ها

و احکام فقهی است بدل می‌سازد (همان: ۹۸).

واقعیت این است که ساختار حقوقی جمهوری اسلامی نه برای دموکراسی و رعایت حقوق برابر شهروندان، نه برای توسعه و حفظ منافع ملی ایران، بلکه برای حکومت مطلقه‌ی فقها، و اسلام مورد نظر آنها یا تفسیر دینی خاص خود از اسلام، و حفظ امتیازهای ویژه برای این صنف ساخته شده است. این ساختار مانع از اجرای طرح اصلاحات از جمله اصلاح نهاد انحصاری قدرت بوده است. راه حل تغییر این قوانین است (همان: ۱۰۸).

۳. خطاهای عمده در سیاست راهبردی و کاربردی

شاید شناخته شده‌ترین سیاستی که اصلاح‌طلبان قصد کاربرد آن را داشتند و نام استراتژی بر آن نهاده بودند، روش متداول سندیکایی در جوامع دموکراتیک یعنی «چانه‌زنی از بالا، فشار از پایین» بود. این سیاست در صورتی کاربرد داشت که تشکیلات جنبش‌های اجتماعی مدافع اصلاحات وجود داشتند تا به صحنه آوردن مردم، یعنی فشار از پایین، نیروهای مخالف اصلاحات را در بالا وادار به مذاکره و چانه‌زنی حول خواسته‌های اصلاحات کنند... اصلاح‌طلبان ابزار آن را که تشکیلات وسیع حزبی یا سندیکایی و یا جنبش‌های توده‌ای و مدنی باشد، در اختیار نداشتند. بنابراین، به دلیل نبود تشکیلات و سازماندهی و فشار از پایین، خواست چانه‌زنی در بالا بی‌پشتوانه بود (همان: ۱۸۸-۱۸۹).

یکی از بزرگ‌ترین خطاهای سیاستی و بینشی اصلاح‌طلبان تقسیم تبعیض‌گرایانه شهروندان به دو گروه خودی و غیرخودی بود. بازتاب این دیدگاه استراتژیک در زمینه‌های مختلف عامل اصلی بی‌برنامگی و سرگردانی آنها نیز شد، زیرا آنها میان ماندن با غیرخودی‌هایی که به آرا و پشتیبانی آنها نیاز داشتند و مدافع اصلاحات بودند، و متحدان خودی و رقبای حکومتی خود که مخالف اصلاحات بودند، سرگردان ماندند (همان: ۱۹۱).

برای اصلاح ساختار قدرت و جامعه، می‌بایست پیوند سنتی با مراجع روحانی شکسته شود و استقلال فرد (فردیت) واقعیت یابد (همان: ۲۸۶).

مقابله جدی با فرهنگ خشونت و تجاوز قانونی به حقوق دیگران نهادینه شده در ساختار جمهوری اسلامی ضرورت دیگر اصلاحات است. خشونت‌ورزی از آغاز پیدایش جمهوری اسلامی با آن همراه بوده است. تنش درونی نظام و تنش خصمانه‌ای که نظام با اکثریت مردم به دلیل عدم هماهنگی ذهنی، فکری، عقیدتی و سیاسی با آنها دارد، کاربرد خشونت را به بخشی از طبیعت این نظام تبدیل کرده است (همان: ۲۸۷).

سیاست رادیکال می‌بایست شامل برنامه‌ای با خواست‌های استراتژیک (درازمدت) روشن و شفاف برای گذار از استبداد دینی و مکانیسم دخالت مستقیم مردم در اجرای آن باشد. رفع این موانع با امید بستن به اصلاح‌طلبان درون حکومتی تکرار اشتباهات دوره قبل است. مردم خود باید از طریق مکانیسم‌های مقاومت مدنی حکومت را وادار به پذیرش حقوق خود کنند. درخواست کمک از محافل جهانی، چون سازمان ملل متحد، اصرار بر نظارت آنها بر نقض حقوق بشر، نظارت بر انتخابات، و کمک به تشکیل نهادهای مدنی برای نظارت مستقیم بر دخل و خرج نفت از جمله این اقدامات است (همان: ۲۹۶).

مشخصات منبع:

- علمداری، کاظم. ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی ایران: چرا اصلاحات شکست خورد؟ نقدی بر عملکرد هشت ساله اصلاح‌طلبان در ایران. کالیفرنیا: شرکت انتشارات سایه.

نویسنده: فهیمه بهرامی

فصل دوم: تحلیل کارآمدی از خلال توسعه

مقدمه

مقالاتی که در این فصل گرد آمده‌اند، دیدگاه شماری از کارشناسان در مورد مسئله‌ی توسعه‌ی ایران هستند. این سلسله مقالات و مصاحبه‌ها در دوماهنامه‌ی چشم‌انداز ایران در حد فاصل سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۰ منتشر شده‌اند. مسئله‌ی توسعه‌ی ایران فراتر از ناکارآمدی دولت و نظام سیاسی است و ممکن است به عواملی بیرون از ساخت دولت (شرایط بین‌المللی، جهت‌گیری فرهنگ و سنت، نظام هنجاری و ...) بازگردد. در واقع نسبت این دو مسئله را می‌توان نوعی نسبت عموم و خصوص مطلق در نظر گرفت. بخشی از موانع توسعه‌یافتگی ایران به ناکارآمدی نظام سیاسی بازمی‌گردد و بخشی از راه‌حل‌ها و مسیرهای توسعه‌ی ایران نیز از رهگذر کارآمدسازی دولت می‌گذرد. لذا مباحث کارشناسانی که به بحث توسعه‌ی ایرانی پرداخته‌اند در قالب مسئله‌ی کارآمدی نظام سیاسی نیاز به صورت‌بندی مجدد دارد. در چکیده‌ای که از مباحث این کارشناسان ارائه شده کوشیده آن بخشی از طرح مسئله و راه‌حل آنان که ارتباط بیشتری با کارآمدی نظام سیاسی دارد، برجسته گردد. لازم به ذکر است که ترتیب مقالات این فصل به ترتیب تاریخ انتشار در دوماهنامه‌ی چشم‌انداز ایران است.

حسین موسوی

حکمرانی خوب، بنیان توسعه (احمد میدری)

در این مقاله احمد میدری بر این نظر است که در باب مناسبات اقتصادی و سیاسی، بحث بر سر مداخله یا عدم مداخله دولت در کارویژه‌های نهاد بازار نیست، بلکه مسئله اصلی بر سر حکمرانی خوب است، به نحوی که قانون، محور سازوکارهای روابط قدرت و ثروت قرار گیرد. همچنین به نظر ایشان، چاره کار تنها تلاش برای برگزاری انتخابات آزاد نیست، بلکه قاطبه مردم باید بتوانند نوعی مشارکت بین‌الذهانی را در میان خود و در همزیستی روزمره تجربه کنند. از خلال همین نگاه است که جامعه می‌تواند به آزادی پایدار سیاسی دست یابد و در نتیجه، حاکمیت قانون را در مناسبات هرروزه خود تجربه کند. شفافیت و پاسخگویی دولت از معیارهای کارآمدی آن طبق نظریه‌ی حکمرانی خوب است. شفاف‌سازی در بودجه، شفاف‌سازی قراردادهای خارجی، برگزاری شفاف معاملات خارجی، برقرار انضباط بر خزانه‌داری دولت، تمرکززدایی در ساختار تصمیم‌گیری، شایسته‌سالاری و روان‌سازی نظام اداری از جمله اصلاحات اقتصادی هستند که برای کارآمدسازی دولت ضرورت دارند (میدری، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۶).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
احمد میدری	حکمرانی خوب با شاخص‌های شفافیت و پاسخگویی مشارکت‌های محلی و مردمی در شهر و روستا	فقدان شفافیت و پاسخگویی و حاکم نبودن مناسبات قانونی

مشخصات منبع:

- میدری، احمد. ۱۳۸۸. «حکمرانی خوب، بنیان توسعه». چشم انداز ایران. شماره ۵۷، شهریور و مهر ۸۸، صص ۴۳-۴۶.

تقدم توسعه‌ی سیاسی (ابراهیم یزدی)

ابراهیم یزدی در این یادداشت بر مسئله توسعه تمرکز می‌کند و محور مغفول مانده‌ی توسعه در ایران را توسعه انسانی می‌داند. به نظر ایشان، تمرکز صرف بر میزان رشد اقتصادی به عنوان شاخص توسعه یافتگی کفایت نمی‌کند، بلکه همچنین لازم است تا انسان به مثابه ابزار و هدف توسعه به صورت توأمان مطرح شود. همچنین دکتر یزدی بر این باور است که مسئله اساسی توسعه در ایران، خصلتی سیاسی دارد و تا زمانی که توسعه سیاسی به نتیجه‌ای نرسد، در بخش‌های دیگر توسعه توفیقی حاصل نخواهد شد. در نهایت ایشان برای ورود به عصر توسعه چهار راهکار تحول در نظام فرهنگی، تحول در نظام آموزشی، تحول در نظام سرمایه‌گذاری و تحول در نظام اقتصادی و اجرایی را پیشنهاد می‌دهد (یزدی، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۵).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
ابراهیم یزدی	تحول در نظام آموزشی تحول در نظام سرمایه‌گذاری، اقتصادی و اجرایی	عدم محوریت انسان به مثابه هدف توسعه فقدان توسعه‌ی سیاسی

مشخصات منبع:

- یزدی، ابراهیم. ۱۳۸۸. «موانع توسعه در ایران». چشم انداز ایران. شماره ۵۸، آبان و آذر ۸۸، صص ۶۰-۶۵.

فقدان پاسخگویی و عدم شفافیت (عزت‌الله سبحانی)

عزت‌الله سبحانی در این مقاله بر این نظر است که گسترش بی‌وقفه‌ی فساد در همه‌ی ارکان ساخت سیاسی-اقتصادی موجب شده تا بی‌تفاوتی و بیگانگی فزاینده دامن گیر مناسبات میان مردم شود و این بیگانگی در روابط میان مردم و مسئولان نیز حکمفرما شود. نتیجه بدیهی چنین وضعی، کاهش بیش از پیش سرمایه اجتماعی است که سبحانی آن را زیربنای همه منابع دیگر سرمایه (از جمله اقتصادی و ذخائر طبیعی و ...) می‌داند. همچنین، ایشان دو عامل استبداد و استعمار خارجی را در کنار ثروت نفت و فرهنگ ایرانی، به عنوان موانع تاریخی توسعه معرفی می‌کند. دول استبدادی به دلیل سود حاصل از فروش منابع بادآورده هیچ‌گاه خود را در پیشگاه مردم پاسخگو نمی‌دانند. به علاوه اینکه عدم شفافیت نیز موجب شده تا ایران به لحاظ سیاسی، در میان کشورهای توسعه نیافته طبقه بندی شود. در نهایت، راهکار میان مدت مرحوم مهندس، تحول در

نظام اقتصادی بدون وابستگی به درآمدهای نفتی است. راهکاری که موجب می شود تا همانا لوازم راهکار بلندمدت تری که عبارت از تغییر بافتار نظام فرهنگی ریشه دوانیده در روحیات ایرانی است، مهیا شود. در این مسیر، همچنین نباید از فعالیت های فکری و آموزشی توسط نخبگان نیز غافل بود (سحابی، ۱۳۸۸: ۲۷-۳۴).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
عزت الله سحابی	تحول در نظام سرمایه گذاری تحول در نظام اقتصادی در جهت کاهش وابستگی به نفت عدم وابستگی به درآمدهای نفتی کار فکری و آموزشی توسط نخبگان برای تغییر نظام فرهنگی	گسترش فساد، کاهش سرمایه اجتماعی استبداد، عدم شفافیت، استعمار خارجی درآمد بادآوردهی نفتی و عدم پاسخگویی

مشخصات منبع:

● سحابی، عزت الله؛ موانع توسعه در ایران؛ چشم انداز ایران، شماره ۵۹، دی و بهمن ۸۸، صص ۲۷-۳۴.

تنگناهای اقتصادی توسعه (احمد علوی)

به باور احمد علوی، توسعه یک فرآیند پرفراز و نشیب و بلندمدت است و نمی توان در مدت زمانی کوتاه، چشم انتظار توسعه پایدار و همه جانبه بود. همچنین میان رشد و توسعه اقتصادی تفاوت بنیادینی وجود دارد به این معنی که به بهانه رشد روزافزون اقتصادی، این احتمال وجود دارد که شاخص های توسعه به تمامی نادیده گرفته شود (تجربه چین). علوی بر این نظر است که تأمین حقوق شهروندی در پرتو قانونمندی، از پایه های جامعه توسعه یافته محسوب می شوند. در این میان، نقش انسانی که بتواند با تلاش خویش و طرح مطالبات در فرآیند توسعه، فعالیتی مؤثر انجام دهد، برجسته است. علوی، پایین بودن پیوند ضعیف با بازار سرمایه خارجی، پایین بودن نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی از جمله بازار مالی، عدم توازن نسبی در ارزیابی و ارزش های بخش های اقتصادی، ترکیب سنتی صادرات و بحران آلودگی محیط زیست را از موانع توسعه یافتگی می داند. وی راهکارهایی همچون افزایش سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی، سرمایه نهادی و ساختاری را به عنوان سازوکارهایی برای رسیدن به سطحی از توسعه معرفی می کند (علوی، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۳).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
احمد علوی	تأمین حقوق شهروندی قانونمندی افزایش سرمایه نهادی و ساختاری	پایین بودن نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی ضعف ارتباط با سرمایه گذار خارجی عدم توازن نسبی در ارزیابی و ارزش های بخش های اقتصادی ترکیب سنتی صادرات

مشخصات منبع:

● علوی، احمد. ۱۳۸۸. «تنگناهای توسعه». چشم انداز ایران. شماره ۵۹، دی و بهمن ۸۸، صص ۳۵-۵۰.

دولت رانتیر و دیوانسالاری خدماتی. امنیتی (تقی رحمانی)

رحمانی، یکی از ویژگی‌های جامعه توسعه یافته را در تبادل و تعامل بودن با جهان می‌داند. به نظر وی، صرف مبانی نظری نمی‌تواند کمک چندانی به پیشبرد توسعه کند، بلکه در این میان، بازخوانی تجربیات سایر کشورها در حوزه توسعه بسیار حیاتی است. از خلال بازخوانی این تجربیات است که می‌توان به امکان خلق رویکردی بومی اندیشید. رویکردی که البته در گفتگو با راهبرد دیگر کشورها در مسیر توسعه است. به باور رحمانی، از موانع جدی توسعه در ایران، دیوانسالاری خدماتی-امنیتی است که می‌تواند توسط نهادهای مدنی، رسانه‌های آزاد و نهادهای نظارتی مستقل مهار شود. همچنین ایده توسعه، می‌تواند بر توسعه متوازن و تعاملی با جهان مبتنی شود (رحمانی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۴).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
تقی رحمانی	مهار دیوانسالاری توسط نهادهای مدنی، رسانه‌های آزاد و نهادهای نظارتی مستقل ارائه برنامه‌های عملی و اجرایی به دولت‌ها توسعه متوازن و تعاملی با جهان	دیوانسالاری خدماتی. امنیتی دولت رانتیر

مشخصات منبع:

- رحمانی، تقی. ۱۳۸۸. «بومی کردن توسعه در ایران». چشم انداز ایران. شماره ۵۹، دی و بهمن ۸۸، صص ۵۱-۵۴.

موانع توسعه در ایران (امیرسعید موسوی حجازی)

در این مقاله، نویسنده هدف از توسعه را، سامان یافتگی نظام ارزشی و روابط اجتماعی مطلوب به همراه امنیت عمومی معرفی کند که توسط یک نظام سیاسی دموکراتیک امکان پذیر می‌شود. به نظر موسوی حجازی، دموکراتیک شدن این نظم سیاسی، منوط و موقوف به حضور مطبوعات مستقل و آزاد است. به باور وی، یکی از مشکلات توسعه نیافتگی، دانش نیمه‌کاره نخبگان ایرانی است که سبب شده تا شناخت ناقصی از غرب و پیشرفت‌های عصر جدید به دست دهند. وی، مسیر تولید در راه صنعتی شدن را به عنوان راهکار خود بیان می‌دارد (موسوی حجازی، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۶).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
امیرسعید موسوی حجازی	وجود مطبوعات آزاد و مستقل و تکوین نظام سیاسی دموکراتیک تکیه به تولید در مسیر صنعتی شدن	غیردموکراتیک بودن نظام سیاسی دانش نیمه‌کاره نخبگان و عدم درک صحیح از غرب

مشخصات منبع:

- موسوی حجازی، امیرسعید. ۱۳۸۸. «موانع توسعه در ایران». چشم انداز ایران. شماره ۵۹، دی و بهمن ۸۸، صص ۵۵-۵۶.

وابستگی به نفت و فقدان فرصت برابر (محمد ستاریفر)

در این مقاله، ستاریفر می‌کوشد نشان دهد که نظام کارآمد، نظامی است که حق انتخاب‌های بیشتر و فرصت‌های بهتری را برای همگان فراهم کند. به نظر وی در این نظام، توسعه در شرایطی ممکن می‌شود که نظم، انضباط و سازمان دقیقی در مناسبات آن نظام برقرار باشد. وی معتقد است که از مشروطه تا کنون، دولت پیش‌برنده‌ای که بتواند به مثابه موتور توسعه ایفای نقش کند و جامعه را به نظم و سامان بهتری برساند و همچنین، درآمدهای نفتی را از خود جدا کند، وجود نداشته است. به نظر ستاری فر، اگر چهار سطح بدنه اجتماعی، سطح قانونمندی، سطح اجرا و سطح برداشت از حوزه حکومتی در دستور کار قرار گیرد، می‌توان از آن نظم، انضباط و پیشرفت استخراج کرد و در جایی که نظم و انضباط باشد، توسعه صورت می‌گیرد (ستاری فر، ۱۳۸۹: ۶۰-۶۷).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
محمد ستاریفر	حداقلی از نظم و سامان سیاسی کاهش وابستگی به درآمد نفتی	فقدان فرصت برابر برای همگان فقدان دولت پیش‌برنده و غیروابسته به نفت

مشخصات منبع:

- ستاریفر، محمد. ۱۳۸۸. «رمز توسعه، دولت پیش‌برنده و حاکمیت قانون». چشم‌انداز ایران. شماره ۶۰، صص ۸۸ و فروردین ۸۹، صص ۶۰-۶۷.

عدم تمرکز در مراکز تصمیم‌گیری، فقدان مشارکت نخبگان (محمد بحرینیان)

در این مقاله، بحرینیان بر این نظر است که مشکله استبداد به همراه عدم امکان مشارکت فراگیر نخبگان در تدوین برنامه‌ریزی‌های توسعه، به همراه گرایش‌های ملوک‌الطوایفی باقی‌مانده از گذشته و تأثیر آن در روند توسعه، از موانع توسعه‌یافتگی ایران به شمار می‌روند. در این مسیر، همچنین استعمار و تمامیت‌خواهی برخی دول توسعه‌یافته نقش بسزایی داشته است. مانع دیگر از منظر بحرینیان، عدم تمرکز مراکز تصمیم‌گیری جمعی و مشارکتی است. همچنین، تمایل سنتی ایرانیان به تعارفات مفرط و دخالت دادن این مکانیزم‌های روانشناختی در روابط کاری، موجب ناکارآمدی روابط بوروکراتیک می‌شود. به نظر وی، راه برون‌رفت از این بحران‌ها، مشارکت و ترکیب بهینه مردم‌سالاری و دولت در امر برنامه‌ریزی، ثبات تصمیم‌گیری و نهادهای متمرکز است (بحرینیان، ۱۳۸۹: ۶۸-۷۶).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
سید محمد بحرینیان	مشارکت و ترکیب بهینه مردم‌سالاری و دولت در امر برنامه‌ریزی ثبات تصمیم‌گیری و نهادهای متمرکز	استبداد تاریخی و استعمار عدم امکان مشارکت فراگیر نخبگان عدم تمرکز در مراکز تصمیم‌گیری تمایل سنتی ایرانیان به تعارفات مفرط و دخالت دادن مکانیزم‌های روانشناختی در روابط کاری

مشخصات منبع:

- بحرینیان، سید محمد. ۱۳۸۹. «توسعه در ژرفا» چشم‌انداز ایران. شماره ۶۰، صص ۸۸ و فروردین ۸۹، صص ۶۸-۷۶.

خلاء گفت‌وگوی آزادانه مردم با دولت (مهدی شریعتی)

در این مقاله، نویسنده عدم خودباوری و ضعف روحیه فردی و اجتماعی ایرانیان را از موانع توسعه برمی‌شمارد. به نظر وی، می‌توان مسئله توسعه را به مثابه جزئی از مهم‌ترین اجزای امنیت ملی، تنها از خلال نوعی سیستم آموزشی که در پرتو آن، نیروی انسانی تا حد مطلوبی توسعه یابد، چاره‌جویی کرد. از نگاه مهدی شریعتی، یکی از مشکلات جدی توسعه، عدم توجه کافی به بحث عدالت اجتماعی است. در کنار این مهم و در درون مرزهای ملی، توجه فزاینده به مسئله قومیت‌ها و شرایط مرزی و جغرافیایی هر استان، از ضرورت‌های توجه داشتن به مفهوم توسعه است. به نظر وی، اتخاذ قوانین سخت‌گیرانه مالیاتی توسط یک دولت مقتدر، رشد بخش اجتماعی مؤثر در کنار بخش خصوصی صنعتی اما کنترل شده و گفتگوی بی‌لکنت، ترس و تعارف مردم با دولت می‌تواند نیل به توسعه یافتگی را تسهیل کند (شریعتی، ۱۳۸۹: ۷۷-۸۶).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
مهدی شریعتی	پرورش نیروی انسانی از خلال سیستم آموزشی رشد بخش اجتماعی مؤثر در کنار بخش خصوصی کنترل شده گفتگوی آزادانه مردم با ارکان‌های حکومت	فقدان سیستم آموزشی بی‌توجهی به عدالت در سیر توسعه کم‌توجهی به مسائل محلی و قومیت‌ها

مشخصات منبع:

● شریعتی، مهدی. ۱۳۸۹. «فرهنگ توسعه در ایران». چشم‌انداز ایران. شماره ۶۰، اسفند ۸۸ و فروردین ۸۹، صص ۷۷-۸۶.

فقدان تشکل‌یابی و مشارکت نخبگان (حسین رفیعی)

محمدحسین رفیعی بر این نظر است که سه مانع جدی توسعه در ایران، استبداد دیرپا، استعمار و فرهنگ ضد توسعه است. اما وی علت العلیل مانع توسعه را استبداد تاریخی در ایران می‌داند. وی با تأکید بر توسعه سیاسی، دموکراسی همه‌جانبه، آزادی احزاب و شکل‌گیری مطبوعات مستقل، نهادهای مدنی و سندیکاها و اصناف را از لوازم و شاخصه‌های آن می‌داند. همچنین به باور وی، الیت و نخبه تحویل‌کرده از مهمترین امکان‌های توسعه به شمار می‌رود (رفیعی، ۱۳۸۹: ۶۴-۷۲).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
محمدحسین رفیعی	دموکراسی فراگیر و همه‌جانبه تشکل‌یابی اصناف و سندیکاها و نهادهای مدنی و مشارکت نخبگان	استبداد تاریخی فرهنگ ضد توسعه

مشخصات منبع:

● رفیعی، محمدحسین. ۱۳۸۹. «موانع توسعه در ایران». چشم‌انداز ایران. شماره ۶۱، اردیبهشت و خرداد ۸۹، صص ۶۴-۷۲.

گسستگی و گسیختگی در توسعه ایران (کمال اطهاری)

اطهاری، شیوه تولید در ایران را آسیایی می‌خواند و همین شیوه تولید آسیایی (اقتصاد کشاورزی به علاوه مالکیت دولتی بر زمین) را مانع تاریخی توسعه معرفی می‌کند. مانعی که منجر به بازتولید استبداد تاریخی در ایران شده است. وی معتقد است که در عصر مشروطه جامعه ایران از این مانع تاریخی عبور کرده اما چندان توفیقی حاصل ننموده است. در نهایت، وی معتقد است فرآیند توسعه در ایران دچار گسستگی و گسیختگی توأمان است. به این معنا که اولاً، توسعه ایران دچار نوعی سکنه زمانی و وقفه بلندمدت شده به نحوی که دستیابی به یک توسعه همه جانبه را به تأخیر انداخته است و ثانیاً، همچنان جامعه ایرانی این توفیق را نیافته است تاراهی را بیابد که سازگار و سنجیده و مورد اجماع قاطبه متفکران باشد (اطهاری، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۸).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
کمال اطهاری	انباشت و تداوم انباشت سرمایه اجتماعی	شیوه تولید آسیایی (به مثابه مانع تاریخی توسعه)

مشخصات منبع:

- اطهاری، کمال. ۱۳۸۹. «گسستگی و گسیختگی در توسعه ایران». چشم‌انداز ایران. شماره ۶۱، اردیبهشت و خرداد ۸۹، صص ۷۳-۷۸.

بورژوازی نظامی و ایدئولوژی قداست قدرت (هدی صابر)

هدی صابر در این مقاله چند عامل را به عنوان موانع توسعه از نظر می‌گذارند که در سطوح کلان عبارت اند از: مفقود شدن منابع مالی (در پی تلاش برای انهدام و محو سازمان برنامه و بودجه)، اراده‌های فراقانونی و ظهور بورژوازی نظامی و ایدئولوژی قداست قدرت که همواره حافظ وضع موجود نامطلوب بوده است. وی، راه‌گذار از این وضعیت را در سطوح کلان تصمیم‌گیری، از یک سو شکل‌گیری نوعی ایدئولوژی فراگیر ملی می‌داند که از فراتر از ایدئولوژی‌های احزاب و جریان‌های سیاسی دیگر، کلتی به نام ایران را مطرح نظر قرار دهد و از دیگر سو، برقراری دولتی ملی و ایران‌خواه که منافع ملی را پشتیبانی و پیگیری نماید (صابر، ۱۳۸۹: ۴۴-۵۳).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
هدی صابر	شکل‌گیری ایدئولوژی فراگیر ملی ایجاد دولت ملی و ایران‌خواه	اراده‌های فراقانونی و بورژوازی نظامی ایدئولوژی قداست قدرت

مشخصات منبع:

- صابر، هدی. ۱۳۸۹. «تحولات جهانی توسعه و موانع ملی ایران». چشم‌انداز ایران. شماره ۶۲، تیر و مرداد ۸۹، صص ۴۴-۵۳.

بی ثباتی مستمر و تنازع مداوم بر سر منابع (محسن رنانی)

در این یادداشت، رنانی بر این باور است که مهمترین مانع توسعه، بی ثباتی مستمری بوده که به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران و نیز فقدان یک اکثریت واحد نژادی در داخل مرزهای ملی، ایجاد شده است. این بی ثباتی مستمر همواره از خلال تنازع مداوم بر سر منابع محدود بازتولید می شده است. به همین سبب، توسعه که محصول سرمایه گذاری ها و برنامه ریزی های بلندمدت است در ایران توفیقی نیافته است. وی راهکار خروج از این وضعیت را کاهش درآمدهای نفتی و تکیه نکردن دولت به درآمد حاصل از نفت می داند (رنانی، ۱۳۸۹؛ ۴۰-۴۳).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
محسن رنانی	عدم تکیه دولت به درآمد نفتی	بی ثباتی مستمر و نزاع بر سر منابع محدود

مشخصات منبع:

● رنانی، محسن. ۱۳۸۹. «بی ثباتی مستمر، اصلی ترین مانع توسعه». چشم انداز ایران. شماره ۶۳، شهریور و مهر ۸۹، صص ۴۰-۴۳.

اقتصاد نفتی غارتی و رانتی (علی رضاقلی)

علی رضاقلی در این مقاله می کوشد تا با بهره گرفتن از نظریه داگلاس نورث، به زعم خویش تحلیلی مبتنی بر اقتصاد سیاسی غارتی و رانتی ایران ارائه دهد. به نظر وی، به دلیل ناامنی تاریخی در ایران و نبود منافع بهم وابسته جریانات و گروه ها، تشکیل دولت در ایران از کاربرد خشونت نمی گاهد و این مسئله همچنین با پیدایش نفت، همان رابطه متزلزل و نیم بند قبلی را نیز از هم می گسلد. راه کاهش خشونت به عنوان مؤلفه بستر ساز توسعه، ترمیم و بهسازی «ساختار درونی مناسبات بین اعضای دولت» و «وابستگی منافع» است. این امر موجب می شود تا شاهد گذار دولت طبیعی با دسترسی محدود به دولت دسترسی باز باشیم (رضاقلی، ۱۳۸۹؛ ۴۴-۵۶).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
علی رضاقلی	وابستگی منافع صاحبان قدرت و ثروت ایجاد نوعی صندوق ائتلافی حاکمیت قانون برای فرادستان، تشکیل سازمان ها و کنترل سیاسی نظامیان	اقتصاد نفتی و فقدان وابستگی منافع گروه ها نامنی و نبود بستر مناسب برای تولید و تجارت

مشخصات منبع:

● رضاقلی، علی. ۱۳۸۹. «نهادهای غارتی و توسعه». چشم انداز ایران. شماره ۶۳، شهریور و مهر ۸۹، صص ۴۴-۵۶.

اتخاذ رویکرد سخت افزارانه (پرویز پیران)

پرویز پیران در این مقاله در تلاش است تا علل توسعه نیافتگی ایران را از خلال نقد رویکردهای صرفاً سخت افزارانه به مقوله توسعه تبیین کند. به نظر وی، سرمایه بادآورده ناشی از فروش نفت موجب شده تا نگاه های سخت افزاری در ایران به گونه ای بی ملاحظه تشدید شود. منظور وی از نگاه سخت افزاری، بویژه تقلیل مفهوم توسعه و عطف توجه به ایجاد و توسعه زیرساخت های فیزیکی است. این نگاه که خود وسیله و ابزاری برای توسعه به شمار می رود، در فرآیندی به هدف توسعه بدل می گردد و درست از همین جاست که مشکل آفرین می شود. متعاقب استقرار چنین فرآیندی، فساد نیز به عنوان نتیجه منطقی آن گریزناپذیر است (پیران، ۱۳۸۹: ۱۳۳-۱۳۵).

علت ناکارآمدی	راهکار برای رفع ناکارآمدی	نویسنده
سرمایه بادآورده نفتی اتخاذ رویکرد سخت افزارانه به توسعه	در نظر گرفتن توسعه همه جانبه و توجه به چندوجهی بودن آن	پرویز پیران

مشخصات منبع:

- پیران، پرویز. ۱۳۸۹. «توسعه سخت افزارانه». چشم انداز ایران. شماره ۶۴، آبان و آذر ۸۹، صص ۱۳۳-۱۳۵.

حذف نیروها و ناکارآمدی (لطف الله میثمی)

در این یادداشت میثمی بر این نظر است که سه عنصر به هم وابسته در عدم توسعه یافتگی ایران نقش جدی ایفا کرده است. اولاً، فقدان کار و روحیه کار جمعی است که موجبات تکروی و خصلت های فردی شده را فراهم آورده است. عنصر دوم، سرمایه بادآورده ناشی از فروش بی کنترل و مهابای نفت است که هم دولت و هم مردم را به «نازکی کار و کلفتی پول» عادت داده است. و سوم، پدیده حذف نیروها است که موجب شده تا حلقه های مدیریتی و تصمیم سازی تنگ تر و محدودتر شود (میثمی، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۴)؛ (میثمی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

علت ناکارآمدی	راهکار برای رفع ناکارآمدی	نویسنده
سرمایه بادآورده ناشی از فروش نفت حذف نیروها	کار مولد و کاهش وابستگی به نفت تشکیل شبکه های ائتلافی و تن دادن به ملزومات کار جمعی	لطف الله میثمی

مشخصات منبع:

- میثمی، لطف الله. ۱۳۹۰. «موانع بینشی توسعه و پیشرفت (بخش اول)». چشم انداز ایران، شماره ۶۶، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰، صص ۱۲۱-۱۲۴.
- میثمی، لطف الله. ۱۳۹۰. «موانع بینشی توسعه و پیشرفت (بخش دوم)». چشم انداز ایران. شماره ۶۷، اردیبهشت و خرداد ۹۰، ص. ۱۰۹.

لوازم کارآمدی: ثبات ساختاری و بسترسازی برای تشکل‌ها و اصناف (حسین عظیمی)

حسین عظیمی در این دو مقاله بر این نظر است که مسائلی همچون ابهام حقوقی و رویه‌ای در نظام قضایی، فرهنگ حکومت‌سالارانه و دولتی شدن بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور، از موانع جدی عدم توسعه یافتگی ایران محسوب می‌شوند. به باور وی، نهاد دولت اگر بخواهد کارآمد و توسعه‌ای پیش برود باید به تعامل جنبه‌های مختلفی از جمله ثبات ساختاری، نوگرایی اجتماعی، شایستگی اجرایی، پاسخگویی مدنی، جایگاه مناسب بین‌المللی و نقش‌پذیری علمی اهتمام ورزد. از نظر عظیمی، تقلای داخلی برای توسعه هنگامی به ثمر می‌نشیند که در حقیقت نهادینه شده باشد. این نهادینگی ظرفیتی پدید می‌آورد تا امکان بازسازی کمی و کیفی در مدت زمان کمتری پس از امواج تخریبی میسر شود. وی معتقد است که در عصر جدید و در میان میادین خصوصی و حکومتی، میدان جدیدی به نام فضای مدنی خلق شده و تشکل‌ها در این میدان، میدان‌داری می‌کنند. فلذا اگر توسعه یافتگی را به عنوان چشم‌اندازی برای آینده نصب‌العین خود قرار دهیم، باید فضای کافی را برای امکان هرچه بیشتر شکل گرفتن نهادهای مدنی فراهم کنیم (عظیمی، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۱۶)؛ (عظیمی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۷).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
حسین عظیمی	ثبات ساختاری و نهادینه شدن ساختارها شایستگی اجرایی بسترسازی فعالیت تشکل‌ها و اصناف سیستم‌های ارتقای داخلی ایجاد نظام انگیزشی	کژکارکردی در نظام قضایی دولتی شدن اقتصاد فقدان نظم، امنیت و قانون‌گذاری

مشخصات منبع:

- عظیمی، حسین. ۱۳۹۰. «الزامات تحولات توسعه‌ای و ساختار نهادی حکومت». چشم‌انداز ایران. شماره ۶۹، شهریور و مهر ۹۰، صص ۵۳-۵۷.

هژمونی قدرت بر علم (مصطفی معین)

مصطفی معین عدم توجه به رویکردهای علمی را مانع اصلی توسعه می‌داند. به نظر وی، در ایران علم و سیاست هر دو در خدمت قدرت هستند و همین امر موجب شده تا امکان توسعه مرتباً به تعویق افتد. به همین خاطر، به نظر معین ضروری است تا از هژمونی وزارت علوم تمرکززدایی شود و بدین ترتیب، دانشگاه استقلال از دست رفته خویش را بازیابد. دانشگاهی که قرار است محمل توسعه باشد. در کنار رویکردهای غیر علمی، نقصان در ساختار سیاسی، تهاجم دائمی بیگانگان و موقعیت جغرافیایی و سیاسی نیز از عوامل تاریخی توسعه نیافتگی است. وی، تعامل متقابل و دوطرفه مردم با حکومت را در کنار تقویت عرصه عمومی و تشکیل سازمان‌های غیردولتی را به عنوان راهکارهایی برای عبور از بحران پیشنهاد می‌دهد (معین، ۱۳۹۰: ۱۴۵-۱۵۲).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
مصطفی معین	تعامل مردم و نخبگان عرصه عمومی قدرتمند و تقویت تشکل‌های مدنی بازیابی دانشگاه مستقل و سرآمدی علم در عرصه‌های خرد و کلان تصمیم‌سازی	هژمونی نگاه‌های غیر علمی هژمونی قدرت بر شئون علمی نقصان در ساختارها و سازوکارهای سیاسی

مشخصات منبع:

- معین، مصطفی. ۱۳۹۰. «توسعه علمی شرط بقا». چشم‌انداز ایران. شماره ۶۸، تیر و مرداد ۹۰، صص ۱۴۵-۱۵۲.

فصل سوم: بررسی کارآمدسازی نظام سیاسی در ماهنامه آفتاب

مقدمه

ماهنامه‌ی آفتاب عنوان مجله‌ای فکری-سیاسی با رویکرد تحلیلی بوده که به صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی عیسی سحرخیز در حد فاصل سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ طی ۳۵ شماره منتشر شده است. در زمان انتشار آفتاب این مجله به عنوان ادامه‌دهنده‌ی سیر فکری ماهنامه‌ی کیان تلقی می‌شد. از این حیث مباحث تحلیلی این نشریه در بسیاری از محافل فکری خواننده شده و شمار زیادی از چهره‌های شاخص نیز مباحث خود را در این نشریه منتشر کرده‌اند. از میان مقالات، مصاحبه‌ها و دیگر مطالب ماهنامه‌ی آفتاب، متنی که به طور مستقیم به بحث ناکارآمدی حکومت و علل و راهکارهای آن پرداخته باشد، وجود نداشت. اما شماری از مقالات در ضمن بحث خود به مسئله‌ی ناکارآمدی پرداخته‌اند که عناوین آن‌ها به این شرح است:

- برنامه‌ریزی شهری و خودکامگی (کمال اطهاری)
- چشم‌انداز اصلاحات (عبدالعلی رضایی)
- خصوصی‌سازی، فرجام اقدام اول، تلاش آخر (احمد میدری)
- اصلاح‌طلبی، انقلابی‌گری و محافظه‌کاری (اکبر گنجی)
- پیش‌نیازهای توسعه، نگاهی به دلایل پیشرفت ژاپن (امیرباقر مدنی)
- سه شکاف فعال اقتصاد ایران (مرتضی قره‌باغیان)
- استراتژی‌های سیاسی در ایران امروز (سعید حجاریان)
- کارآفرینی، اصل فراموش شده جنبش اصلاحات (جمشید اسدی)
- اصلاح‌پذیری و آزمون فیصله بخش (علیرضا علوی تبار)
- استراتژی‌های دموکراسی (کاوه احسانی)
- بیکاری، بحران یک جامعه بی‌برنامه (ی. علوی)
- ائتلاف‌های تازه (علیرضا علوی تبار)
- طرحی برای تحرک اصلاحات (کوشان رازجو)
- گشودن این گره فروبسته (تقی رحمانی)
- پیرامون فساد اداری در ایران
- نشانگان فلج سیاسی (احمد صدری)
- اقتصاد زیرزمینی ایران (جهانگیر آموزگار)
- ساختار حقیقی، ساختار حقوقی (عبدالله رمضان زاده)
- جامعه مدنی، قدرت رانت‌خوار و ساختارهای پنهان (غلامعباس توسلی)

در ادامه مباحث مرتبط با ناکارآمدی در این مقالات به تفکیک هر مقاله گزینش و صورت بندی شده است. لازم به ذکر است که ترتیب مقالات این فصل به ترتیب تاریخ انتشار در ماهنامه‌ی آفتاب است.

فهیمة بهرامی. سمانه سهرابی

برنامه‌ریزی شهری و خودکامگی (کمال اطهاری)

دولت و دیوانسالاری بزرگ، فربه و علم استقلال برداشته آن هرچند در خدمت اقتصاد جدید باشد، ضد جامعه مدنی است. دیوانسالاری خودخواه و فضول که به میل خود قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی کند و به خود اجازه دهد که با نظارت و تنبیه مداوم مردم را به راه خود خواسته ببرد، به جای خدمتگزار جامعه مدنی بودن، فروانروی آن می‌گردد و این همان عفونت استبداد فئودالی است.

پس می‌توان گفت چه جامعه مدنی برای حفظ حق خود (حاکمیت همه انسان‌ها) و چه دولت مدرن برای حفظ خود (و در نتیجه حفظ یک نظام) باید دستگاه اداری یا دیوانسالاری را در خدمت و نظارت جامعه مدنی درآورد. قدرتمندی مجالس و شوراها برای نظارت و عزل و نصب، تمرکز و تراکم‌زدایی دستگاه اداری، رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی دولت و... راه‌ها و شیوه‌های پالایش دولت از عفونت کشنده آن و جامعه مدنی است.

برنامه‌ریزان برای تعریف جایگاه مناسب خود در جامعه مدنی باید به آخرین دستاوردهای «تئوری برنامه‌ریزی» (روش) و «تئوری در برنامه‌ریزی» (اهداف) مجهز شوند.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
کمال اطهاری	به خدمت جامعه مدنی درآوردن دیوانسالاری، قدرتمندی مجالس و شوراها برای نظارت و عزل و نصب، تمرکز و تراکم‌زدایی دستگاه اداری، رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی دولت و...	دیوانسالاری بزرگ که بر جامعه مدنی تسلط دارد

اطهاری، کمال، ۱۳۷۹. «برنامه‌ریزی شهری و خودکامگی» ماهنامه آفتاب. سال اول. شماره ۱. صص ۴۳-۴۰

چشم‌انداز اصلاحات (عبدالعلی رضایی)

کارآمد کردن همین دستگاه‌هایی که در اختیار اصلاح‌طلبان در عرصه سیاست است هم خودش یک وظیفه مهم و یک اولویت است و همه موانع بیرونی نیست. یک بخشی از موانع درونی است و باید آنها را شناخت و بخش دیگرش آن است که به اهدافمان در حوزه جامعه مدنی توجه کنیم.

بسیاری از رانت‌هایی که در این اقتصاد توزیع می‌شود از طریق همین دستگاه اداری دولت توزیع می‌شود. از طریق همین مکانیزم‌های بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی توزیع می‌شود. اینها را می‌شود درمان کرد. همین دستگاه اداری را می‌توان کارآمدتر کرد.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
عبدالعلی رضایی	راهکاری ارائه نشده است	رانت

رضایی، عبدالعلی. ۱۳۷۹. «چشم‌انداز اصلاحات»، ماهنامه آفتاب، سال اول. شماره ۲. صص ۲۵-۱۶

خصوصی سازی، فرجام اقدام اول، تلاش آخر (احمد میدری)

به نظر می‌رسد علت رشد دولت را باید در ساختار قدرت مستتر در شرکت‌های دولتی جستجو نمود. گروه‌هایی که از فربهی شرکت‌های دولتی منتفع می‌شوند، نه تنها اجازه نخواهند داد که این شرکت‌ها به بخش خصوصی واگذار شود، بلکه منابع مالی کشور را به سوی این شرکت‌ها هدایت و زمینه رشد سرطانی آنها را فراهم می‌کنند. حتی به نظر می‌رسد شرکت‌های دولتی خصوصی شده نیز در راستای منافع این گروه‌ها تغییر مالکیت یافته و در واقع همین گروه‌ها برندگان اصلی خصوصی سازی هستند. طی شش سال اخیر، سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ۶ برابر شده است. سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی تنها در سال ۱۳۸۰ برابر ۱۲۰۰ میلیارد تومان خواهد بود که بیش از ۱۰۰ برابر متوسط میزان خصوصی سازی سالانه دوره ۷۹-۱۳۷۰ است. بنابراین حجم دولت با سرمایه‌گذاری پرشتاب شرکت‌های دولتی در حال رشد است و نه تنها تصدی‌گری دولت کاهش نیافته، بلکه امکان خصوصی سازی و کاهش حجم دولت نیز هرساله کمتر می‌شود.

علل ناکارآمدی	راهکار	نویسنده
افزایش قدرت اقتصادی شرکت‌های دولتی	اصلاح روند خصوصی سازی	احمد میدری

میدری، احمد. ۱۳۷۹. «خصوصی سازی، فرجام اقدام اول، تلاش آخر». ماهنامه آفتاب. سال اول. شماره ۲. صص ۲۹-۲۶.

اصلاح طلبی، انقلابی‌گری و محافظه‌کاری (اکبر گنجی)

همچنان فعال‌ترین شکاف عرصه سیاست در ایران، شکاف مردم‌سالاری و دولت‌سالاری است. اگر مسئله اصلی مورد نزاع عرصه سیاست، مسئله «عدالت اجتماعی» بود، فعال‌ترین شکاف، شکاف چپ و راست می‌شد. «دولت‌سالاری» در اینجا به معنایی است که مانوئل کاستلز تعریف کرده است. در این معنا «دولت‌سالاری، نظامی اجتماعی است که پیرامون تصرف مازاد اقتصادی جامعه به دست صاحبان قدرت در دستگاه دولتی سازمان یافته است، برخلاف سرمایه‌داری که در آن مازاد اقتصادی به تصرف کسانی درمی‌آید که کنترل سازمان‌های اقتصادی را در دست دارند. در حالی که سرمایه‌داری به سوی حداکثر کردن سود گرایش دارد، دولت‌سالاری به دنبال به حداکثر رساندن قدرت، یعنی افزایش قدرت نظامی و توانایی ایدئولوژیک دستگاه دولتی برای تحمیل اهداف خود بر جمع بیشتری از اتباع و بر سطوح عمیق‌تر آگاهی آن‌هاست و انباشت سرمایه و مشروعیت اجتماعی را فدای این هدف فراگیر می‌کند» سرکوب جامعه مدنی، آزادی و هر نوع دگراندیشی از لوازم ضروری دولت‌سالاری است. شکاف مردم‌سالاری و دولت‌سالاری، حاکمیت را به «حاکمیت دوگانه» تبدیل کرده است. این مسئله تا حدود زیادی معلول «انتخابی» و «انتصابی» بودن بخش‌های مختلف نظام سیاسی است. قوه مقننه و مجریه و شوراهای شهر که انتخابی‌اند، بخش اصلاح طلب حاکمیت را تشکیل می‌دهند، اما قوه قضائیه، شورای نگهبان، صداوسیما و دیگر نهادهای غیرانتخابی، به بخش‌های محافظه‌کار حاکمیت نزدیک‌ترند.

انتخابی کردن کل نظام سیاسی، تنها راه حل رفع تعارض و ایجاد نظامی پایدار است. اگر این راه حل مقبول افتد و رأی شهروندان و مطالباتشان میزان حاکمیت و تصمیم‌گیری سیاسی باشد، شکاف ملت. دولت هم ریشه‌کن خواهد شد. یعنی با یک تیر، دو نشان می‌توان زد: معضل شکاف ملت. دولت و حاکمیت دوگانه یکجا رفع خواهد شد. با دستور و فرمان، دخالت نیروهای امنیتی. سیاسی و احکام قضات نمی‌توان معضلات اقتصادی را درمان کرد. اقتصاد با دخالت نیروهای خفیه و امنیه سامان نمی‌یابد.

توسعه اقتصادی شرط لازم توسعه سیاسی است. وقتی همه مردم نان خور دولت نبودند و فعالیت اقتصادی در خارج از حوزه

دولت صورت گرفت، در آن صورت رفته رفته حوزه مستقل از دولت شکل خواهد گرفت و دیگر مردم مجبور نخواهند بود که حوزه سیاست و فرهنگ هم دنباله رو دولت باشند و حتی دین شان هم دولتی شود. کار اصلی همچنان بر عهده شهروندان است. تشکیل انجمن های صنفی و احزاب، راه اندازی مطبوعات مستقل، تقویت جنبش دانشجویی، مبارزه برای برابری حقوقی زنان و مردان و دیگر اقدامات، به «شجاعت مدنی» نیاز دارد.

علل ناکارآمدی	راهکار	نویسنده
حاکمیت دوگانه و شکاف مردم سالاری. دولت سالاری	انتخابی کردن کل نظام سیاسی	اکبر گنجی
عدم توسعه سیاسی	تشکیل انجمن های صنفی و احزاب، راه اندازی مطبوعات مستقل، تقویت جنبش دانشجویی، مبارزه برای برابری حقوق زنان و مردان، شجاعت مدنی	

مشخصات منبع:

- گنجی، اکبر. ۱۳۸۰. «اصلاح طلبی، انقلابی گری و محافظه کاری، مصاحبه با اکبر گنجی». ماهنامه آفتاب. شماره ۷، شهریور ۱۳۸۰، صص ۱۴-۲۵.

پیش نیازهای توسعه، نگاهی به دلایل پیشرفت ژاپن (امیرباقر مدنی)

سرمایه گذاری در بخش کشاورزی بعد از انقلاب با وجود محور بودن آن، رشد منفی داشته است. نتیجه آنکه ایران اکنون یکی از ممالک عمده واردکننده تولیدات کشاورزی و بزرگترین واردکننده گندم در جهان است. این در حالی است که کشور ما از نظر زمین، نیروی کار و سرمایه مشکلی ندارد، بلکه مشکل نبود امکانات لازم برای استفاده از تکنولوژی کشاورزی، عدم استفاده از ظرفیت های ماشین آلات و تجهیزات موجود به واسطه پایین بودن سطح آموزش و تخصصی کشاورزان است. به گفته کارشناسان در صورتی که تنگناهای موجود بر سر راه آن با مدیریت قوی برطرف شوند، ایران توان تولید بالقوه گندم برای تمام کشورهای خاورمیانه را دارد. شکست برنامه های دولت نظیر تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی، جلب سرمایه گذاری های خارجی و غیره هم ناشی از همین عدم توجه به پیش نیازها و فقدان بسترهای نهادی و قانونی مناسب توسعه بوده است. تردیدی نیست اقتصاد آزاد و آزادی های سیاسی هر دو از پیش نیازهای توسعه اقتصادی محسوب می شوند، اما به طوری که تجربیات ممالک اروپایی و سپس ژاپن نشان داده است، لازمه رشد سیاسی و توسعه اقتصادی هم به نوبه خود در گرو تحولات فکری و آمادگی های فرهنگی یک ملت است. بدون آمادگی های فرهنگی و بسترسازی رشد و توسعه اگر غیرممکن هم نباشد، بسیار دشوار و طولانی مدت خواهد بود.

علل ناکارآمدی	راهکار	نویسنده
نبود امکانات لازم برای استفاده از تکنولوژی های کشاورزی	تقویت مدیریت	
پایین بودن سطح آموزش و تخصص کشاورزان	آموزش	امیرباقر مدنی
عدم توجه به پیش نیازها و فقدان بسترهای نهادی و قانونی مناسب توسعه	آزادی اقتصاد توأم با آزادی سیاسی	

مشخصات منبع:

- مدنی، امیرباقر. ۱۳۸۰. «پیش نیازهای توسعه، نگاهی به دلایل پیشرفت ژاپن». ماهنامه آفتاب. آبان ۸۰. صص ۲۲-۲۵.

سه شکاف فعال اقتصاد ایران (مرتضی قره باغیان)

مسائل اقتصادی در ایران ریشه ساختاری دارند. اصولاً در کشورهای جهان سوم در خصوص اصلاحات، دولت نقش پیشگام و پیشتاز دارد، چراکه بار اصلی را دولت به دوش می‌کشد. همچنان که بار دیگران نیز باید به جلو ببرد. به همین جهت اصلاحات زمانی نهادینه می‌شود که با کمک دولت، گروه‌های لازم برای پیشبرد اصلاحات در جامعه شکل بگیرد. ما در کشورمان آن گروه‌های اجتماعی لازم را برای پیش بردن اصلاحات اقتصادی، در جامعه نداریم یا خیلی ضعیف هستند. هم قوای مالی آن‌ها ضعیف است و هم قوای تشکیلاتی آن‌ها، به طور کلی دارای یک حالت خاص است.

ما یک برنامه بلندمدت برای انجام کارهایمان نداریم. در جایی راجع به اقتصاد ایران صحبت می‌شد که مشکل اقتصاد ایران، این است که بیش از اندازه دولتی و برنامه‌ای است، در حالی که مشکل اصلی این است که برنامه را نداریم. برنامه خاصی وجود ندارد، بلکه امور سلیقه‌ای است، امروز آقای X می‌رود، آقای Y می‌آید و می‌گوید باید خصوصی شود و بعد آقای X برمی‌گردد و کار آقای Y را نفی می‌کند. یعنی برای اقتصاد یک راهبرد خاص تبیین نشده است.

راهبرد خاصی بر اساس منافع ملی نیز تبیین نشده است، شاید این مسئله هم به این دلیل است که تعریف مشخصی از منافع ملی وجود ندارد. از دیدگاه اقتصاد سیاسی، ایران جامعه‌ای است که به سمت دوقطبی شدن پیش می‌رود، یعنی طبقه متوسط ما جزء طبقات نادر است؛ الا یک گروه خاص از طبقه متوسط. بنابراین بهبود توزیع و عدالت باید در برنامه قرار بگیرد. یک برنامه اقتصادی هنگامی موفق است که مردم احساس کنند در پیشبرد و پاداش‌های آن سهیم هستند، نه اینکه با برنامه غریب باشند. هدف، رشد نخبه‌گرا نیست که فقط یک گروه خاص در آن مشارکت داشته باشند. باید رشد همگانی باشد، یک رشد مردم‌گرا.

اقتصاد ما ماهیت مختلط دارد و دولت در یک اقتصاد مختلط، یک قدرت بی طرف نیست. اگر اقتصاد مختلط در سیستمی حاکم باشد که طبقه متوسط حاکم است، سمت گیری به طرف آن‌هاست و اگر سرکردگی در حیطه سرمایه‌دارهای بزرگ باشد، تمام سمت و سوی برنامه ما به طرف سرمایه‌دارهای بزرگ است. ما ورود سرمایه داشته‌ایم، اما انتقال تکنولوژی را نداشته‌ایم. دلیل آن خیلی ساده است، برای اینکه نیروی انسانی درگیر درک درستی از تکنولوژی انتقال یافته ندارد، زیرا سیستم آموزش کشور طوری نیست که تکنولوژی بر باشد که انتقال تکنولوژی را تسهیل کند. بنابراین تحول فنی در کشور پدیده‌ای کاملاً تصادفی است. تا وقتی زمینه آموزش ایجاد نشود و نیروی متخصص نداشته باشیم، تأثیر ورود سرمایه بر اقتصاد کشور دقیقاً همانند تأثیر سرمایه‌های داخلی بر آن است. الآن ما به اندازه کافی موجودی سرمایه فیزیکی داریم. با توجه به سرمایه فیزیکی موجود در ایران، این اقتصاد توانایی ایجاد ۸۵ میلیون نفر شغل را دارد. باید شغل را ایجاد کند، اما نمی‌تواند. چون غالب این سرمایه‌گذاری‌ها مناسب با سایر امکانات جامعه مانند نیروی کار متخصص، مدیریت مجرب و... نیست.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
مرتضی قره باغیان	اصلاحات زمانی نهادینه می‌شود که با کمک دولت، گروه‌های لازم برای پیشبرد اصلاحات در جامعه شکل بگیرد	ضعف گروه‌های اجتماعی (به لحاظ مالی و تشکیلاتی) برای پیشبرد اصلاحات اقتصادی
	برنامه ریزی بدون اعمال سلیقه	فقدان یک برنامه بلندمدت
	سهیم کردن مردم در برنامه‌های اقتصادی و پیش رفتن به سمت رشد مردم‌گرا به جای رشد نخبه‌گرا	دخالت ندادن مردم در برنامه ریزی‌ها

مشخصات منبع:

- قره باغیان، مرتضی. ۱۳۸۰. «سه شکاف فعال اقتصاد ایران، مصاحبه با مرتضی قره باغیان». ماهنامه آفتاب. دی ۱۳۸۰. صص ۳۵-۳۲.

استراتژی‌های سیاسی در ایران امروز (سعید حجابیان)

بحث حاکمیت دوگانه به مسئله اقتدار و مشروعیت بازمی‌گردد. پدیده حاکمیت دوگانه هنگامی رخ می‌دهد که حکومت صاحب دو منشاء برای مشروعیت و توجیه اقتدار خود می‌شود. به بیان دیگر، بخشی از حاکمیت از یک منبع و منشاء مشروعیت کسب کرده و اقتدار خود را توجیه می‌کند و بخش دیگری از حاکمیت از منبع و منشاء دیگری. بعد از دوم خرداد ۷۶، حاکمیت در ایران به طور کامل به دو بخش تفکیک می‌شود. یک بخش ریشه مشروعیت خود را در خواست و رضایت مردم جستجو می‌کند و خود را در مقابل نهادهای مدنی برخاسته از فرایندهای دموکراتیک مسئول می‌داند و از این رو مشارکت خودجوش و از پایین سازمان یافته را در عرصه سیاست جستجو می‌کند. اما بخش دیگری از حاکمیت هم در تئوری و هم در عمل بر انتصاب از سوی شارع تأکید می‌کند و مشروعیت خود را بر نوعی انشاء، نیابت و فرمان حکومتی از جانب معصوم (ع) استوار می‌سازد. از این رو نظارت نهادهای بشری را بر خویش منتفی می‌داند و خود را پاسخگوی شارع می‌داند.

نکته مهم در مورد این حاکمیت دوگانه این است که به دلیل آنکه روابط میان این دو بخش به صورتی که مورد قبول و اعتماد هر دو طرف باشد، تنظیم و تثبیت نشده است، دائماً تنش وجود دارد و هر یک از دو بخش محدوده دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد و برای دستیابی به تمامی حاکمیت می‌کوشد. این تنش باعث شده است که حکومت از انجام وظایف مختلفی که بر عهده دارد تا حدی ناتوان شده و نوعی ناکارایی در اقداماتش دیده شود. این حاکمیت دوگانه نه دو بخش حاکمیت را راضی می‌کند و نه جامعه را از حالت بلاتکلیفی خارج می‌کند و به همین دلیل است که می‌توان آن را «غیرکارکردی» نامید و نکته‌ای که حائز اهمیت است، این است که حاکمیت دوگانه ناکارکرد به جنگ داخلی و یا انقلاب منتهی می‌شود، لذا معضلی جدی است.

در مواجهه با این وضعیت پنج استراتژی قابل تصور است: (استراتژی به معنای طرحی نو در انداختن برای تغییر ساختار):

استراتژی اول متعلق به کسانی است که حاکمیت دوگانه را می‌پذیرند. آن‌ها تلاش برای تک پایه کردن حاکمیت را به معنای فرو رفتن کشور در امواج خشونت می‌دانند و فراگیر شدن خشونت را خطری بسیار بزرگ تلقی می‌کنند که می‌تواند به فروپاشی نظم مستقر در کشور و به تأخیر افتادن توسعه سیاسی و در نهایت همه ابعاد توسعه در آن منجر گردد. البته این گروه وضع فعلی را هم ناکارآمد می‌دانند و معتقدند که بایستی به سوی کارکردی کردن این دوگانگی گام برداشت. یعنی قواعد بازی سیاسی و رقابت مسالمت‌آمیز را میان دو بخش حاکمیت تنظیم و تثبیت کنیم و حقوق و مسئولیت‌های هر کدام را به رسمیت بشناسیم. البته در بلندمدت این حاکمیت دوگانه به طور مسالمت‌آمیز و آرام به حاکمیت یگانه تبدیل خواهد شد و در این مدت کشور می‌تواند به تدریج و با آزمون و خطا در ابعاد مختلف توسعه یابد.

استراتژی دوم متعلق به کسانی است که اگرچه به حاکمیت دوگانه صحنه می‌گذارند، اما توزیع و باز توزیع قدرت را نه در عرصه سیاست، بلکه در کلیت نظام اجتماعی می‌پذیرند. مثلاً پیشنهاد می‌دهند که در سیاست و فرهنگ حاکمیت بخش انتصابی را بپذیریم و در اقتصاد حاکمیت بخش انتخابی را. این استراتژی به دنبال تثبیت محدوده مشخصی برای هر یک از دو بخش حاکمیت در فضای سیاسی نمی‌گردد.

استراتژی سوم به دنبال یگانه کردن حاکمیت است، آن هم به نفع بخش انتخابی آن. طرفداران این استراتژی یک پایه کردن حاکمیت را در شرایط کنونی هم مطلوب و هم ممکن می‌دانند. از نظر آن‌ها یک بخش از حاکمیت به طور کلی اعتبار و مشروعیت خود را از دست داده است و با اقدامات مناسب می‌توان حاکمیت را از دوگانگی کنونی خارج کرد.

استراتژی چهارم هم به دنبال یگانه کردن حاکمیت است، اما به نفع بخش انتصابی آن. طرفداران این استراتژی از سرکوب نهادهای مدنی حمایت می‌کنند. بسیار خشن عمل می‌کنند و استفاده از نیروهای قهرآمیز غیررسمی را مجاز می‌دانند. گاه می‌کوشند تا به توده‌ای کردن سیاست اقدام کنند و از بسیج توده‌ای برای پیشبرد اهداف خود بهره گیرند. رهبری سیاسی را بسیار فردی می‌بینند و شخصی شدن سیاست را می‌پسندند.

استراتژی پنجم نیز تک پایه کردن حاکمیت را دنبال می‌کند، اما نوعی گروه‌سالاری سنتی را به عنوان جانشین آن می‌پسندد. طرفداران این استراتژی نیز سرکوب نهادهای مدنی را تجویز می‌کنند، اما لزوماً به دنبال توده‌ای کردن سیاست نیستند.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
سعید حجاریان	پنج استراتژی ممکن برای رفع دوگانگی حاکمیت: پذیرفتن حاکمیت دوگانه و تلاش برای استفاده از این دوگانگی جهت کارا تر کردن نظام در سیاست و فرهنگ رویکرد بخش انتصابی را بپذیریم و در اقتصاد رویکرد بخش انتخابی را. یگانه کردن حاکمیت به نفع بخش انتخابی آن یگانه کردن حاکمیت به نفع بخش انتصابی آن گروه‌سالاری سنتی با استراتژی سرکوب نهادهای مدنی	تنش‌های ناشی از حاکمیت دوگانه

مشخصات منبع:

- حجاریان، سعید. ۱۳۸۰. «استراتژی‌های سیاسی در ایران امروز، مصاحبه با سعید حجاریان». ماهنامه آفتاب. شماره ۱۲. بهمن ۱۳۸۰. صص ۱۵-۱۲.

کارآفرینی، اصل فراموش شده جنبش اصلاحات (جمشید اسدی)

آنچه در شرایط سرنوشت‌ساز کنونی باعث نگرانی است استقلال حوزه اقتصاد و آزادی عمل کارآفرین در آراء جنبش اصلاحات است که با وعده طرحی نو به میدان آمد. جنبش اصلاحات در ایران از آغاز انقلاب تا به کنون راه درازی پیموده است و به راستی که در زمینه آزادی، حقوق شهروندی و احترام به قانون به دستاوردهای نظری چشمگیر و گفتمان منسجمی دست یافته است، اما متأسفانه در زمینه اقتصادی، کماکان بر همان پاشنه می‌چرخد و گویا بناست که دولتیان با شرافت و کوشش زیاد بر بیکاری و افت تولید و حدت رقابت در سطح جهانی فائق آیند. البته مدیران اصلاحات، وعده کاستن از حجم دولت و خصوصی‌سازی را داده‌اند، اما حقیقت آن است که این اقدامات ضروری و غیرقابل چشم‌پوشی، تنها در صورتی مقرون به فایده‌اند که میدان را برای رقابت آزاد کارآفرینان آماده سازند. در غیر این صورت، سرنوشتی جز تجربه روسیه که در آن ثروت‌های ملی به یغما رفتند و انحصارات دست در دست مافیا نهادند، در انتظار ما نیست، این نکته، برانگیزنده مهم‌ترین نگرانی‌ها در مورد جنبش اصلاحاتی است که با وجود پیشرفت‌های بسیار در زمینه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مبارزه پیگیر در راه تحقق آن‌ها، به لحاظ اقتصادی به شدت دچار ندانم‌کاری، تردید و گام‌های لنگ است.

کوتاه سخن آنکه مهم‌ترین مشکل ایران که بدون حل آن، اقتصاد و جامعه رهی به جایی نخواهند برد، عدم استقلال اقتصادی است که همچون گروگانی در چنگال منافع متشکل سیاسی گرفتار است. وجه مشخصه این مشکل، عدم آزادی کارآفرین است که در اقتصاد، همپا و همسنگ نماینده مردم در سیاست است و به اتفاق همچون دو بال یک پرنده‌اند. اگر خیال پرواز داریم، باید هر دو بال را بگشاییم، وگرنه پس از هر جنبشی سقوطی است، همچنان که تاکنون در تاریخ معاصر ما چنین بوده است.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
جمشید اسدی	آزادی کارآفرینان	عدم استقلال اقتصادی و عدم آزادی کارآفرینان

مشخصات منبع:

- اسدی، جمشید. ۱۳۸۰. «کارآفرینی، اصل فراموش شده جنبش اصلاحات». ماهنامه آفتاب. شماره ۱۲. بهمن ۱۳۸۰. صص ۲۳-۱۶.

اصلاح‌پذیری و آزمون فیصله بخش (علیرضا علوی تبار)

اصلاح‌پذیری یک نظام سیاسی حاصل تعامل میان «ساختار و سرشت نظام سیاسی» از یک سو و «ذهنیت و داوری کنشگران مؤثر سیاسی» از سوی دیگر است. ساختار و سرشت یک نظام سیاسی به نوبه خود به چند متغیر اصلی وابسته است. مهم‌ترین این متغیرها عبارت‌اند از: ۱. خاستگاه نظام سیاسی؛ ۲. نظام حقوقی. سیاسی حاکم؛ ۳. پیشینه تحول و تحول‌پذیری نظام سیاسی؛ ۴. میزان یگانگی حاکمیت؛ ۵. نظام بین‌المللی و جایگاه نظام سیاسی.

بحث از اصلاح‌پذیری یا اصلاح‌ناپذیری یک نظام سیاسی، هنگامی مطرح می‌شود که ما به اصلاحات مردم‌سالارانه به عنوان یک طرح نگاه کنیم. در این حالت است که ما برای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود نیازمند توجیه عقلانی هستیم. اگر به جنبشی که پس از دوم خرداد ۷۶ آغاز شد و پس از نقطه عطف دوم خرداد اوج گرفت، به عنوان یک پروژه بنگریم، موجه بودن آن را در تصدیق اصلاح‌پذیری جمهوری اسلامی ایران خواهیم یافت. تصویری که رهبران فکری اصلاح‌طلب از نظام جمهوری اسلامی ایران داشتند، به دلایل زیر تصویری اصلاح‌پذیر بود:

یکم: خاستگاه مردمی نظام برآمده از انقلاب اسلامی

دوم: نظام حقوقی سیاسی حاکم نظامی سه وجهی (فرهمندی، گروه‌سالارانه، مردم‌سالارانه) بود که با تأکید بر وجه مردم‌سالارانه می‌شد به تفسیری متفاوت از جمهوری اسلامی دست یافت و آن را مبنایی برای عمل قرار داد.
سوم: انعطاف‌پذیری نظام در عرصه‌های مختلف سیاست خارجی، اقتصادی، فرهنگی و...
چهارم، درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز گرایش‌های قدرتمندی شکل گرفته بود که از گذر به سوی مردم‌سالاری دفاع می‌کرد.

به نظر می‌رسد نظریه اصلاح‌پذیری نظام جمهوری اسلامی ایران تا زمان وقوع یک «آزمون فیصله بخش» که خلاف آن را موجه سازد، قابل قبول است و باید مبنای عمل سیاسی نیروهای فعال قرار گیرد. در این وضعیت ما به جای آنکه در برابر موانع و مشکلات، اصلاح‌گری را رها کنیم، بایستی به تغییر استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اصلاحات بپردازیم. با حفظ جهت‌گیری اصلاح‌طلبانه، طراحی راهکارهای متناسب با شرایط باید در دستور کار قرار بگیرد. داوری در مورد اینکه کدام اتفاق و کدام مانع را باید به عنوان یک «آزمون فیصله بخش تلقی کرد، بر عهده عرف فعالان و نظریه‌پردازان سیاسی است. آن‌ها هستند که در نهایت به موجه بودن تداوم تلاش‌های اصلاح‌طلبانه رأی می‌دهند یا آن را روشی غیرموجه و ناکارآمد می‌خوانند. این عرف البته یک شبه و ناگهانی شکل نمی‌گیرد و حاصل گفتگوها و تبادل نظرهای زمان‌بر است. ایجاد فضایی که این گفتگو بتواند با حداکثر مشارکت و در کمال آزادی صورت گیرد یکی از لوازم نتیجه‌گیری منطقی و در حد ممکن معقول خواهد بود.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
علیرضا علوی تبار	غلبه وجه مردم‌سالارانه بر نظام حقوقی سیاسی از طریق گفتگوها و تبادل نظرهای زمان‌بر	نظام حقوقی سیاسی سه وجهی (فرهمندی، گروه‌سالارانه، مردم‌سالارانه)

مشخصات منبع:

- علوی تبار، علیرضا. ۱۳۸۱. «اصلاح‌پذیری و آزمون فیصله بخش». ماهنامه آفتاب. شماره ۱۶. خرداد ۱۳۸۱. صص ۴.۵.

استراتژی‌های دموکراسی (کاوه احسانی)

مشکل واقعی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وقتی حل می‌شود که صدای نیازهای اجتماعی از طریق تشکل‌های خودجوشی که از پایین به بالا می‌آیند بالا بیاید و بیان شود. برای این کار باید خود نهاد قدرت را دموکراتیزه کنیم. اگر دیدگاه استراتژیک اصلاحات دیگر گرفتن خاکی‌های جدید نباشد، بلکه هدف دموکراتیزه کردن جامعه را به عنوان پروژه اجتماعی خود انتخاب کند، باید دیگر از تفکرات و اظهارنظرهای حذفی از نوع «خودی و غیرخودی» پرهیز کند. اصلاح طلبان تاکنون با استفاده از انرژی مردم «از پایین» در خانه شیشه‌ای نخبگان سیاسی «در بالا» مشغول جدال و چانه‌زنی بوده‌اند. توشه این استراتژی همین است که دیده‌ایم و بیشتر از اینکه هست ارمغانی نمی‌آورد.

مشکلات جامعه ما مشکلات کمی نیست. مشکل بیکاری مزمنی است که در جامعه وجود دارد. مشکل رکود مزمنی است که در اقتصاد ماست، وجود فساد زیاد در سطوح مختلف است، کمتر و کمتر شدن منابع ماست، آلوده شدن جدی محیط زیست ماست، این‌ها مشکلات کمی نیستند که با تغییر یک رژیم سیاسی یا با تغییر یک جناح سیاسی بتوان آن‌ها را حل کرد. حل این‌ها مستلزم بسیج تمام نیروهای اجتماعی است. حتی آن وقت هم مشکل حل نمی‌شود. اما می‌توان برای حل آن حرکتی کرد.

ما آمدیم رژیم را عوض کردیم، اما ساختار همان ساختار قدیمی باقی ماند. فکر کردیم اگر یک رژیم سیاسی عوض شود، اما ماشین آلات ساختار قدرت در این حکومت تغییر نکند، جوری که وزارتخانه‌ها، نهادها، دادگستری‌ها، ارتش و پلیس ما و... درست نشود. اما اگر این‌ها تغییر نکند، ما دولت دوگانه به وجود آورده‌ایم. مثلاً در این دولت جمهوری همان ساخت دولتی سابق است، اما آن را اسلامیزه کرده‌ایم و در واقع یک دولت دوگانه داریم. اما اگر درست نگاه کنیم، می‌بینیم بدنه این ماشین دولتی که جامعه مدرن ایران را به وجود آورده هیچ وقت تغییر پیدا نکرده است. استاندار نباید پاسخگو باشد، وزارتخانه نباید پاسخگو باشد. همانطور که الان پاسخ نمی‌دهد، در زمان شاه هم پاسخگو نبود. همان‌گونه که الان استاندار از طریق چانه‌زنی در مرکز تعیین می‌شود، قبلاً هم تعیین می‌شد. ابزار قدرت همانی است که از قبل بوده. برای همین مشکل عمده ما در حال حاضر این است که اگر شما بیایید تجربه ۲۲ سال پیش را انجام دهید و یک سری خلع مالکیت از نخبگان فعلی جامعه بکنید و بگویید پس کارها درست می‌شود، به بیراهه رفته‌اید. اگر این بدنه مرئی اما ناشناس دولت را دموکراتیزه کنیم، توانسته‌ایم کار مثبتی انجام دهیم.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
کاوه احسانی	اتخاذ پروژه اجتماعی دموکراتیزه کردن جامعه (شکل‌گیری تشکل‌های خودجوش پایین به بالا)	ساخت دوگانه دولت
	بسیج تمام نیروهای اجتماعی	ناتوانی در حل بحران‌های مزمن بیکاری، رکود و فساد
	دموکراتیزه کردن بدنه مرئی اما ناشناس دولت	شکل‌گیری دولت دوگانه و فقدان پاسخگویی

مشخصات منبع:

● احسانی، کاوه، استراتژی‌های دموکراسی، ماهنامه آفتاب، شماره ۱۶، خرداد ۸۱، صص ۱۷-۱۰.

بیکاری، بحران یک جامعه بی برنامه (ی. علوی)

اقتصاددانان و مدیران اجرایی حکومت روی این نکته اتفاق نظر دارند که اقتصاد ایران، به ویژه در عرصه اشتغال آفرینی در ناکارایی و بحران است.

بحران عظیم بیکاری در ایران تنها با کاهش میزان سرمایه‌گذاری قابل فهم نیست، بلکه فرآورده روند پیچیده‌تری است. بیکاری هرچند خود یک بحران است، ولی می‌تواند نماد بحران‌های عمیق‌تری باشد. ما در اینجا آن را به مثابه نماد این بحران‌ها می‌نگریم که می‌بایست همه آن متن و نوشته‌ای خواننده و تأویل شود. واقعیت این است که بیکاری ایران محصول فرایند پیچیده‌ای از تعامل، عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. نیروی کار قابل توجه که حدود ۳۰ میلیون نفر تخمین زده می‌شود، با وجود سطح آموزشی که میانگین آن پایین‌تر از میانگین آن در منطقه نیست، نتوانسته زیرساخت‌های موجود را به کار گرفته، خدمات و کالاهای مورد نیاز جامعه‌اش را فراهم کند.

از منظر سیاسی

ساختار سیاسی ایران در دو دهه اخیر دارای گرایش خاصی بوده است که با توجه به عناصر پایین تعریف می‌شود:

- راهبرد: کشمکش یا خارج و دگرگون کردن جهان با خواست خود و یا دست‌کم مطالبه جایگاهی بیش از وزن سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور در سطح بین‌الملل
- سازمان: متمرکز و غیرمشارکتی، در عرصه خارجی، تدافعی، تبعادی و انزواطلبانه و یا غیرمشارکتی
- توانایی و معرفت متراکم درون نظام: غیررقابتی و مبتنی بر سلسله‌مراتب غیرانتخابی. غیررقابتی، موانع جدی در راه گردش مطلوب اطلاعات و دانش در جامعه سیاسی ایران
- مدیریت: مدیریت ناتوان، فقدان ذخایر و انباشت نیروی انسانی، فقدان توانایی نظریه‌پردازی. ساختار بیمار دستگاه خارجی که بررانت‌خواری و باندبازی و جذب مرید استوار است.

از نظر اقتصادی:

در هماهنگی با ساختار سیاسی، اقتصاد ایران نیز شکل خاصی به خود گرفت که مهم‌ترین شاخص‌های آن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- راهبرد: دنباله‌روی خنثی با خارج، مبتنی بر واردات فناوری و مواد واسطه از خارج و صادرات مواد خام.
- سازمان: متمرکز، غیررقابتی، مبتنی بر اراده و منافع سیاسی. انحصار اطلاعات، ارتباطات و منابع مالی و ارزی در میان «خودی‌ها» فقدان نظارت مؤثر از سوی افکار عمومی و شهروندان. فقدان نظارت مؤثر از سوی مؤسسات.
- معرفت: اساساً وارداتی و خنثی. روش معرفت‌شناسی اقتصادی اساساً سنتی و غیرمدرن. گردش اطلاعات انحصاری و غیرعمومی و اغلب غیرمؤثر.

ساختار اجتماعی:

بافت اجتماعی ایران در سه دهه اخیر به شدت دگرگون شد. این دگرگونی از سویی با جوان شدن جمعیت، افزایش میانگین سال‌های تحصیل و کوچک‌تر شدن حجم خانوار همراه بود. از سوی دیگر ما شاهد افزایش نرخ اشتغال زنان (به دلایل گوناگون و از جمله افزایش نرخ تورم و مشارکت زنان در امور اجتماعی و...) افزایش نقش آنان در اموری که از نظر تخصصی

قابل توجه است، بوده ایم.

حاصل دگرگونی فوق این بوده است که جمعیت جوان که تمایل به نوگرایی در عرصه زندگی و ارزش‌ها را دارد، نسبت به نسل گذشته از میانگین تحصیل بالاتری برخوردار است، به بازار کار می‌رود، انتظار بیشتری از زندگی دارد. زندگی سنتی را بر نمی‌تابد.

چنین ترکیبی از جمعیت اساساً با راهبردهای مبتنی بر انزوا و ثبات ارزش‌های اجتماعی و الگوهای زندگی سازگاری ندارد. نهادهای سیاسی که دستکم باید در یک تعادل و سازگاری با چنین ساختی از جمعیت باشند، نتوانسته‌اند خود را با تمایلات آن منطبق کنند. نهادهای اقتصادی نیز دست کمی از نهادهای سیاسی نداشته‌اند و نتوانسته‌اند شرایط لازم برای دگرگونی در جامعه را فراهم کنند.

به طور کلی می‌توان چنین ادعا کرد که فقدان تعادل ساختاری میان اقتصاد ایران و اقتصاد منطقه‌ای و اقتصاد جهانی عامل اساسی پیدایش بحران بیکاری است. این فقدان تعادل بیان تنش میان جامعه ایران و محیط سیاسی و اجتماعی پیرامون آن بوده پیامدهای معتنا بهی را برای اقتصاد ایران به همراه داشته است. هر چند سهم چالش‌های سیاسی در فقدان یک راهبرد مناسب قابل چشم‌پوشی نیست، ولی ناتوانی مدیران در تعریف چنین راهبردی نیز در این میان قابل توجه است. باید پذیرفت که ساختار اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایران در سه دهه اخیر طوری سامان یافته است که نتوانسته است دینامیسمی را در خود بیافریند تا در مقابل امواج چالش‌های محیط پیرامون خود، واکنش‌های مناسب از خود نشان دهد. راهبردهایی که برای حل بحران آزمایش شده‌اند، نتوانسته‌اند نتایج قابل قبولی را عرضه کنند. طراحی راهبرد نو و آفریدن سازمان نوین در شرایط ایران با مدیران گذشته میسر نیست.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
ی. علوی		بحران بیکاری در نتیجه‌ی فقدان تعادل ساختاری میان اقتصاد ایران و اقتصاد منطقه‌ای و اقتصاد جهانی

مشخصات منبع:

- علوی، ی. ۱۳۸۱. «بیکاری، بحران یک جامعه بی‌برنامه». ماهنامه آفتاب. شماره ۱۷. تیر و مرداد ۸۱. صص ۲۶-۲۷.

ائتلاف‌های تازه (علیرضا علوی تبار)

شکل دادن به ائتلاف‌های تازه این روزها هم ضرورت بیشتری دارد و هم امکان بیشتری. تنها یک ائتلاف قدرتمند است که می‌تواند به جهانیان نشان دهد تحولات تدریجی و درون‌زای ایران از این کشور یک مردم‌سالاری مسالمت‌جو خواهد ساخت و این تنها آینده‌ی اطمینان‌بخش و پایدار ایران است. امروز به روشنی مشخص است چه کسانی مردم‌سالاری را به عنوان یک هدف پذیرفته‌اند. قرار گرفتن تحت فشار واحد و کمک به یکدیگر در دوران سختی تا حدودی اعتماد به هم را در میان نیروها افزایش داده است و در مجموع رواداری و تحمل همه‌ی ما برای پذیرش یکدیگر (هم‌پذیری) افزایش یافته است. در شرایطی که هرگونه ارتباط و گفت‌وگویی می‌تواند به عنوان سندی برای اثبات «تجمع برای توطئه و براندازی» مورد سوء استفاده قرار گیرد، برقراری هرگونه رابطه‌ای به قصد همکاری و هم‌رایی به ویژه برای نیروهایی که خاستگاه درون حاکمیتی ندارند بیشتر می‌شود و نمی‌توان و ریسک کرد و آن‌ها را به خطر انداخت (علوی تبار، ۱۳۸۱: ۲۴).

در استفاده از ظرفیت‌های افراد خارج از کشور می‌توان به این نکته توجه کرد که بازگشت ایرانیان از خارج به داخل به نفع حیثیت و منزلت ملی ما در جهان است. تنها مخالفان ایران و گروه‌های برانداز هستند که با خوشحالی از افزایش تعداد ایرانیانی که به دلیل محدودیت‌های داخلی به خارج مهاجرت می‌کنند، استقبال می‌کنند. درک این نکته که چرا یک جریان داخلی (راست افراطی) اینقدر می‌کوشد تا با تحقیر با ایرانیان خارج از کشور برخورد کند مشکل است (علوی تبار، ۱۳۸۱: ۲۷).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
علیرضا علوی تبار	استفاده از پتانسیل‌های بلا استفاده برای ایجاد آزادی هر چه بیشتر	عدم امکان ایجاد تشکل‌های شناسه‌دار و همچنین عدم برخورداری از فعالیت آزادانه در احزاب، جمعیت‌ها و تشکل‌های سیاسی
		عدم ظرفیت حکومت برای پذیرش منتقد و دگراندیش در کشور

مشخصات مقاله:

- علوی تبار، علیرضا. ۱۳۸۱. «ائتلاف‌های تازه». ماهنامه آفتاب. شماره ۲۰. آبان ۸۱. صص ۲۲-۲۷.

طرحی برای تحرک اصلاحات (کوشان رازجو)

چالش بزرگ اصلاح طلبان هم‌اندیشیدن به آینده‌ی دورتر و آفرینش «سرمایه‌ی اجتماعی» ای برای خود است که به عنوان قدرت متشکل، قدرت دستگاه‌های اجبار طرف متقابل را متوازن کند. مساله‌ی اصلی در ایران امروز پدید آمدن این موازنه‌ی اجتماعی قدرت است که نام عمومی آن «فرهنگ سیاسی مردم‌سالاری» است. در مقاطع گوناگون از سوی نیروهای مختلف شعارها و هدف‌های به عنوان هدف‌های جنبش اصلاحات مطرح شد که از یک سو به علت تنوع فراوان و در مواردی فقدان پشتوانه اجتماعی و سیاسی لازم برای تحقق آن‌ها و از سوی دیگر به خاطر برانگیختن واکنش‌های همراه با ترس و اضطراب در طرف مخالف اصلاحات، بیشتر نتایج منفی به بار آورده‌اند تا اینکه منشا اثر مثبتی باشند. برنامه‌ی حداقلی که بتواند مورد توافق مجموعه اصلاح طلبان فعلی قرار گیرد در جدول ارائه شده است.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
	غیرکالایی کردن نیروی کار، حق برخورداری از بهداشت	عدم اعلام تعهد دولت به چارچوب کلی سیاست‌های توسعه اقتصادی دولت رفاه
کوشان رازجو	راهکاری ارائه نشده است.	عدم لغو انحصارات غیرقانونی و فراقانونی و جلوگیری از توزیع رانت‌های اقتصادی از طریق بودجه‌ی دولت و عدم شفاف‌سازی عملکرد اقتصادی بنیادها و موسسات متصل به قدرت سیاسی
	ارائه لایحه حذف نظارت استصوابی در عین تأکید بر نقش نهاد رهبری به عنوان نهاد عالی حل‌منزاعه در میان قوای حکومتی.	نظارت استصوابی

مشخصات مقاله:

- رازجو، کوشان. ۱۳۸۱. «طرحی برای تحرک اصلاحات». ماهنامه آفتاب. شماره ۲۲. دی و بهمن ۸۱. صص ۴-۱۳.

گشودن این گره فروبسته (تقی رحمانی)

علل خودسری قدرت در ایران را می‌توان به این ترتیب برشمرد: ۱. فقدان طبقات اجتماعی متشکل و فعال؛ ۲. فقدان نهادهای صنفی، هنری، فرهنگی و اجتماعی مستقل از دولت و حاکمیت؛ ۳. فقدان احزاب سیاسی به معنی واقعی در عرصه‌ی سیاسی. در شرایط فقدان نهادهای مدنی و سیاسی تنها دو قشر قدرتمند دولت و روحانیت در اذهان مردم شناخته شده هستند. برای تعادل منطقی در جامعه لازم است که نهادهای مدنی-سیاسی مدرن یعنی تشکل‌های صنفی و سیاسی به وجود آید تا روشنفکران و طبقه‌ی متوسط و اقشار خرده‌پا قدرت واقعی خود را در جامعه پیدا کنند.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
تقی رحمانی	تکوین تشکل‌های صنفی و سیاسی	فقدان طبقات اجتماعی متشکل، فقدان نهادهای صنفی و هنری و فرهنگی و فقدان احزاب سیاسی

مشخصات منبع:

- رحمانی، تقی. ۱۳۸۲. «گشودن این گره فروبسته». ماهنامه‌ی آفتاب. شماره‌ی ۲۵. اردیبهشت ۱۳۸۲. صص ۱۶-۱۷.

پیرامون فساد اداری در ایران

فساد اداری در ایران نه امری عرضی و موقت است و نه امری محدود به مدار مبادله پولی و نه میدان خاص برخی از کارگزاران و شهروندان درجه دو که جزء خواص حکومتی به شمار نمی‌آیند. فساد اداری از آنجا شروع می‌شود که باندهای قدرت که جزء خواص حکومتی بوده و جزء خودی‌ها به شمار می‌آیند و با پشتوانه‌هایی در رأس حاکمیت دارند، با حداقل هزینه، حداکثر فرصت‌های سیاسی و مطلوبیت‌ها و خدماتی را که قابل ارزیابی به وجد نقدی نیستند را به خود اختصاص داده و درآمدهای رانتی را در اختیار می‌گیرند. فساد اداری در ایران در نهایت محصول فساد سیاسی گسترده‌ای است که بر جامعه ایران سایه افکنده است. فقدان فرصت مساوی برای مشارکت در توزیع قدرت و منزلت و ویژگی اساسی فساد سیاسی ایران بوده و ناشی از غلبه سلطانیسم شرقی بر فرهنگ سیاسی ایران است.

از پیامدهای سیاسی فساد اداری، بحران مشروعیت، کارایی و مشارکت سیاسی نهادهای مدنی است که در نهایت به شکاف و تنش میان حاکمیت و شهروندان انجامیده، بی‌ثباتی را افزایش می‌دهد. عمده‌ترین فساد اداری و مدیریت در ایران بخشی از آن است که به شکل داد و ستد خدمت میان مسئولین بالای حکومت و کارگزاران اختصاص دارد. بخش قابل توجهی از این خدمات، میان خاندان‌های معینی از حاکمیت که شبه الیگارشی‌هایی را تشکیل داده‌اند، مبادله می‌شود. کشف یا افشای چنین روابطی هرچند ساده است، ولی پی‌گیری قضایی آن به علت ماهیت آن و همچنین نفوذ متهمین عملاً امکان‌ناپذیر است. تحلیل‌هایی که از سوی برخی از وابستگان حاکمیت در مورد فساد اداری عرضه می‌شود، به علت فقدان دستگاه نظری جامع، نمی‌تواند ابعاد مشکل را بشکافد. این نظرات مبتنی بر جامعه‌شناسی فردگرایانه، سطحی و ناکارآمد بوده و اجرایی نیست و حتی به فرض اجرا دارای کارایی چندانی نمی‌باشد.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
نام نویسنده در مجله درج نشده است.		فساد سیاسی و فساد اداری فقدان فرصت مساوی برای مشارکت در توزیع قدرت و منزلت شبه الیگارشی خاندان‌های معین در حکومت

مشخصات منبع:

● «پیرامون فساد اداری در ایران». ماهنامه آفتاب. سال سوم. شماره ۲۷. صص ۴۵-۴۰

نشانگان فلج سیاسی (احمد صدری)

به صورت تقریباً یکپارچه و تقریباً در تمامی موارد در همه‌ی بحران‌ها، نظام ما درمی‌ماند و به حالت فلج دچار می‌شود و بدون استثناء همه‌ی فرصت‌های طلایی را از دست می‌دهیم. نظام ما تا لحظه‌ی آخر که لطمه و ضربه‌ی ناشی از برخورد با حادثه وارد می‌شود، قادر به تصور یک راه مقابله با آن مشکلات نیست. در ساده‌ترین کلام می‌توان گفت که علت فلج سیاسی در نظام ما عدم مسئولیت سیاسی یا بی‌مسئولیتی (irresponsibility)، وظیفه‌شناسی یا لایابالی‌گری است. دو نوع کاملاً متفاوت بی‌مسئولیتی در راس هرم و در قاعده‌ی نظام دست به دست هم می‌دهند و باعث فلج سیاسی در سیاست خارجی ما می‌شوند (مصادیق: گروگان‌گیری سفارت آمریکا، جنگ ایران و عراق، رژیم حقوقی خزر، حادثه ۱۱ سپتامبر). برنامه‌ریزی راس هرم ما در سیاست خارجی، ایدئولوژیک عمل می‌کند. نمی‌خواهد واقعیت‌های ملموس را بپذیرد، متصلب است و انعطاف‌پذیر نیست. اگر سیاستمداران شجاعت اخلاقی لازم را نداشته باشند که دست به یک قربانی ابراهیم‌وار بزنند و ایدئال خود را در لحظه‌ای حساس برای منافع ملت خود قربانی کند یا لاقلاً برای مدتی کوتاه کنار بگذارد، سیاستمدار خوب و قوی نخواهد بود. سیاستمداری که تنها خود را در قبال ایدئولوژی خود مسئول بداند، باعث تصلب و فلج سیاسی می‌گردد. سویه دوم بی‌مسئولیتی در کارگزاران نظام رخ می‌دهد که احساس می‌کنند اگر هرگونه ابتکار و دیدگاه کارشناسی داشته باشند، موجب اخراجشان خواهد شد. کارگزاران احساس می‌کنند هرگونه عدم وفاداری به رهبران و ایدئولوژی حاکم باعث می‌شود جایگاه سازمانی خود را از دست بدهند، در نتیجه دغدغه اصلی‌شان در تصمیم‌گیری نه منافع ملی، بلکه حفظ پست و مقام است. سیستم استخدامی در اینجا نقش دارد. سیستمی که بر مبنای منافع ملی و تعهد سیاسی نباشد، موجب جذب کارگزاران منفعت‌طلب می‌شود. نشانه‌شناسی و بیماری‌شناسی باید یک امر جدی باشد و در درون حلقه‌های متفکر و کارشناسان امور سیاسی و جامعه‌شناسی به بحث گذارده شود تا بتوانیم در آینده درست عمل کنیم. مسئله‌ی پارتنری بازاری رسمی که خلاف جریان شایسته‌سالاری عمل می‌کند و نظام آفازاده‌پروری و سیستم بچه‌محل‌پروری منشاء مشکلات بسیاری از ارگان‌ها و نهادها است. در بسیاری از وزارتخانه‌ها، افراد یک محله‌ی خاص تجمع بیشتری پیدا کرده‌اند. تنها سیستم شایسته‌سالاری می‌تواند مقابل این امر مانع ایجاد کند.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
احمد صدری	کنار گذاشتن سیاست خارجی ایدئولوژیک؛ نظام جذب کارگزاران مبتنی بر شایسته‌سالاری	عدم مسئولیت سیاسی یا بی‌مسئولیتی در راس هرم و بدنه‌ی کارگزاران نظام
	جایگزینی نظام شایسته‌سالاری گزینش نیروها	تسری آفازاده‌پروری و بچه‌محل‌پروری در سیستم اداری

مشخصات منبع:

● صدری، احمد. ۱۳۸۲. «نشانگان فلج سیاسی». ماهنامه‌ی آفتاب. شماره‌ی ۲۹. مهر ۱۳۸۲. صص ۳۵-

۲۶.

اقتصاد زیرزمینی ایران (جهانگیر آموزگار)

یکی از ویژگی‌های بارز جمهوری اسلامی، عظمت و گستردگی نسبی اقتصاد زیرزمینی آن است. اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد غیررسمی، اقتصاد موازی، اقتصاد خاکستری ناظر بر فعالیت‌هایی اعم از قانونی و غیرقانونی است که از پرداخت مالیات طفره می‌روند یا از ثبت شدن در تولید ناخالص ملی می‌گریزند. این اقتصاد زیرزمینی زائده‌ای از ایدئولوژی اسلامی و ساختار سیاسی منحصر به فرد جمهوری اسلامی است که بازتاب رابطه‌ی سردمداران روحانی با هواداران تجاری آن‌ها در بازار است. هفت ستون نگهدارنده‌ی این اقتصاد زیرزمینی عبارتند از: تاریخ پدرسالارانه و غیردموکراتیک، سنن تشیع، سرپرستی و نظارت دولت بر فعالیت‌های غیرشفاف، سیاست‌های اقتصادی نادرست، محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی اعمال شده از سوی دولت بر زندگی شهروندان، تبعیض میان زن و مرد، ضعف شیوه‌ی کشورداری. در پیش گرفتن سیاست‌های کلان اقتصادی نادرست از جمله در نظام بانکداری ملی انگیزه‌ی اقتصادی بیشتری برای رشد اقتصاد زیرزمینی ایجاد کرده است. ناتوانی دولت از اجرای قوانین و مقررات محدودکننده‌ی خویش نیز به اقتصاد زیرزمینی امکان رشد و رونق داده است.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
جهانگیر آموزگار		اقتصاد زیرزمینی مبتنی بر هفت عامل: تاریخ پدرسالارانه و غیردموکراتیک، سنن تشیع، سرپرستی و نظارت دولت بر فعالیت‌های غیرشفاف، سیاست‌های اقتصادی نادرست، محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی اعمال شده از سوی دولت بر زندگی شهروندان، تبعیض میان زن و مرد، ضعف شیوه‌ی کشورداری
		در پیش گرفتن سیاست‌های کلان اقتصادی نادرست از جمله در نظام بانکداری ملی
		ناتوانی دولت از اجرای قوانین و مقررات محدودکننده‌ی خویش

مشخصات منبع:

• آموزگار، جهانگیر. ۱۳۸۲. «اقتصاد زیرزمینی ایران». ماهنامه‌ی آفتاب. شماره‌ی ۲۹. مهر ۱۳۸۲. صص. ۳۶-۳۹.

ساختار حقیقی، ساختار حقوقی (عبدالله رمضان زاده)

من ادعا کردم که دولت خاتمی کارآمدتر از دولت‌های قبلی است، آن هم به این دلیل مهم که دولت کنونی با منتقدان بسیار قدرتمندی روبروست. این امر، مایه شکرگزاری است، چرا که موجب می‌شود دولت به زوایای کار خودش همیشه توجه داشته باشد و به اصطلاح «گزک» دست رقیب ندهد. این «گزک» هم از میزان کارآمدی و هم از لحاظ عدم فساد است. زیرا به علت قدرت دستگاه‌های ناظر. که به عنوان رقیب هم عمل می‌کنند. طبیعتاً کسانی که مشغول کارند ناگزیرند که هم دقت در کار داشته باشند و هم از فساد در عملکرد پرهیز کنند.

در ایران تفکیک گسترده‌ای بین دولت و حکومت در حال شکل‌گیری است. کابینه از بقیه و به ویژه از نهادهای قضایی و نظارتی، متمایز و مجزا شده است و این دو نهاد خود را رقیب کابینه نشان می‌دهند. این دو در کنار هم کار نمی‌کنند و می‌خواهند همدیگر را از میدان به در کنند. این از میدان بدر کردن مشکل ایجاد کرده است، در حالی که اگر نهادهای مدنی بودند، به گونه‌ای دیگر برخورد می‌کردند. اما اینجا بخش دیگری وجود دارد که مانع می‌شود و عملکردها را کنترل می‌کند. به همین دلیل کارآمدی را از این نظر پایین می‌آورد ولی به لحاظ قدرتمندی، به خاطر ابقاء در کنار آن موجب افزایش قابل توجهی در کارآمدی نسبت به قبلی‌ها می‌شود.

ساختار حزبی ما قادر به تربیت نیرو نیست. دولت‌ها از طرف دیگر، به دلیل محافظه کاری در قدرت، برای اثبات کارآمدی خود، جرئت وارد کردن نیرو را به جز در مواقع ضروری و اجبار ندارند. این اجبار در جامعه ما تا به حال به وجود نیامده است. بنابراین این بافت تا مدت‌ها دست نخورده باقی می‌ماند مگر اینکه ساختار حزبی باعث تغییر آن شود.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
عبدالله رمضان زاده	رقابت و شفافیت استفاده از نهادهای مدنی اصلاح و تقویت ساختار حزبی	یکدست بودن قدرت و عدم رقابت سیاسی دوگانگی حاکمیتی ساختار حزبی معیوب

رمضان زاده، عبدالله. ۱۳۸۲. «ساختار حقیقی، ساختار حقوقی». ماهنامه آفتاب. سال چهارم. شماره ۳۱. صص ۳۳-۲۸.

جامعه مدنی، قدرت رانت خوار و ساختارهای پنهان (غلامعباس توسلی)

مسئله نفت از دو طریق در جامعه تأثیر می‌گذارد. یکی از طریق دولت متمرکز است که وقتی نفت به بازار می‌رود، خود به خود دولت و قدرت متمرکز شکل می‌گیرد و بی‌نیازی دولت نسبت به مالیات و مردم به وجود می‌آید. در این فرایند خود به خود طبقات پیرامونی هم بر محور قدرت دولت می‌چرخد و جابجا می‌شوند. طریق دوم، رانت خواری است. معمولاً دولت‌های نفتی دولت‌های رانت خواری هستند. چون درآمدهایی به دست می‌آید که مستقیماً در دولت متمرکز می‌شود و حساب و کتابی در میان مردم ندارد و رانت خواری مستقیم و غیرمستقیم گسترش و توسعه می‌یابد.

نفت و هر نوع درآمد دیگری که امکان رانت خواری را در جامعه توسعه بدهد، وسیله مهمی برای طبقات غیرمولد و غیرتولیدی به شمار می‌روند. شاید یکی از تفاوت‌های ما با کشورهای اروپایی این است که آنجا یک نوع بورژوازی ملی رشد پیدا کرد. در ایران به جای اینکه بورژوازی ملی شکل بگیرد، طبقاتی که به اصطلاح می‌توانیم آنها را عمدتاً طبقات انگلی بنامیم، شکل گرفت. طبقاتی که تولید ندارند، ولی درآمدهای بسیار هنگفتی دارند. این امر هم مستقیم تأثیر می‌گذارد و هم غیرمستقیم. آنهایی که امکان در اختیار گرفتن این رانت‌ها را دارند، از طریق فساد اداری و اجتماعی در این نوع بسترهای سیاسی توسعه پیدا می‌کنند و در نتیجه گروه‌هایی از همه امکانات در جهت منافع خود استفاده می‌نمایند.

تا از این مدار معیوب که در اثر درآمد نفت وجود دارد و با قدرت ترکیب می‌شود، خارج نشویم، نمی‌توانیم یک بورژوازی ملی و تولید ملی را شکل دهیم و از مدار توسعه نیافتگی خارج شویم.

در موقعیت‌هایی که آشفتگی همراه با خفقان وجود دارد و امکان انتقاد کم است و مطبوعات آزاد نیستند، زمینه مساعدی برای فساد مالی فراهم می‌شود. در ظاهر هم بحث پولشویی از اینجا شروع می‌شود. پول‌های بسیار زیادی از راه نامشروع به دست می‌آید و وارد جریانانی می‌شود که از طریق پولشویی به خود مشروعیت می‌بخشد.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
غلامعباس توسلی	بورژوازی ملی و تولید ملی آزادی مطبوعات	دولت نفتی رانتیر فساد اداری و اجتماعی

توسلی، غلامعباس. ۱۳۸۳. «جامعه مدنی، قدرت رانت خوار و ساختارهای پنهان». ماهنامه آفتاب. سال چهارم. شماره ۳۴.

فصل چهارم: بررسی کارآمدسازی نظام سیاسی در دوماهنامه چشم انداز ایران

مقدمه

دوماهنامه‌ی سیاسی-راهبردی چشم انداز ایران که پیشینه‌ی آن به مجله‌ی «راه مجاهد» در دهه‌ی شصت بازمی‌گردد، دور جدید انتشار خود با این عنوان را از سال ۱۳۷۸ آغاز کرد و تاکنون نیز در بیش از ۱۰۷ شماره و تعدادی ویژه‌نامه منتشر شده است.

در این نشریه علاوه بر خط تحلیلی موانع توسعه در ایران که مرتبط با بحث ناکارآمدی نظام سیاسی بوده و بیشتر در یک فصل جداگانه ارائه شد، مجموعه مطالبی در قالب مقاله، مصاحبه و میزگرد وجود دارد که در خلال مباحث خود و در ضمن بحث از آسیب‌شناسی حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی، به بحث ناکارآمدی در سطوح مختلف ساختاری و فردی پرداخته‌اند. از بین این مجموعه مطالب، موارد زیر به عنوان مطالب مرتبط‌تر گزینش شده‌اند:

- اقتصاد رانتی و معمای دموکراسی (احمد علوی)
- عدم اراده‌ی معطوف به توسعه (بیژن عبدالکریمی)
- موانع توسعه در ایران (محمدحسین رفیعی)
- اقتصاد مقاومتی (میزگردی با حضور رفیعی، مظهری و دینی ترکمانی)
- راه سومی برای اقتصاد نیست (فرشاد مومنی)
- انقلاب از درون برای مبارزه با فساد (ابراهیم رزاقی)
- مشارکت همگانی مهمترین عنصر بقای نظام (فرشاد مومنی)
- دولت و نگاه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی توسعه (حجت‌الله میرزایی)
- توسعه ظرفی برای تحکیم اخلاق و دیانت (عزت‌الله سبحانی)
- تأثیر شیوه حکمرانی در گسترش فساد سیستماتیک (علی دینی ترکمانی)
- قوانینی که به فساد دامن می‌زنند (مهدی پازوکی)

در ادامه چکیده مباحث مرتبط این مقالات در قالب ادبیات ناکارآمدی صورت‌بندی و به تفکیک مقالات آمده است. لازم به ذکر است که ترتیب مقالات این فصل به ترتیب تاریخ انتشار در دوماهنامه‌ی چشم انداز ایران است.

سمانه سهرابی

اقتصاد رانتی و معمای دموکراسی (احمد علوی)

بنا به بررسی مایکل کلار (Klare, T Michael) رقابت برای دسترسی به انرژی مؤلفه مهم در معادلات سیاسی جهان امروز به شمار می‌رود، چرا که دسترسی به انرژی، توسعه اقتصادی را رقم می‌زند. باید به یاد داشت که عدم تعادل بازار انرژی و نفت در آینده بیشتر خواهد شد، چرا که همزمان با افزایش تقاضای انرژی عرضه‌ی آن افزایش چشمگیری نخواهد کرد. تضعیف

باور عمومی به توانایی و اراده‌ی سیاسی دولت و کاهش اعتماد عمومی و مقبولیت اجتماعی حکومت از نتایج دولت رانتیر است. مزیت اقتصادی ناشی از اقتصاد رانتی به صورت اعطای مجوزهای خاص به انحصار فرد (مزیت اقتصادی)، تقسیم موقعیت‌های سیاسی و شغلی بر اساس حامی پروری (مزیت سیاسی)، مزیت دسترسی به اطلاعات اقتصادی یا سیاسی با ارزش در زمان خاص و استفاده از آن برای مقاصد شخصی یا حزبی معین (مزیت اطلاعاتی)؛ از مزیت‌های ناشی از اقتصاد رانتی برای گروه‌های رانتبر است که منجر به ناکارآمدی حکومت می‌شود (علوی، احمد، ۱۳۸۸: ۲۰).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
احمد علوی		بزرگ شدن حجم دولت، وابستگی به خدمات و محصولات خارجی، فقدان پاسخگویی حکومت، برون‌زایی اقتصادی، بخش خصوصی نارسا، نارسایی جامعه مدنی، نبود تکثر سیاسی، نبود رسانه‌های مستقل، نابرابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، حامی پروری و مریدپروری، فساد اداری و مدیریت
		تمرکز قدرت و استبداد، نارسایی نهادهای نظارتی و نبود مشارکت سیاسی.

مشخصات منبع:

- علوی، احمد. ۱۳۸۸. «اقتصاد رانتی و معمای دموکراسی». دوماهنامه چشم‌انداز ایران. شماره ۵۴، اسفند ۸۷ و فروردین ۸۸. صص ۱۹۰-۲۳.

موانع توسعه در ایران (محمدحسین رفیعی)

رابطه‌ی دیالکتیکی و ارگانیک بین وجوه مختلف توسعه (شامل توسعه‌ی سیاسی، توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی حقوقی و...) باید وجود داشته باشد وگرنه آن را شکننده و ناپایدار می‌کند. در ایران برنامه‌های ضد توسعه به خصوص توسعه‌ی سیاسی به وضوح مشخص است. توسعه سیاسی به معنای دموکراسی همه جانبه، آزادی احزاب، سازمان‌های سیاسی، فرهنگی، مطبوعات، تجمعات اعتراضی، مذاهب، نهادهای مدنی، سندیکاها، کارگری، دهقانی و... است؛ به شکلی که در چارچوب تعریف شده، تمامی افراد جامعه احساس همبستگی و وحدت ملی کنند؛ وحدت در عین کثرت (رفیعی، ۱۳۸۹: ۶۷). باید توجه داشت که توسعه در هر کشوری منحصر به فرد است و با شرایط مادی و غیرمادی آن تطبیق داده می‌شود.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
محمدحسین رفیعی	پذیرش تکثر در حوزه‌های مختلف عبور از دولت رانتیر	تخریب مذهب، فرهنگ و اعتقادات یک جامعه بدون اینکه خود در روند توسعه قرار گیرند. کاهش خلاقیت و اشتغال داخلی به دلیل استفاده از نفت

مشخصات منبع:

- رفیعی، محمدحسین. ۱۳۸۹. «موانع توسعه در ایران». نشریه‌ی چشم‌انداز ایران. شماره ۶۱، اردیبهشت و خرداد ۸۹. صص ۶۴-۷۳.

عدم اراده‌ی معطوف به توسعه (بیژن عبدالکریمی)

بیژن عبدالکریمی در توضیح اصلی‌ترین علت «غیرطبیعی بودن» جامعه‌ی ایران و در نتیجه توسعه نیافتگی، معتقد است که توسعه نیافتگی ما به دلیل عدم «اراده‌ی معطوف به پیشرفت» در جامعه‌ی ایران است. دلایلی که ایشان برای اثبات این مدعای خود دارند به شرح زیر است: دلیل اول ایشان به عامل معرفت‌شناختی اشاره دارد. به اعتقاد عبدالکریمی در حال حاضر تنها گروهی که می‌تواند برای غلبه بر عقب‌افتادگی‌ها و توسعه کشور دست به بسیج نیروها بزند. جدا از بحث ارزشی-روحانیت شیعه است. این جریان اجتماعی با برخورداری از اصالت تاریخی، کادر گسترده و برخورداری از حمایت دستگاه سیاسی، عملاً قدرت بسیج توده‌ای را دارد. اما به لحاظ معرفت‌شناختی نتوانسته است خود را هماهنگ با پیشرفت‌های جهان امروز رشد دهد و به دلیل همین مانع عمده معرفت‌شناختی نمی‌تواند موتور محرکه توسعه را در ایران ایفا کند. دلیل دوم این است که روحانیت و قدرت سیاسی ما هنوز درک نکرده‌اند که منابع قدرت در روزگار جدید تفاوت کرده است. در گذشته اموری چون سلحشوری منبع قدرت و اقتدار به شمار می‌آمد ولی در دنیای امروز «قدرت اقتصادی» و «قدرت تکنولوژیک» و «سازماندهی اجتماعی نیروی کار» است که قدرت واقعی جوامع را تعیین می‌کند. دلیل سوم: حکومت بیش از آن که به فکر توسعه باشد، دغدغه‌ی حفظ قدرت را دارد. دلیل چهارم: شیوه‌ی مواجهه‌ی قدرت‌های سیاسی با شکاف‌های عمیق اجتماعی میان نیروهای سنتی و نیروهای مدرن است (مثال: نزاع میان مشروطه‌خواهان و مشروعه‌خواهان، تعرض میان ملیون و مذهبیون یا مصدق و کاشانی، رویدادهایی نظیر استعفای مهندس بازرگان، درگیری‌های میان مجاهدین و حکومت و اتفاقات اخیر سال ۸۸) و بالاخره دلیل پنجم: مسیر حرکت قدرت سیاسی به سوی «مرگ انسان» نیل می‌کند. یعنی بزرگترین آسیب نظام جهانی و غرب که گریبان‌گیر ما هم شده؛ سیطره‌ی روزافزون تکنولوژی که عقلانیت انتقادی و آرمان‌گرا را از میان برده است (عبدالکریمی، ۱۳۹۲: ۶۴).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
	ظهور رهبری تمدنی با این قید که منافع ملی را بر منافع جریانی و گروهی ترجیح دهد.	توسعه نیافتگی به دلیل عدم «اراده‌ی معطوف به پیشرفت» ساختار سیاسی.
بیژن عبدالکریمی		عدم هماهنگی میان سه حوزه «سیاست»، «صنعت و اقتصاد» و «علم، فناوری و فرهنگ» و سلطه حوزه‌ی سیاسی بر دو حوزه‌ی دیگر
		قدرت سیاسی در ایران برای حفظ خود و بسط اقتدار خویش، با بروز هر گونه سپهر عمومی و حضور انسان خودآگاه در صحنه به مخالفت می‌پردازد.
		بحران معرفت‌شناختی نهاد روحانیت شیوه‌ی ناکارآمد در مواجهه با شکاف‌های اجتماعی (تضاد نیروهای سنتی و مدرن)

مشخصات منبع:

- بیژن، عبدالکریمی. ۱۳۹۲. «جامعه غیرطبیعی و دلایل آن؛ عدم اراده معطوف به توسعه». چشم‌انداز ایران. شماره ۸۰. ویژه مردادماه ۹۲. صص ۶۳-۶۵.

اقتصاد مقاومتی (میزگردی با حضور رفیعی، مظهری و دینی ترکمانی)

در این میزگرد به بررسی اقتصاد مقاومتی و موانع پیش روی آن و تاثیر آن بر ناکارآمدی اقتصادی دولت پرداخته شده است.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
محمد حسین رفیعی	تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات، منابع مالی، سرمایه انسانی و علمی کشور. به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی	دلالتی قاچاق کالای مصرفی فساد مالی اداری دخالت نظامیان در اقتصاد واردات رسمی کالای مصرفی قابل تولید در داخل کشور
		قومیت گریزی حاکمیت، به دلیل عدم اعتماد و ضدیت حکومت با قومیت های مختلف، در نتیجه، فرار مغزو سرمایه باهم اتفاق می افتد. عدم شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد در نهادهای حکومتی.
		رانت خواری و رانت خوان مانع از ایجاد اقتصاد مقاومتی، شفاف سازی و برچیدن فساد گسترده مالی اداری. وجود نهادهای موازی و همپوشان از نظر کارکردی، صرفاً به دلیل کارکرد سیاسی نه خدماتی (مانند وزارت رفاه و کمیته ای امداد).
علی دینی ترکمانی		سازگار نبودن قواعد نهادهای رسمی حاکم بر جامعه با تحولات دنیای مدرن و در یک کلام حکمرانی ضعیف

مشخصات منبع:

- رفیعی، مظهری، دینی ترکمانی. ۱۳۹۳. «اقتصاد مقاومتی (میزگردی با حضور رفیعی، مظهری و دینی ترکمانی)». دوماهنامه چشم انداز ایران. شماره ۸۸، آبان و آذر ۹۳. ص ۶۸-۷۵.

راه سومی برای اقتصاد نیست (فرشاد مومنی)

مسئله فساد اقتصادی سیستماتیک در کشور به حدی رسیده که مسئولان از جناح های مختلف در سخنان خود بارها به آن اشاره کرده اند. نتیجه این سطح از فساد در اقتصاد سربرآوردن باندهایی است که هیچ قانونی را بر نمی تابند و برای کسب سود بیشتر به دنبال بی ثباتی در فضای اقتصادی کشور هستند.

باید توجه داشت صرف نظر از اینکه نمایندگان مجلس چه کسانی باشند و اکثریت آنها از چه جناحی باشند، این سیاست به نوعی شفاف سازی در عرصه تخصیص منابع است. از آنجایی هر تصمیمی که از کانال مجلس عبور می کند، الزاماً شفاف می شود، این تصمیم به نوعی نظارت مردم را بر چگونگی تخصیص منابع به همراه دارد و در چنین ساختاری هزینه فرصت رانت جویی افزایش یافته و انگیزه فساد به حداقل می رسد. زمانی که تخصیص منابع ارزی شفاف می شود رانت جویان به جای آنکه پشت درهای بسته با یک فرد از قوه مجریه مذاکره خصوصی کنند باید رضایت بیش از ۱۵۰ نفر از نمایندگان را در صحن علنی به دست آورند. در این شرایط به لحاظ تئوریک گفته می شود هزینه فرصت رانت جویی به شدت افزایش می یابد و این سیاست مستقل از اشخاص موضوعیت دارد.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
فرشاد مومنی	شفاف سازی تصمیمات در کانال مجلس و بالا بردن هزینهی رانت خواری	عدم نظارت تخصصی مدنی، پایین بودن هزینهی رانت خواری

مشخصات منبع:

- مومنی، فرشاد. ۱۳۹۴. «راه سومی برای اقتصاد نیست». دوماهنامه چشم‌انداز ایران. شماره ۹۱. اردیبهشت و خرداد ۹۴. صص ۷۶-۷۹.

انقلاب از درون برای مبارزه با فساد (ابراهیم رزاقی)

رزاقی معتقد است زمانی که فساد سیستماتیک می‌شود به این معنی است که تنها محدود به دولت و نهادهای دولتی نیست و افراد در هر جایگاه و مقامی ممکن است درگیر این پدیده باشند، از همین رو برای درک این پدیده باید نگاه همه جانبه داشت. رزاقی نوع تفکر و ایدئولوژی حاکم بر جامعه را بر شکل‌گیری فساد مؤثر می‌داند و معتقد است زمانی که دولت الگوی زندگی مصرفی را تبلیغ می‌کند و دولتمردان شناخته شده در جامعه نیز با توسل به راههای غیرقانونی ثروت اندوزی می‌کنند و الگوی مصرف خود را رواج می‌دهند و مجازات هم نمی‌شوند، در چنین شرایطی، فساد سیستماتیک می‌شود. وی تعیین مجازات‌های عادلانه برای خاطیان را یک راه حل برای این مشکل می‌داند، اما اعتقاد دارد برای حل ریشه‌ای این مشکل باید دولت به طور جدی وارد عمل شود و با حمایت از بخش مولد و محدود کردن فعالیت‌های غیرمولد، جلو اشاعه فساد را بگیرد. وی ترویج ارزش‌های اسلامی و الگوی زیست ساده را نیز گام مهمی در این مسیر می‌داند (رزاقی، ۱۳۹۴: ۶۱).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
ابراهیم رزاقی	محدود کردن فعالیت‌های غیرمولد توسط دولت مداخله و حمایت دولت از بخش تولید	فساد سیستماتیک دولت خود را مسئول اقتصاد نمی‌داند و تنها وظیفه‌ی فروش نفت و واردات کالا با ارز ارزان حاصل از فروش این ثروت می‌داند که نتیجه‌ی آن شرایط سخت‌تر تولیدکنندگان می‌باشد.

مشخصات منبع:

- رزاقی، ابراهیم. ۱۳۹۴. «انقلاب از درون برای مبارزه با فساد». نشریه چشم‌انداز ایران. شماره ۹۲. تیر و مرداد ۹۴.

مشارکت همگانی مهمترین عنصر بقای نظام (فرشاد مومنی)

باید نهادهایی داشته باشیم که صرف نظر از گروه‌بندی‌های متداول جناحی به دنبال منافع ملی باشند. در سطح نظری وفاق رو به افزایشی وجود دارد مبنی بر اینکه با یک توازن دوگانه روبه‌رو هستیم؛ یعنی درهم‌تنیدگی تمام عیار اقتصاد و سیاست و البته با تقدم امر سیاست. در امر سیاسی هم گفته می‌شود مشارکت همگانی مهم‌ترین عنصر تضمین‌کننده بقا برای نظام ملی است. به همین دلیل باید یک کار اقماعی پذیرفته‌ای انجام دهیم تا نشان بدهیم ساختار قدرت در صورتی که به احزاب شناسنامه دار و با هویت اجازه شکل‌گیری بسط فعالیت‌ها بدهد، امنیت ملی را تضمین می‌کند. در این حالت هزینه‌ها هم کاهش می‌یابد و کشور می‌تواند در این منطقه پرتنش گام‌های بزرگ به سمت ثبات ریشه‌دار مردمی بردارد (مومنی، فرشاد، ۱۳۹۴: ۴۸).

زمانی که گفته می‌شود امری خصلت اجتماعی دارد یعنی همه زیرسیستم‌های اجتماع در شکل‌گیری آن دخیل هستند و اگر

قرار است تغییری اتفاق بیفتد باید در همه عرصه‌های حیات جمعی تغییر ایجاد شود. وقتی به موضوع فرهنگ و اجتماع اشاره می‌شود؛ یعنی وجه از پایین به بالا مورد تأکید است، اما وقتی که از اقتصاد و سیاست صحبت می‌شود وجه بالا به پایین آن بیشتر مورد نظر است. در تمام تجربه‌های موفق توسعه در دنیا و حتی در مقاطع موفق تجربه دار ایران مشاهده می‌کنیم که حرکت‌های منحصر از بالا یا حرکت منحصر از پایین پاسخگو نیست و باید در هر دو ساحت تغییر به وجود آید. هم باید کمک کرد که بلوغ فکری ساخت سیاسی ارتقا یابد و هم باید مردم آگاه شوند که در این مسیر همکاری کنند (مومنی، فرشاد، ۱۳۹۴: ۴۹).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
فرشاد مومنی	مشارکت همگانی و تضمین فعالیت احزاب	عدم همکاری و همدلی مردم با دولت و دولت با مردمی در برخی امور، چه فرهنگی (پایین به بالا) و چه سیاسی. اقتصادی (بالا به پایین).
	جدی گرفتن رابطه‌ی بین دانش و قدرت	عدم سرمایه‌گذاری بروی نیروی انسانی

مشخصات منبع:

- مومنی، فرشاد. ۱۳۹۴. «مشارکت همگانی مهمترین عنصر بقای نظام». دوماهنامه چشم‌انداز ایران. شماره ۹۵، دی و بهمن ۹۴.

دولت و نگاه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی توسعه (حجت‌الله میرزایی)
حجت‌الله میرزایی، تحلیلگر مسائل توسعه تأکید می‌کند که: «دولت به جای اتکا به تکنوکرات‌های محافظه‌کار و فاقد خلاقیت و اصرار به مسیرهای بوروکراتیک از همه ظرفیت اجتماعی موجود با ایجاد يك گفت و گوی فراگیر و نهضت معاضدت ملی برای توسعه استفاده کند» (میرزایی، ۱۳۹۴: ۶۹).
دولت به طور بالقوه ظرفیت و ابزارهای رسانه‌ای و تشکل‌های اقتصادی و اجتماعی و کارشناسی خوبی دارد و در کنار آن می‌تواند از توان مدیران میانی و منطقه‌ای خود برای حل مشکلات اقتصادی استفاده کند.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
حجت‌الله میرزایی	تکیه بر توان و کارایی مدیران کارشناسان میانی و منطقه‌ای و تشکل‌های اقتصادی و اجتماعی	نظام کارشناسی و تصمیم‌سازی آسیب‌دیده شده، سازوکارهای تصمیم‌گیری بسیار متمرکز، غیرشفاف مسئولیت‌ناپذیر و فسادآلود
	نخست ایجاد ثبات در اقتصاد داخلی و دوم تنش زدایی از روابط بین‌الملل ناشی از مناقشات هسته‌ای و در نهایت یافتن جایگاهی در نظام بین‌الملل (میرزایی، ۱۳۹۴: ۶۶).	بی‌ثباتی اجتماعی و اقتصادی ناشی از نرخ بالای تورم
	اصلاحات نهادی مانند مبارزه با فساد، حرکت به سمت حکمرانی خوب، ایجاد ثبات، مبارزه با بی‌انضباطی مالی.	عدم وجود سیاست‌گذاری توسعه‌ای و سیاست‌گذاری کلان

مشخصات منبع:

- میرزایی، حجت. ۱۳۹۴. «دولت و نگاه منطقه‌ای در برنامه‌ریزی توسعه». دوماهنامه چشم‌انداز ایران. شماره ۹۶، اسفند و فروردین ۹۴.

توسعه ظرفی برای تحکیم اخلاق و دیانت (عزت‌الله سبحانی)

با تأکید و اصرار بر اهمیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و نقش بسیار مهم آن‌ها در چرخه تولید و ارتقای آن؛ باید افزود که به استناد بسیاری از مطالعات خارجی و داخلی، راز توفیق جذب سرمایه‌های خارجی و رمز دستیابی به آثار مثبت آن‌ها در اقتصاد، «پیوند آن سرمایه‌ها با سرمایه‌های داخلی است و گره خوردن آن سرمایه‌ها با چرخه‌های تولید ملی». از قضا یکی از پرننگ‌ترین مؤلفه‌ها و نکاتی که در سرمقاله‌های مهندس، مطرح شده، نگاه به درون است. از نظری «در برابر مشکلات داخلی و انحطاط و ذوب شدن تدریجی ولی مستمر کشور و ملت از یکسو و فشارهای متعدد و همه‌جانبه جهانی از سوی دیگر راهی جز این وجود ندارد که چشم امید از بازار جهانی (مضمونی که امروز جای امپریالیسم را گرفته) برداریم و به استعدادها طبیعی، مادی، انسانی و فرهنگی و بسیج و جذب توان‌های داخلی بیندیشیم. در همین چارچوب است که شاید اگر مهندس بود، منتقد موضع انفعالی و خواستار برخوردی فعال با سرمایه‌های خارجی می‌بود. چراکه وی به روشنی در نوشته‌های خود بر اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری، اما به شیوه‌های بومی و متناسب با ظرفیت‌های اقتصاد ایران تأکید داشته و به صراحت آن را نیاز و ضرورتی ملی می‌خواند، اما رعایت اقتضائات بومی را راز توفیق آن می‌داند (عظیمی، ۱۳۹۵: ۲۴).

از نظر مهندس سبحانی «ضعف و بیماری عمده جامعه انقلابی ما و نظام حاکم بر آن از دو عامل نشأت می‌گرفت: ۱. فضای سیاسی و اجتماعی که مشخصه اصلی آن عبارت بود از انحصار سیاسی-اجتماعی؛ ۲. فرهنگ تولید و کار خلاق در زمینه‌های مادی و معنوی بی‌اعتبار شده و در همه زمینه‌ها بازار دلالتی و واسطه‌گری و تکرار مکررات و عدم نوآوری و ابتکار رونق گرفت. جامعه از اکثر ثروت‌های طبیعی، اقتصادی و انسانی خود خالی شده و در مقابل تأسیسات زیربنایی و تولید و نیروی انسانی کارشناس و کاردان که عناصر اصلی در رشد سرمایه‌های ملی هر جامعه را تشکیل می‌دهند، تکوین نیافت.» (سبحانی، دغدغه‌های ایران فردا: ۲۵). توسعه به معنای رشد اقتصادی نیست و اگر این دو را برابر یکدیگر در نظر بگیریم، خسارت‌های سنگینی به بار خواهد آمد. در دیدگاه مهندس سبحانی نیروهای مصرف‌کننده، ضد توسعه‌اند. از آنجا که امر اساسی و اصل بنیادی برای پشتیبانی از استقلال و حاکمیت ملی و همچنین عدالت و اطمینان، توسعه همه‌جانبه می‌باشد و عقب ماندگی جز وابستگی و فقر ارمانی ندارد، هر نیرو و استعدادی که ما را بیشتر به رشد و تولید و ایجاد ثروت مادی و معنوی نزدیک کند باید مورد حمایت و تشویق جدی قرار بگیرد.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
	نگاه به دورن (استعدادها طبیعی، مادی و انسانی و بسیج و جذب توان‌های داخلی). سرمایه‌گذاری و تولید، دواي اقتصاد بیمار ایران	انحطاط داخلی و ذوب شدن تدریجی کشور از یکسو و فشارهای همه‌جانبه‌ی جهانی از سوی دیگر
عزت‌الله سبحانی	تکوین عناصر اصلی رشد سرمایه‌های اجتماعی چون نیروی انسانی کاردان و کارشناس.	انحصار سیاسی-اجتماعی و بی‌اعتبار شدن فرهنگ تولید و کار خلاق در زمینه‌های مادی و معنوی و در نهایت ایجاد بازار دلالتی و واسطه‌گری
		عدم سرمایه‌گذاری تولیدی و در نتیجه عدم استفاده بهینه از منابع، گسترش بیکاری، رشد منفی درآمد ملی نسبت به جمعیت، وابستگی روزافزون به نفت و صعود بدهی‌ها
		ریخت‌پاش و فقدان حساسی و کنترل در امور دولتی و طرح‌های مختلف و جاری و پیامد فساد بی‌سابقه در کشور

مشخصات منبع:

- عظیمی، میکائیل. ۱۳۹۵. «توسعه ظرفی برای تحکیم اخلاق و دیانت». دوماهنامه چشم‌انداز ایران. شماره ۹۷، اردیبهشت و خرداد ۹۵.
- عظیمی، میکائیل. ۱۳۹۵. «سرمقاله‌های دیروز، دغدغه‌های فردای ایران». دوماهنامه چشم‌انداز ایران. شماره ۶۸، تیر و مرداد ۹۰. صص. ۹۶-۱۰۹.

تأثیر شیوه حکمرانی در گسترش فساد سیستماتیک (علی دینی ترکمانی)

«اقتصاد دولتی عامل فساد نیست»، این موضوعی است که علی دینی ترکمانی، اقتصاددان، مطرح می‌کند. وی با توجه به تجربه کشورهای اسکاندیناوی که دولت بزرگ و فساد کم داشته‌اند شیوه حکمرانی را مهم‌تر از اندازه دولت می‌داند. وی معتقد است آنچه باعث شده است اقتصاد ما دچار این حجم از فساد باشد، مسئله تودرتوی نهادی است که در نتیجه آن پاسخگو نبودن، موازی کاری و فرار از مجازات ممکن می‌شود. به اعتقاد این پژوهشگر اقتصادی دولت در ایران در حوزه‌های کلاسیک آن مانند بهداشت و آموزش کوچک است، اما در زمینه‌های غیرکلاسیک بزرگ شده و این روند شرایط را برای ایجاد فساد سیستماتیک مهیا کرده است.

علل ناکارآمدی	راهکار	نویسنده
تودرتویی نهادی؛ که موجب کاهش کارایی اقتصادی، دورزدن قوانین، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری کم و تلف شدن منابع کشور می‌شود	عدم موازی‌کاری نهادی اداری در دولت و حکومت	علی دینی ترکمانی

مشخصات منبع:

- دینی ترکمانی، علی. ۱۳۹۵. «تأثیر شیوه حکمرانی در گسترش فساد سیستماتیک (تو در توی فسادها)». مصاحبه با دوماهنامه چشم‌انداز ایران. شماره ۱۰۰، آبان و آذر ۹۵.

قوانینی که به فساد دامن می‌زنند (مهدی پازوکی)

هرچه اقتصاد دولتی بزرگتر شود، زمینه برای فساد بیشتر می‌شود. کلید بحث هم در اینجا نبود شفافیت است، زیرا در اقتصاد دولتی سیستم به سمت عدم شفافیت حرکت می‌کند. شفاف شدن سیستم اقتصادی هم در گرو آزادی است. برای اینکه هر اقتصاد در مسیر رشد قرار گیرد باید فضای کسب و کار اصلاح شود. اصلاح فضای کسب و کار نیز سه شرط دارد: نخست، شفافیت اقتصادی؛ دوم، رقابت سالم اقتصادی در راستای حداقل کردن هزینه و حداکثر کردن سود؛ و سوم، مقابله با هرگونه انحصار اعم از دولتی و خصوصی. اصلاح این سه حوزه نیز از وظایف حکومت هاست. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت مدیریت صحیح اقتصادی می‌تواند به رشد اقتصادی بینجامد و رشد اقتصادی در نهایت کاهش فساد را هم به دنبال دارد.

علل ناکارآمدی	راهکار	نویسنده
بی‌انضباطی اداری و اقتصادی (فساد) در نتیجه ناکارآمدی سیستم اداری	سیستم اداری مبنی بر ضابطه و نه رابطه و جذب بهترین افراد در سیستم اداری دولتی.	مهدی پازوکی
عدم شفافیت در نظام اقتصادی	آزادی و اصلاح فضای کسب و کار (با شفافیت اقتصادی، رقابت سالم اقتصادی و مقابله با هرگونه انحصار)	

مشخصات منبع:

- پازوکی، مهدی. ۱۳۹۵. «قوانینی که به فساد دامن می‌زنند». مصاحبه با دوماهنامه چشم‌انداز ایران. شماره ۱۰۰، آبان و آذر ۹۵.

فصل پنجم: بررسی کارآمدسازی نظام سیاسی در ماهنامه آیین

مقدمه

ماهنامه آیین به صاحب امتیازی جبهه مشارکت ایران اسلامی، مدیرمسئولی سید محمدرضا خاتمی و سردبیری هادی خانیکی در حد فاصل سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ در ۳۲ شماره منتشر شده است. این ماهنامه هم حاوی تحلیل‌های سیاسی - راهبردی و هم حاوی مباحث فکری و نظری است. از میان مباحثی که در این ماهنامه مطرح شده مقالات زیر حاوی اشارات و نکته‌هایی در مورد کارآمدی نظام سیاسی تشخیص داده شدند:

- دولت غول‌پیکر و اداره میلیتاریستی جامعه (مصطفی تاجزاده)
- دموکراسی و موانع اقتصادی آن در ایران (مسعود نیلی)
- دولت نفوذهای ناهمگن: تأثیر قانون اساسی بر ساختار دولت و اقتصاد در ایران (محسن رنایی)
- سیاست‌گذاری‌های همزمان (ابوالفضل دلاوری)
- وضع توسعه ایران؛ ۳۰ سال پس از انقلاب (محمدحسین شریف زادگان)

در ادامه چکیده مباحث مرتبط این مقالات در قالب ادبیات ناکارآمدی صورت‌بندی و به تفکیک مقالات آمده است. لازم به ذکر است که ترتیب مقالات این فصل به ترتیب تاریخ انتشار در ماهنامه‌ی آیین است.

حسین موسوی

دولت غول‌پیکر و اداره میلیتاریستی جامعه (مصطفی تاجزاده)

تاجزاده بر این عقیده است که ساخت حکومت در ایران حداکثری و متمرکز است و دستگاه دیوانی، در عین بزرگی، ناراضی‌تراش، استبدادجو و انقلاب‌پرور است و حاکمان را پیوسته متفرق می‌کند. راه‌رهایی از چنین وضعی، که راه‌گذار حکومت به وضعیتی دموکراتیک را نیز تسهیل می‌کند، برگزاری انتخابات آزاد است. به نظر تاجزاده، حاکمیت قانون، توزیع و محدود کردن قدرت، برگزاری انتخابات آزاد، تغییر رفتار نهادهای حکومتی و ... موجب ثبات سیاسی و بهبود وضعیت کشور می‌شود (تاجزاده، ۱۳۸۷: ۴۶-۵۱).

تاجزاده می‌کوشد تا با طرح برخی رویکردهای نظری به مسئله سیاست‌ورزی، استدلال‌های خویش را در دفاع از سیاست‌ورزی آزاد و علنی عنوان نماید. یکی از مشکلات به نظر تاجزاده اختیارات رو به افزایش نهاد حکومت است که به تعبیر وی، در تاریخ ایران، هرگز چنین تمرکزی وسیعی وجود نداشته است. تاجزاده بر این نظر است که میلیتاریستی شدن فضای کشور، استقرار دموکراسی را با موانع بزرگ مواجه کرده و به رشد بنیادگرایی در ایران می‌انجامد. در ادامه، دور تازه‌ای از کشمکش‌ها آغاز خواهد شد که حتی در صورت برپایی انتخابات آزاد، احتمال پیروزی خشونت‌طلبان، افزایش خواهد یافت. در نهایت به نظر تاجزاده، مادامی که دولت غول‌پیکر است، تغییر نظام سیاسی به استقرار دموکراسی ختم نخواهد شد و هرکس قدرت را در

دست بگیرد، دیر یا زود منویات خود را به زور به پیش خواهد برد (همان، ۱۰ و ۱۱).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
مصطفی تاجزاده	برگزاری انتخابات آزاد از جانب حکومت حاکمیت قانون، توزیع و محدود کردن قدرت	متمرکز بودن بیش از اندازه ساخت حکومت دولت غول پیکر میلیتاریستی اداره کردن جامعه

مشخصات منبع:

- تاجزاده، مصطفی. ۱۳۸۷. «اصلاحات دموکراتیک؛ جامعه محور یا حکومتی». نشریه آیین، سال چهارم، آذر و دی ۱۳۸۷. شماره ۱۷ و ۱۸، صص ۴۶-۵۱.
- تاجزاده، مصطفی. ۱۳۸۷. «امکان یا امتناع سیاست‌ورزی در ایران». نشریه آیین، سال اول، آذر ۱۳۸۳. شماره ۲، صص ۲-۱۲.

دموکراسی و موانع اقتصادی آن در ایران (مسعود نیلی)

نیلی در این یادداشت موانع جدی دموکراسی را این نکته می‌داند که کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس شدیداً با پدیده‌هایی چون فساد حکومتی، رانت، حکومت‌های موروثی و قبیله‌ای درگیر هستند که هر کدام از این پدیده‌ها نشانه‌های محکمی برای حکمرانی بد هستند. اما چون هم مردم و هم حکمران‌ها از این جریان بزرگ توزیع رانت بهره‌مند می‌شوند، انگیزه‌های لازم برای قرار گرفتن در مسیر دموکراسی شکل نمی‌گیرد و یا مدت زمانی زیاد برای به وجود آمدن وقت صرف می‌شود. این وضعیت قابل تعمیم به ایران نیز هست به نحوی که مؤلفه‌های آن قابل مشاهده است (نیلی، ۱۳۸۳: ۶).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
مسعود نیلی	برچیدن فساد سیستماتیک و کاهش نقش دولت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی	فساد حکومتی و رانت

مشخصات منبع:

- نیلی، مسعود. ۱۳۸۳. «دموکراسی و موانع اقتصادی آن در ایران». نشریه آیین، سال اول، تیر ۱۳۸۳. شماره ۱، صص ۲۳-۲۸.

دولت‌نفوذهای ناهمگن: تأثیر قانون اساسی بر ساختار دولت و اقتصاد در ایران (محسن رنانی)

در این مقاله رنانی حکومت‌ها را به سه دسته توسعه‌خواه، مردد و کارشکن تقسیم کرده و برای هر کدام نیز مصادیقی را بر می‌شمارد. به نظر وی حکومت ایران برآمده از انقلابی است که ویژگی‌هایی را با خود حمل می‌کرده است. از این منظر، وقتی در دوران انقلاب، یعنی زمانی که هنوز هیجانات ناشی از انقلاب فروکش نکرده است، قانون‌گذاری شود، قوانین مصوبه به عوارضی آلوده خواهند شد؛ عوارضی همچون سرعت در تدوین و تصویب قانون، غلبه عاطفه بر عقل هنگام تصویب قوانین و سرانجام تدوین قوانین بر اساس دیدگاه‌های فکری و نظریه‌های غیرواقعی و آرمان شهری. به نظر رنانی یکی از مشکلات جدی حکومت در ایران این است که قانون اساسی آن ترکیبی از عقل و عاطفه است (رنانی، ۱۳۸۷: ۵).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
محسن رنانی	عقلانه تر کردن قوانین و تمرکز و زمان برتر کردن فرآیند مطالعه قوانین	تسریع و شتاب در تصویب قانون غلبه عاطفه بر عقل در تصویب قانون تدوین قوانین بر اساس نظریه های غیرواقعی

مشخصات منبع:

- رنانی، محسن. ۱۳۸۷. «دولت نفوذهای ناهمگن: تأثیر قانون اساسی بر ساختار دولت و اقتصاد در ایران». نشریه آیین، سال چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۸۷. شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۴۵-۵۰.

سیاست‌گذاری‌های همزمان (ابوالفضل دلاوری)

دلاوری در این یادداشت بر این نظر است که کارکرد دولت در دو حوزه آزادسازی سیاسی و آزادسازی اقتصادی، موجب ورود همزمان به این دو حوزه شده و در نتیجه موجبات کژکارکردی دولت را فراهم می‌آورد. به این معنا که اگر دولت بر اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی اصرار ورزد، ناچار است با نارضایتی و اعتراضات برخورد کند و به محدود کردن آزادی‌های سیاسی و کاربرد زور علیه گروه‌های ناراضی مبادرت ورزد. این امر نیز به معنای ناقص ماندن یا توقف دموکراتیک‌سازی است.

در مورد تجربه ایران بویژه در پس از انقلاب، دلاوری بر این نظر است که ما همواره با دولتی مقتدر مواجه بوده‌ایم. به نحوی که حتی با موج اول اجرای برنامه‌های تعدیل در دولت اول آقای هاشمی، اصولاً اولویت و تقویت نهادهای دموکراتیک در دستور کار دولت قرار نگرفته است. همین امر موجب شد تا ایران در اواسط دهه ۱۳۷۰ با فشارهایی برای پیشبرد همزمان هر دو فرآیند آزادسازی سیاسی و اقتصادی مواجه شود. به نظر دلاوری، در دولت آقای خاتمی هیچ کدام از شرایط و ملزومات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی برای پیشبرد هر کدام از دو فرآیند مذکور (بازتوزیع اقتصادی و توسعه سیاسی) فراهم نبوده است. اشکال مهمی که در این باره وجود داشت، آن بود که این اقدامات در قالب یک راهبرد دو وجهی (معطوف به تعمیق همزمان دموکراسی و آزادسازی اقتصادی) طراحی، تدوین و اجرا نمی‌شد، بلکه کم و بیش به صورت اقداماتی مجزا و ناهماهنگ به اجرا در می‌آمد (دلاوری، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۹).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
ابوالفضل دلاوری	اتخاذ یک راهبرد دو وجهی توسط دولت (معطوف به تعمیق همزمان دموکراسی همراه با آزادسازی اقتصادی)	سیاست‌گذاری همزمان دولت مقتدر عدم تقویت نهادهای دموکراتیک توسط دولت

مشخصات منبع:

- دلاوری، ابوالفضل. ۱۳۸۶. «سیاست‌گذاری‌های همزمان (درآمدی بر تجربه آزادسازی در ایران بعد از انقلاب)». نشریه آیین، سال سوم، اسفند ۱۳۸۶. شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۲۳-۲۹.

وضع توسعه ایران؛ ۳۰ سال پس از انقلاب (محمدحسین شریف زادگان)

شریف زادگان با اشاره به درآمدهای نفتی، وابستگی دولت به این درآمدها را از علل آسیب‌های جاری بر می‌شمارد. به نظر وی خارج از شدن دولت از این وابستگی همواره بیش از ۶۰ درصد محقق نشده است. وی مهم‌ترین دلیل عدم توفیق را، تغییر

راهبردهای اصلی در مسیر توسعه می داند (شریف زادگان، ۱۳۸۷: ۸۰). همچنین عدم گذار یا تأخیر در نیل به صنعتی شدن را ناشی از رانتهی بودن بیش از اندازه بخش صنعت در ایران، و فراهم نبودن شرایط کار برای فعالیت بخش خصوصی می داند. به نظر شریف زادگان، ساخت دولت های مداخله گر، غیر توسعه ای، بزرگ و بوروکراتیک، غیرکارآمد و نهایتاً دولت های رانتهی همواره در چهل سال گذشته از ویژگی دولت های ایران بوده است. به همراه این ویژگی ها، نظام های تصمیم گیری مطابق با آن نیز رشد کرده است. تصمیم گیری متمرکز و غیر پاسخگو و با جهت گیری های بعضاً غیر علمی از خصوصیات این دولت ها به شمار می رود. دولت ها در ایران هنوز مداخله گر و با نظام اداری گسترده و نظام تصمیم گیری نامناسب اند و نتوانسته اند به روشنی و در یک مضمون عملیاتی تکلیف خود را با اقتصاد دولتی، بخش خصوصی و ... روشن کنند (همان، ۸۳).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
محمدحسین شریف زادگان	رهایی دولت از وابستگی نفتی اتخاذ راهبردهای بلندمدت اصلاح و تعدیل نظام تصمیم سازی	وابستگی دولت به درآمدهای نفتی تغییردائمی راهبردهای توسعه رانتهی بودن بخش صنعت دولت مداخله گر، غیر توسعه ای و بوروکراتیک تصمیم گیری متمرکز و غیر پاسخگو

مشخصات منبع:

- شریف زادگان، محمدحسین. ۱۳۸۷. «وضع توسعه ایران؛ ۳۰ سال پس از انقلاب». ماهنامه آیین. سال چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۸۷. شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۸۰-۸۳.

فصل ششم: سایر مقالات مربوط به کارآمدسازی نظام سیاسی

قانون اساسی، مشروعیت و کارآمدی

در این مقاله، مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در خصوص خلأهای قانونی موجود در ساختار حقوقی کشور و به ویژه قانون اساسی بیان شده است. به نظر نگارندگان، رابطه قوا با یکدیگر یکی از مسائلی است که به دلیل فقدان قانونی مشخص و وجود ابهاماتی در این زمینه، گاه موجب تنش در مناسبات میان آنها می شود (۱۳۷۹: ۲). همچنین، رابطه اصل استقلال قوا با اصول همکاری، هماهنگی نظارت و پاسخ‌گویی قوا به درستی و در عمل روشن نیست. به ویژه اینکه در اصل پنجاه و هفت آمده است که قوای کشور زیر نظر رهبری قرار دارند، بدون اینکه مکانیسم چنین امری قانون مند شده باشد و هماهنگی و ارتباط آن با اصول دیگر همچون پاسخ‌گویی در برابر ملت به گونه‌ای باشد که راه را بر هر گونه عمل غیرقانونی ببندد. از طرف دیگر، مسئولیت اجرای قانون اساسی، بر عهده رئیس جمهور است حال آنکه نگارندگان می پرسند که رئیس جمهور در ساختار قانونی کشور، باید در مقابل کدام مرجع مسئول پاسخگو باشد؟ ملت، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه و یا...؟ (همان، ۳) نکته دیگری که مورد توجه است، مربوط به بازتولید ساختار دوگانه و کژکارکردی ناشی از آن است. در همین راستا، در قانون اساسی، وظایف و اختیارات رهبری نیز به تفکیک نیامده است (همان، ۳).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران	راهکار مشخصی ارائه نمی شود و صرفاً به سطح آسیب شناسی اکتفا می شود.	ابهام و عدم شفافیت در اصول قانون اساسی بازتولید ساختار دوگانه تداخل کارکرد دستگاهها

مشخصات منبع:

● «قانون اساسی، مشروعیت و کارآمدی». بازتاب اندیشه. شماره ۱۲، اسفند ۱۳۷۹. صص ۴۸-۵۵.

چالش اصلی دولت، ناکارآمدی مدیران است (بهر روز گرانپایه)

(۱)

دولت حسن روحانی میراث دار یک نوع مدیریت غیرعقلانی است، چرا که در دولت گذشته هیچ نگاه عقلانی، اصولی و علمی به نظام مدیریتی و مقوله کارآمدی وجود نداشت و دستگاه‌های اجرایی با شیوه‌های ماقبل مدرن و هیئتی مدیریتی می شد. این موضوع موجب شد که دستگاه‌های ما ۸ سال از نیروهای توانمند، کیفی و کارآمد تهی شوند. این پوکی سیستم از نیروهای کارآمد، سطح نیروی انسانی ما در سطوح مدیریتی را به ابتذال کشانده است. به جای اینکه یک نگاه سیستمی به این موضوع داشته باشیم و هماهنگی میان تعهد و تخصص ایجاد کنیم، یک نگاه

چالشی و تضادی بین این موضوع حاکم شد و به جای تخصص به تعهد، تقدم بخشیدیم و این موضوع ما را در دام تعهدگرایی انداخت، بدون اینکه توجهی به تخصص داشته باشیم. همین موضوع یک ناهمخوانی میان مدیران، وعده‌ها و خواسته‌های روحانی وجود دارد. به اعتقاد من، حسن روحانی باید مدیران شجاع‌تر و کارآمدتری را به کار گیرد. هنوز رابطه و رفاقت در انتخاب‌ها معیار اصلی است. مشکل دولت این است که دستگاه‌های تبلیغی درستی ندارد و اگر هم کارهای خوبی در سطح کشور انجام دهد، بازتاب مناسبی در افکار عمومی پیدا نمی‌کند و این یکی از ضعف‌های سیستمی در دولت روحانی است که موجب شد سیستم، افراد مختلفی را به بهانه‌های مختلف از خودش دفع کند.

(۲)

کوچ پاییزه قدرت: جابه‌جایی و چرخش قدرت در حوزه‌های قانون‌گذاری و اجرایی در ایران هنوز به قاعده و متعارف نیست. این نه به معنای فقدان سازوکارهای قانونمند و دموکراتیک برای تغییر در ترکیب قوای نظام، بلکه بیشتر به سبب ناباوری و ناپایبندی گروهی از بازیگران به سازوکارها و قوانین موجود است. ضمن آنکه نوع نگاه به مفهوم و منابع قدرت نیز در بین بازیگران، متفاوت و گاه متضاد است و همین عوامل، متعارف و قاعده‌مندی جابه‌جایی قدرت در این عرصه‌ها را مانع می‌شوند. در جمهوری اسلامی طی چند دهه اخیر، جریان‌ها و گرایش‌های مختلفی در ساختار سیاسی حضور یافته و اداره امور را به دست گرفته‌اند. تکنوکرات‌ها، روحانیون و با یک فاصله زمانی، امنیتی‌ها و نظامیان، جریان‌های عمده تأثیرگذار در عرصه قدرت سیاسی در ایران بوده‌اند.

یکی از ویژگی‌های عرصه فعالیت سیاسی در ایران که معرّف نامتعارفی آن است، میل به ماندگاری در مناصب و رها نکردن میزها و صندلی‌هاست. در مقاطع انتخابات، این وضعیت نمود و بروز بیشتری پیدا می‌کند. رقابت و چالش بین جریان‌ها و جناح‌های سیاسی در عموم کشورهایی که سازوکار انتخابات در آن‌ها نهادینه شده است، وجود دارد. تلاش و پیگیری برای پیروزی به دفعات متعدد نیز امری مذموم و نکوهیده نیست. آنچه محل نزاع است، ضرورت رعایت اخلاق انسانی و میزان پایبندی به اصول متعارف رقابت سیاسی است. امری که - بود و نبود آن - اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را به عنوان پایه‌های رشد و توسعه ملی دستخوش تغییر می‌کند. از بین بردن شرایط رقابت سالم در فرآیندهای انتخاباتی، نگه داشتن کالبد و کشتن روح دموکراسی است و نتیجه آن، برقرار شدن وضعیتی بی‌ثبات و شکننده که در بستر آن فقط ترس و دلهره و اضطراب است که امکان و فرصت رویش پیدا می‌کند.

نویننده	راهکار	علل ناکارآمدی
	شناوری بین مدیران اجرایی و نیروهای انسانی تا افراد در جایگاهی که بهتر می‌توانند کار کنند.	مدیریت غیرعقلانی و ماقبل مدرن
		عدم درک صحیح رابطه تعهد و تخصص
	جوان‌گرایی	محافظه‌کاری، بیبری و ناکارآمدی ساختارده اول دولت
بهرروز گرانپایه	به کارگیری مدیران شجاع‌تر و کارآمدتر	عدم هماهنگی مدیران میانی با تصمیمات ریاست جمهوری
		ضعف سیستمی دولت در استفاده از دستگاه‌های تبلیغاتی
	پایبندی به اصول متعارف رقابت سیاسی و اخلاق انسانی	عدم جابجایی صحیح قدرت و میل به ماندگاری در مناصب

● گرانپایه، بهروز. ۱۳۹۵ الف. «چالش اصلی دولت، ناکارآمدی مدیران است». هفته‌نامه روبه‌رو. اردیبهشت ۱۳۹۵.

● گرانپایه، بهروز. ۱۳۹۵ ب. «کوچ پاییزه قدرت». هفته‌نامه روبه‌رو. شماره ۶. اردیبهشت ۱۳۹۵.

از ادراک سازی ناکارآمدی تا کارآمدی وابسته

در این نوشته نگارنده می‌کوشد توضیح دهد که چرا در سطوحی از نظام جمهوری اسلامی ایران ناکارآمدی بروز کرد. مزاحمت‌ها، دشمنی‌ها و موانع باعث شد تلاش برای استقرار و تثبیت نظام اسلامی، «جهاد» خوانده شود. وگرنه اگر مانع نبود، جهاد معنا نداشت. موانع نیز یا درونی یا بیرونی هستند. موانع درونی ضعف‌های درون ماست، ضعف‌های فکری و عقلانی، راحت طلبی و آسان‌پنداری، گریز از چالش و مشکلات و تربیت‌های نادرست اخلاقی و اجتماعی. جمهوری اسلامی از ابتدا تا امروز، با یک جبهه‌ی عظیم سیاسی، مالی، اقتصادی، نظامی، امنیتی، فرهنگی و رسانه‌ای مواجه بوده است؛ یعنی استکبار جهانی، شبکه زرسالاری جهانی، صهیونیسم بین‌الملل و ارتجاع، به جلوداری رژیم ایالات متحده، اصلی‌ترین مانع بیرونی برای کارآمدی و موفقیت نظام اسلامی است (محمدی‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۱).

نگارنده ناکارآمدی در جمهوری اسلامی ایران را ناشی از بروز چند علل می‌داند که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
	فصل الخطاب قرار دادن قانون در همه‌ی امور اجرای و قضایی کشور. یکی از مهمترین اجزای عملیات روانی و ادراک سازی مثبت برای مسئولان بعدی نظام، اجرای دقیق قانون اساسی در نظارت‌های «پسینی» و «حین تصدی» است.	«بی قانونی» علت حقوقی ناکارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران است که به موجب آن، فساد، رانت و ویژه خواری افزایش می‌یابد (محمدی‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۶).
	راهکاری ارائه نشده است.	فاصله گرفتن زندگی شخصی مسئولان با سطح کم درآمد کشور پس از انقلاب (محمدی‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۶).
	اجرای قانون به تنهایی کافی نیست. بدون مکمل‌های رسانه‌ای و روانی، نتیجه مطلوب به دست نمی‌آید. عملیات رسانه‌ای لازم باید حالت «هراس» در کسانی که بدون شایستگی و معیارهای لازم به سوی تصاحب پست‌های حکومت خیز برداشته‌اند، ایجاد کند و حالت «طمأنینه و آرامش و دلگرمی» را برای مسئولینی که در تحقق وظایفشان موفق‌اند ایجاد کند.	نبود مبارزه‌ی جدی و پیگیر و شفاف با فساد و در نتیجه سست شدن پایه‌های عدالت اجتماعی.
محمد محمدی‌نیا	مقاوم سازی و مردمی کردن اقتصاد و به حداقل رساندن نقش دولت برای افزایش چابکی در سیستم آن و افزایش مشارکت مردمی با محوله‌ی تصدی کارها به بخش‌های دیگر.	قرار داشتن و توزیع امکانات و فرصت‌های ناب جامعه در انحصار اقلیت سرمایه دار.
	راهکاری ارائه نشده است.	موانع موجود در «فرهنگ اقتصاد» چون مصرف گرایی، اسراف و اشرافی‌گری.
	نهادینه کردن مسئولیت پذیری	کم توجهی به جوان‌گرایی و شایسته سالاری از ضعف‌های مدیریتی حکومت ایران.
	راهکاری ارائه نشده است.	نارسایی و ناکارآمدی‌های موجود در آموزش و پرورش، آموزش عالی، پژوهشگاه‌ها و حوزه علمیه. این اختلال به نظام اسلامی سرایت خواهد کرد (محمدی‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۸).
	راهکاری ارائه نشده است.	گروه گرایی، دسته بندی‌های قبیله‌ای، سیاسی بازی‌های جناحی.
	تبیین و توضیح برای روشن کردن افکار عمومی	برخورد باتسامح و اغماض با مسئولان خاطی در کشور.

مشخصات منبع:

- محمدی‌نیا، محمد. ۱۳۹۷. «از ادراک سازی ناکارآمدی تا کارآمدی وابسته». فصلنامه فرهنگ پویا، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۷ ص ۷۰.

فصل هفتم: پایان نامه‌ها و مقالات علمی - پژوهشی مربوط به کارآمدسازی نظام سیاسی

نظام بودجه و ناکارآمدی‌های ساختاری

این مقاله همان‌گونه که از نام آن پیداست، بر مسئله بودجه و شیوه‌های تخصیص بودجه متمرکز است. در بخش اول، نگارندگان مقاله چهار مرحله بودجه‌بندی را تشریح می‌کنند که عبارت‌اند از: (۱) تهیه، تنظیم و پیشنهاد بودجه (۲) تصویب بودجه (۳) اجرای بودجه (۴) کنترل و نظارت بر اجرای بودجه. اما تا آنجا که بحث ناکارآمدی مربوط می‌شود، نظام بودجه‌ریزی در ایران از مصائب و مشکلاتی نیز رنج می‌برد. یکی از آن‌ها، ضعف قوانین و استنباط نادرست مجریان قوانین است که خود را در مصادیقی همچون «عدم ضمانت اجرایی قوی برای مواد قانونی مذکور» (۵: ۱۳۸۷)، «تعدد تبصره‌های دائمی و موقت» (همان، ۷)، «فقدان وضوح و صراحت مفاهیم قانونی برای کاربردهای اجرایی» (همان، ۸)، «فقدان وحدت رویه‌های مالی» و به طور کلی «ضعف قانون برنامه و بودجه» (همان، ۹) نشان می‌دهد. مسئله مهم دیگری به مسئله ناهماهنگی میان برنامه و بودجه مربوط است که عملاً تناسب و تعادل مورد نیاز برای سامان بخشی به نظام بودجه‌ریزی را با مشکل مواجه می‌کند. نکته دیگری که قابل توجه است، به موضوع مدیریت دولت و نظام اداری در تهیه و اجرای بودجه مربوط می‌شود که به نحوی غیرمستقیم کارآمدی نظام تخصیص بودجه را با دشواری‌هایی مواجه ساخته است. این مسائل عبارتند از: (۱) تداخل، تکرار و تشابه وظایف دستگاه‌های دولتی (۲) فقدان تخصص‌های مورد نیاز (همان، ۱۲ و ۱۳). همچنین، مشخص نبودن حدود تمرکز و عدم تمرکز اداری و بودجه‌ای و ناهماهنگی میان منابع و مصارف بودجه در کنار مسائل اجرایی طرح‌ها و برنامه‌ها، از دیگر موانع نظام برنامه و بودجه معرفی می‌شود (همان، ۱۳-۱۵). در نهایت گزارش فوق پس از ذکر مسائل و مشکلات نظام بودجه‌ریزی به این نتیجه می‌رسد که از دیدگاه سیستمی، مشکل عمده و اساسی نظام بودجه‌ریزی، عدم وجود نوعی سازوکار بازخورد مناسب است و به همین خاطر، پیشنهاد شده تا یک مکانیسم مطلوب جهت اعلان بازخوردها طراحی شود (همان، ۲۳).

نویسنده	راهکار برای رفع ناکارآمدی	علت ناکارآمدی
مرکز پژوهش‌های مجلس	طراحی سیستم بازخورد مطلوب و مناسب تعیین ضمانت اجرایی جهت اجرای دقیق قوانین مشخص کردن حدود تمرکز اداری	ضعف قانون برنامه و بودجه فقدان وضوح و صراحت مفاهیم قانونی تداخل وظایف دستگاه‌ها فقدان تخصص‌های مورد نیاز عدم تمرکز اداری

مشخصات منبع:

- دفتر بررسی‌های اقتصادی. ۱۳۷۶. «نظام بودجه و ناکارآمدی‌های ساختاری». مجلس و پژوهش. فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶. شماره ۲۲. صص ۷۸-۵۵.

توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران

از نظر نگارنده مهم‌ترین ناکارآمدی و شکست احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران را با عوامل فرهنگی و به طور مشخص توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی همبستگی وجود دارد. توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی به انحاء مختلف تأثیرات متفاوتی بر ناکارآمدی نهادهای سیاسی و متعاقباً رفتار سیاسی شهروندان جامعه ایران می‌گذارد. در نظریه‌ی سیستمی اعتقاد بر آن است که احزاب سیاسی حتی احزاب مخالف چه در تلطیف و غیر خشونت‌آمیز کردن مبارزات سیاسی، چه در تجمیع خواسته‌ها و تقاضای عمومی، و چه در تطبیق نظام با محیط و محیط با نظام، بالاخره در انتقال تغییرات محیط به نظام سیاسی نقش چشمگیری در حفظ، ثبات و کارکرد سیستم سیاسی بازی می‌کنند. علاوه بر این احزاب سیاسی در یک جامعه می‌توانند در بالا بردن دانش سیاسی افراد نسبت به حقوق و وظایف خود، شکل دادن به نگرش‌های پراکنده در قالب یک نظریه یا مرام سیاسی، تقویت جامعه‌ی مدنی از طریق تجهیز و سازماندهی گروه‌های پراکنده‌ی جامعه، ارائه‌ی برنامه‌ها و راهکارها عملی بر حل مشکلات اجتماعی و بالاخره پرورش نخبگان سیاسی و رهبران آینده‌ی جامعه در کارآمدی نظام و توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی نقش بسزایی داشته باشند (خرمی، ۱۳۷۷: ۳۶). تاکید بر علل ناکارآمدی احزاب ایران، ما را به سمت ارائه‌ی یک آسیب‌شناسی مطلوب در خصوص احزاب و گروه‌های سیاسی ایران و در نتیجه ناکارآمدی آن‌ها سوق می‌دهد.

نوینسند	راهکار	علت ناکارآمدی
قاسم خرمی	تصحیح احزاب با انگیزه‌های گذرا و نیازهای موقت به احزاب ملی مبتنی بر منافع جمعی و منافع دائمی اقتصادی (خرمی، ۱۳۷۷: ۳۳).	احزاب سیاسی امروزی، صورت تکامل یافته‌ی انجمن‌ها و گروه‌های گذشته بوده که حاصل از تضاد طبقاتی در گذشته و مبتنی بر منافع طبقاتی خود هستند، نه خیر عمومی.
	کم کردن شکاف‌های فرهنگی و ارتباطی میان توده‌ی مردم و نخبگان و روشنفکران و در نظر گرفتن و تبدیل توده‌ی مردم به مثابه افکار عمومی (خرمی، ۱۳۷۷: ۲۰۹).	توده‌ها به دلیل فقدان دسترسی کامل به شرایط آموزشی و فرهنگی مطلوب، تحول بسیار تدریجی و کندتری نسبت به نخبگان دارند.
	افزایش کیفیت رفتار رهبران و کارگزاران احزاب، بهبود عملکرد نظام مذکور و در نتیجه افزایش کارآمدی نظام سیاسی کشور.	فقدان رقابت سالم و مدارا و رواداری سیاسی میان صاحبان قدرت با توده‌ی مردم و یا نخبگان منتقد یا اپوزیسیون (قاسم خرمی، ۱۳۷۷: ۱۹۸).

مشخصات منبع:

- خرمی، قاسم. ۱۳۷۷. توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران. پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد در رشته‌ی علوم سیاسی. استاد راهنما: دکتر علیرضا ازغندی. دانشکده‌ی علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

ارجاع:

- قوام، عبدالعلی. سیاست‌های مقایسه‌ای. (تهران: انتشارات سمت ۱۳۷۳).

ناکارآمدی ساختاری و کارکرد دولت و عدم تحقق توسعه اقتصادی ایران: تجربه‌ای ناموفق از اصلاحات اقتصادی

ابراهیم عباسی در این مقاله بر این نظر است که نوع نظام حاکم بر ایران به لحاظ تاریخی، وجه پاتریمونیالیستی دارد، بدین معنی که این ساخت، مستعد رشد اقتصاد رانتی، فساد سیاسی و اداری، گروه‌های حامی و نهادها و سازمان‌های پاتریمونیالیستی و اقتصادی و سیاسی است. در این مدل، اقتصاد از حالت بنیادین خارج می‌شود و به جای آنکه متناسب با ظرفیت‌های کشور

باشد، به ابزاری برای ارضای رؤیاهای بلندپروازانه حاکم تبدیل می‌شود. عدم نهادینگی سیاسی، ساختارهای موازی سیاسی و اقتصادی، تقابل ساخت‌های سنتی و مدرن و در نتیجه درجه پایین استقلال دولت، ناشی از همین ساخت تاریخی است.

مشخصات منبع:

- عباسی، ابراهیم. ۱۳۸۱. «ناکارآمدی ساختاری و کارکرد دولت و عدم تحقق توسعه اقتصادی ایران: تجربه‌ای ناموفق از اصلاحات اقتصادی». خلاصه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران "اصلاحات اقتصادی در ایران: مبانی نظری و برنامه عملی. دانشگاه تربیت مدرس، آبان ۱۳۸۱ (مجموعه مقالات).

مفهوم، شاخصه‌ها و شیوه‌های ارتقاء کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران

در این مقاله، اخوان کاظمی در بخش آغازین به مبانی نظری کارآمدی و علل ناکارآمدی می‌پردازد و در بخش دوم، با توجه به مبانی دینی و به ویژه نهج البلاغه، سعی دارد تا شاخصه‌هایی را برای نظام کارآمد معرفی کند. در بخش دیگری نیز به برخی سخنان رهبری و ریاست جمهوری متوسل می‌شود.

اما با عطف توجه به آنچه مطمح نظر است، اخوان کاظمی با نقل قولی از محمدجواد لاریجانی، یکی از مؤلفه‌های اصلی ناکارآمدی را جانشین شدن حکومت کارپرداز و ناکارآمد به جای حکومت برنامه‌دار و کارآمد معرفی می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۸۶). وی همچنین مهمترین راهکارها جهت نیل به کارآمدی نظام جمهوری اسلامی را به ترتیب زیر بر می‌شمارد: اول: کاهش تصدی گری دولت و مقابله با تمرکز، فربه‌گی و توسعه دولت و تأکید بر مشارکت فعال مردم. دوم: تفکیک حوزه‌های دینی از حوزه‌های تجربی و کاربرد عقل و منطق در شیوه حکومت داری. سوم: نهادینه کردن و حاکمیت قانون و شفاف‌سازی و تحقق قانون اساسی. چهارم: انجام بهینه کلیه وظایف حکومت. پنجم: تأکید بر حکومت برنامه‌دار و مقابله با حکومت کارپرداز و معامله‌ای. ششم: کاربری مدیریت علمی و جذب نیروهای متخصص و مقابله با تغییر مداوم مدیران. هفتم: ضرورت پاسخگو بودن دولت. هشتم: رفع محرومیت و برقراری رفاه عمومی. نهم: هماهنگی و انسجام درونی در نظام سیاسی (همان، ۹۴ و ۹۵).

مشخصات منبع:

- اخوان کاظمی، بهرام. ۱۳۸۲. «مفهوم، شاخصه‌ها و شیوه‌های ارتقاء کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران». راهبرد. شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۲. صص. ۷۵-۹۶.

جمهوری اسلامی ایران و چالش کارآمدی

کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم را در پی دارد. مقاله حاضر ضمن لحاظ سرایت برخی ناکارآمدی‌ها به بخش‌هایی از بدنه مدیریتی کشور، به دنبال پاسخ این سوال است که: مفهوم نظری و عملی کارآمدی و کارایی در نظام سیاسی اسلامی به چه معنا و دارای چه شاخصه‌هایی است و از سویی چه راهکارهایی برای افزایش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی به عنوان اصلی‌ترین نماد انقلاب اسلامی قابل پیش بینی و پیشنهاد است؟ نویسنده در راستای پاسخ به این سوال مهم در عرصه

علم مدیریت و سیاست، تلاش کرده است با شناسایی چالش‌های کارآمدی، راه‌حل‌هایی را برای غلبه بر آنها عرضه بدارد.

نوینسده	راهکار	علت ناکارآمدی
		مشکلات نظارتی کشور
		گسترده‌گی و پراکنده‌گی واحدهای نظارتی از بعد ساختاری، تنوع وظایف و اهداف
		نبود نظام تبادل اطلاعات میان سازمان‌های نظارتی به صورت پویا
		نبود همکاری و هماهنگی میان سازمان‌های نظارتی در دسترسی به اهداف
		نبود هماهنگی در سیاستگذاری مشترک میان سازمان‌های نظارتی
		تصور وجود دوباره‌کاری و فعالیت موازی در دستگاه‌های اجرایی و نظارت
		شوندگان به دلیل تعدد مراکز نظارتی و قوانین حاکم
		تصور وجود شکاف عمیق بین سازمان‌های نظارتی و دستگاه‌های اجرایی
		نبود استانداردهای روشن در امر نظارت و کنترل
		تلقی وجود بازرسی و نظارت‌های بازدارند و غیرکارا
		مشکلات زمینه‌ای و فرهنگی در نهادینه شدن امر نظارت و کنترل
		نهادینه نشدن استفاده از نظارت همگانی و حرکت به سوی خودکنترلی در دستگاه‌های اجرایی
بهرام اخوان کاظمی	کارا کردن بیشتر فقه و نظام اسلامی با تکیه به اجتهاد پویا و شورای افتنا منطقه فراغ دانستن شکل و شیوه حکومت و تفکیک قلمروهای دینی از حوزه های تجربی و کاربرد عقل و منطق در منطقه مزبور کاهش تصدی دولت و مقابله با تمرکز، فربه‌گی و توسعه دولت و تأکید بر مشارکت فعال مردم و جایگزین کردن و ترجیح اصل حاکمیت، سیاستگذاری و مدیریت و نظارت دولت به جای تصدی و تأکید بر دولت حداقل محوریت بخشی به احزاب با صلاحیت در مدیریت کشور جایگزین کردن حکومت برنامه‌دار به جای حکومت کارپرداز کاربری مدیریت علمی و جذب نیروهای متخصص و مقابله با تغییر مداوم مدیران و مدیریت حزبی و قبیله‌ای نهادینه کردن و حاکمیت قانون و شفاف‌سازی و تحقق قانون اساسی انجام بهینه کلیه وظایف حکومت به ویژه تأمین امنیت به معنای وسیع کلمه تقویت و گسترش جامعه مدنی و نمادهای مشترک و کسب وجهه بین‌المللی ضرورت پاسخگو بودن دولت و نظارت دقیق و هماهنگ بر عملکرد دستگاه‌ها رفع محرومیت و برقراری رفاه عمومی هماهنگی و انسجام درونی در نظام سیاسی اتخاذ راهبردها و اهداف متناسب با قدرت ملی	

مشخصات منبع:

- اخوان کاظمی، بهرام، جمهوری اسلامی ایران و چالش کارآمدی، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۴، صص ۴۸-۱۳.

حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن

از میان عناصر حکمرانی مطلوب (پاسخگویی، قانونمداری، اثربخشی، مسئولیت‌پذیری و...) شفافیت یکی از مهم‌ترین عناصر نیل به حکمرانی مطلوب به شمار می‌آید. تنها در یک محیط شفاف است که مردم می‌توانند با درک کامل از اوضاع به طور آزادانه در خصوص نحوه رفتار خود تصمیم بگیرند. از این نظر، شفافیت ابزاری مهم برای آزادی است. یک حکمرانی شفاف، روشن می‌سازد که آنچه انجام می‌شود، چرا و چگونه انجام می‌شود و بر اساس چه استانداردهایی تصمیم‌گیری شده است. قانون‌گذاری، اجرا و قضاوت در یک فضای غیرشفاف می‌تواند به فساد منجر شود. در یک سیستم دموکراتیک انتظار این است که مسئولین پاسخگو باشند. یکی از نقش‌های مهم شفافیت کمک به ارتقای پاسخگویی است. از طرفی شفافیت با کمک به کاهش فساد، برقراری حکومت قانون. که خود یکی از عناصر کلیدی حکمرانی مطلوب است. را تسهیل می‌کند.

نوینسده	راهکار	علت ناکارآمدی
		عدم شفافیت و غیرپاسخگو بودن
		انتخابات آزاد و دوره‌ای به تنهایی کافی نیست و مسئولان باید به صورت روزانه و دائمی پاسخگو باشند. باید شفافیت در کارها و نقش‌ها وجود داشته باشد تا مردم بتوانند سوال کنند و پاسخگویی نیز از ارکان حکمرانی مطلوب است. یکی از نقش‌های مهم شفافیت کمک به ارتقای پاسخگویی است.
عبدالحسین ضمیری و رضا نصیری حامد	فساد در محیط‌های مات و کدر ریشه می‌دواند و ارتباط مستقیمی بین شدت فساد و فقدان شفافیت وجود دارد. از آنجایی که فساد حاکمیت قانون و برابری در مقابل قانون را خدشه‌دار می‌کند و مردم آسیب پذیر را از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود محروم می‌نماید، شفافیت با کمک به کاهش فساد، برقراری حاکمیت قانون را بهبود می‌بخشد. همچنین شفافیت با کمک به کاهش فساد، بر خورداری قشر فقیر از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بهبود می‌بخشد.	عدم شفافیت و فساد

مشخصات منبع:

● ضمیری، عبدالحسین، نصیری حامد، رضا، حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن، پژوهشنامه، شماره ۵۲، ۱۳۸۹، صص ۲۲۴-۱۷۳.

بررسی موانع عدم تحقق (پیاده سازی) طرح اصلاح نظام‌های مدیریتی در بخش دولتی ایران

هدف پژوهش حاضر، شناخت عوامل عدم تحقق طرح اصلاح نظام‌های مدیریتی با توجه به اهداف سیاست‌های اجرایی برنامه‌های تحول در دستگاه‌های دولتی است. سوال اصلی این پژوهش آن است که علل عدم تحقق طرح اصلاح نظام‌های مدیریتی چیست؟ این تحقیق، توصیفی و با توجه به ماهیت، کاربردی و با توجه به روش تحلیل، همبستگی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه و مصاحبه است که روایی آن از طریق روایی صوری و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ تأیید شد. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان و کارشناسان مربوط به طرح اصلاح و تحول اداری در بخش دولتی شهر تهران است که به صورت قضاوتی انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد موانع مربوطه به حیطه منابع انسانی از جدی‌ترین علل عدم تحقق طرح اصلاح نظام‌های مدیریتی است.

نوینسده	راهکار	علت ناکارآمدی
	قانونمند کردن و اجرای روش‌های انتخاب و انتصاب مدیران در دستگاه‌های دولتی انتخاب و انتصاب مدیران دستگاه‌های دولتی بر اساس نظام شایسته‌سالاری باشد تا اولویت‌های سیاسی و وابستگی‌های سیاسی	فقدان روحیه مشارکت‌پذیری و مشارکت جدی نبود روحیه پاسخگویی به مردم
	شفاف‌سازی روش‌ها و رویه‌های عملکرد مدیران در دستگاه‌ها اجرای خط‌مشی‌های کارشناسانه و جلوگیری از تحمیل خط‌مشی‌های غیرکارشناسانه به بخش اجرایی استفاده از توانایی متخصصان در ساختار نظام اداری	انتقادناپذیری تمرکزگرایی و عدم انعطاف‌پذیری
	قانونمند شدن و رعایت زمان و عدم تغییرات مکرر پست‌های مدیریتی تعبیه کردن سازوکار مناسب برای نظارت بر عملکرد کارکنان قانونمند کردن نظارت عمومی بر عملکرد کارکنان سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی	دخالت داشتن منابع بخشی و دستگاه دولت بر مصالح عمومی و رجحان رابطه بر ضابطه کندی و پریپیچ و خم بودن انجام امور و ظایف
کرم اله دانش فرد و ندا اسدالله زاده جعفری	قانونمند نمودن جذب و گزینش کارکنان سازمان‌ها ایجاد بستر لازم برای حضور کارکنان در دوره‌های آموزشی و طراحی فرایندها و روش‌های انجام کار نظام‌مند کردن سیستم ارتقا کیفیت در بخش دولتی	بی‌ثباتی قوانین و مقررات و تغییرات پرشتاب در آنها
	شفاف‌سازی قوانین و مقررات سازمانی، اهداف سیاست‌ها و استراتژی‌ها، انتظارات سازمان از کارکنان و وظایف متقابل سازمان نسبت به کارکنان جهت ایجاد تفاهم در معانی بین کارکنان و خط‌مشی‌گذاران منطبق بودن قوانین و مقررات با نیازهای واقعی مسئولین در دستگاه‌های دولتی	غلبه روحیه بی‌تفاوتی نسبت به نتیجه کار و حاکمیت روحیه طلبکارانه در برخورد با ارباب رجوع
	ایجاد هماهنگی بین خط‌مشی‌ها و راهکارهای تحول، بهنگام نمودن قوانین و مقررات مورد عمل در سازمان‌ها بازنگری قوانین و مقررات مورد عمل در سازمان‌ها اصلاح و منعطف‌سازی و ساده‌سازی قوانین و مقررات	بی‌تفاوتی نسبت به نتیجه کار و عدم مسئولیت‌پذیری و فرافکنی
	تناسب واقعی برقرار نمودن بین تجهیزات و نیازهای واقعی آگاهی دادن به کارکنان جهت حسن اجرای امور و آشنایی با روش‌ها استفاده از متخصصین و مشاورین آشنا به تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روش‌ها توانمندسازی سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی از نظر امکانات و تجهیزات مدرن و بکارگیری شیوه‌ها و روش‌های مدرن اداری.	بهره‌وری پایین و ناکارآمدی و هزینه‌زا بودن ناکارآمدی و مشکلات نظام اداری در حوزه مدیریتی، منابع انسانی، قوانین و مقررات و منابع و تجهیزات

مشخصات منبع:

● دانش فرد، کرم اله، اسدالله زاده جعفری، ندا، بررسی موانع عدم تحقق (پیاده سازی) طرح اصلاح نظام‌های مدیریتی در بخش دولتی ایران، رهبری و مدیریت آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۰، ۵۲-۲۹.

پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی

یکی از دغدغه‌های اصلی و مورد توجه کشورهای در حال توسعه، کارآمدی نظام سیاسی است. بحث کارآمدی از چالش‌های مهم توسعه و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر است. این مقاله ضمن مروری کوتاه بر مفهوم کارآمدی، به برشمردن حساسیت‌های آن بر اساس اهداف نظام جمهوری اسلامی ذکر شده در قانون اساسی می‌پردازد. این پژوهش به نگرش‌سنجی نخبگانی اقدام کرده است، تا مدیران ارشد نظام بر اساس خروجی‌های آن نسبت به مهندسی مجدد سیستم ارتقا یا نوسازی نظام جمهوری اسلامی، از طریق تغییر یا تکمیل حلقه‌های مفقوده، اقدام لازم را انجام دهند. جامعه آماری این پژوهش گرچه وسیع و گسترده نیست و شامل جمعی از نخبگان حوزوی و دانشگاهی است، اما نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان سه حوزه راهبردی فرهنگ، اقتصاد و سیاست، اولین حوزه ناکارآمدی از منظر نخبگان، حوزه اقتصادی است و کمترین اهداف تحقق یافته قانون اساسی مربوط به این حوزه است. نتایج نظرسنجی نخبگانی حاکی از آن است که وضعیت کارآمدی در حوزه سیاست بهتر از دو حوزه فرهنگ و اقتصاد است.

نویسنده	راهکار	علت ناکارآمدی
احمد واعظی و سیدغلامرضا موسوی	عدم ارائه راهکار	نبود فرصت‌های اطلاعاتی، اقتصادی یکسان برای مردم
		عدم ثبات و شفافیت قوانین اقتصادی
		نبود سیاست‌های منسجم دستگاه‌های مسئول در حوزه اقتصاد
		عدم گسترش فرهنگ کار و تولید
		عدم مبارزه جدی با مفاسد اقتصادی
		عدم مهار تورم
		عدم رعایت فرهنگ صحیح مصرف فردی و اجتماعی
		عدم عنایت به ارتقای بهره‌وری در تولید و توزیع
		عدم مبارزه جدی با قاچاق کالا و ارز
		عدم حمایت از سرمایه‌گذاران ایرانی
		نامشخص بودن مسیر اعمال دیدگاه‌ها و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، با فرض مسئولیت مدیریت کلان تحولات فرهنگی جامعه
		وجود تشکیلات موازی، ناهماهنگ و تضییع‌کننده منابع فرهنگی
		تخریب آثار تلاش‌های نهادهای مختلف از سوی یکدیگر
		انجام کارهای شکلی و ظاهری به جای فعالیت‌های عمیق و ماندگار
		عقب‌ماندگی نظریه‌پردازی در حوزه دین برای حل معضلات فکری، فرهنگی و اجتماعی
		گره خوردن حرکت در حوزه‌های فرهنگی با معضلات ناشی از سیاست بازی‌های رایج جامعه
		عدم هم‌افزایی دستگاه‌های فرهنگی
		نبود نظام‌های آماری و اطلاعاتی درست
عقب‌ماندگی نرم‌افزاری و تکنولوژیکی در حوزه فرهنگ نسبت به سایر حوزه‌ها		

مشخصات منبع:

- واعظی، احمد، موسوی، سیدغلامرضا، پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال پانزدهم، شماره ۵۹، ۱۳۹۱، صص ۳۴-۷۰.

تأثیر توسعه‌ی سیاسی بر افزایش کارآمدی نظام سیاسی (مطالعه‌ی موردی جمهوری اسلامی ایران)

در این پژوهش نظام سیاسی فراتر از همه چیز، سازو کاری برای تصمیم‌گیری معرفی شده است. برای آن که نظام سیاسی تصمیم‌گیری مطلوبی داشته باشد، نیازمند لوازمی است که به آن شاخصه‌های توسعه‌ی سیاسی گفته می‌شود. بدیهی‌ترین اثر توسعه‌ی سیاسی نیز مشارکت شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. در این پژوهش به روند توسعه‌ی سیاسی و تأثیر آن در افزایش کارآمدی نظام سیاسی پرداخته شده است. نظام سیاسی که خواهان افزایش کارایی و توانمندی خود است، نیازمند آن است که فضای گسترده‌تری برای حضور و مشارکت فعال مردم در فرآیند تصمیم‌گیری از طرق مختلف فراهم آورد و زمینه‌ی توانمندی و پاسخگویی نظام را تقویت کند. نظام سیاسی‌ایی که توانمند و کارآست، از مشروعیت بالایی برخوردار است و در نتیجه شهروندان از طریق مشارکت به حمایت از این نظام سیاسی می‌پردازند. از نظر نگارنده پیروی از روش‌های دموکراتیک مباحثه و مناظره برای جلوگیری از به وجود آمدن بی‌نظمی و درهم شکستن قانون در جمهوری اسلامی امری ضروری است (طارمی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

گذار از جامعه‌ی توده‌ای و اقتدار گرا به جامعه دموکراتیک دشوار است، لذا مدیریت بحران در مرحله‌ی گذار ضروری است (رزاقی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۶۸). ایران علی‌رغم مشارکت فعالانه‌ی مردم در حمایت از نظام سیاسی به دلیل عدم وجود شرایط سیاسی-اجتماعی و عملکرد نامطلوب گروه‌ها و کم توجهی به ملاحظات اخلاقی و ادبیات دینی توسعه سیاسی به طور مطلوب تحقق نیافته و کارایی و کارآمدی نظام روز به روز افول می‌کند. از مهمترین وظایف نیروهای اجتماعی و سیاسی در مرحله‌ی گذار، داشتن یک سری استراتژی مشخص در زمینه‌ی پروژه‌ی نوسازی و توسعه‌ی سیاسی است. این استراتژی‌ی اولاً باید از سیر عینی جامعه‌ی ایرانی و جهانی استنتاج شود و بر مبنای آرمان شهر طراحی نگردد، بلکه واقعیت‌های جامعه را در نظر بگیرد و به عبارت دیگر، استراتژی توسعه‌ی سیاسی می‌بایست بتواند سمت اصلی مبارزه، که نیروهای اجتماعی را به پیش می‌راند، در خود بازتاب دهد، حتی خود را بر آن استوار سازد (رزاقی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۶۸). حال پرسش آن است که توسعه‌ی سیاسی چگونه می‌تواند بر کارایی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران موثر واقع شود؟

علت ناکارآمدی	راهکار	نویسنده
بیگانگی سیاسی دولت با جامعه‌ی مدنی و عدم تعامل با جامعه و در نتیجه گسترش فرهنگ سیاسی و اقتصادی غیر مولد و ضد ارزشی (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۰۳)	دموکراتیزه کردن نظام سیاسی و استقلال نسبی دو جانبه، و همزمان وابستگی جامعه مدنی و دولت به یکدیگر	رسول طارمی
اقتدار گرایی دولت به سبب ساخت بسیار بزرگ و رشد غیر طبیعی پس از انقلاب ۵۷ (طارمی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۸).	واگذاری تصدی‌گری بخشی از امور در چهارچوب قانون به سایر بخش‌ها توسط دولت و تحقق دولت دموکراتیک و مشارکتی. تمرکز زدایی، مقررات زدایی و شفاف کردن بازار سیاست از مهمترین وظایف دولت در دوران گذار است (رزاقی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۶۸).	رسول طارمی
عدم برخورداری دولت از نقش تفویضی و مردم سالار در نظام جمهوری اسلامی و به عهده گرفتن نقشی بین «تصدی‌گری (آمرانه) و هدایت‌گری (مشارکتی)» (طارمی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۸).	راهکاری ارائه نشده است.	رسول طارمی
پیوند وثیق ساز و کارهای قانونی و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با نهادهایی که صبغه‌ی ایدئولوژیک دارند (مانند نهاد رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان) (طارمی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۸).	تفکیک مسئولیت نهادها و عدم مداخله‌ی نهادهای گوناگون نظام در وظایف یکدیگر	رسول طارمی

مشخصات منبع:

- طارمی، رسول، ۱۳۹۰. تأثیر توسعه‌ی سیاسی بر افزایش کارآمدی نظام سیاسی (مطالعه‌ی موردی جمهوری اسلامی ایران). پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد در رشته‌ی علوم سیاسی. استاد راهنما: دکتر محمد

رحیم عیوضی. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.

ارجاع:

● رزاقی سهراب دیگران (۱۳۷۸). «مشارکت سیاسی و انتخابات»، تهران، سفیر.

بررسی بحران‌های پنج‌گانه توسعه سیاسی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران

اصلی‌ترین عامل برای معرفی نمودن یک نظام موفق، بحث کارآمدی آن است یعنی میزان استفاده مسئولان آن کشور از ظرفیت‌ها و امکانات آن نظام، قدم برداشتن برای رشد و توسعه و رساندن کشور به نقطه مطلوب و متعالی است. ناتوانی نظام در برابر تقاضاها بر مشروعیتش اثر منفی می‌گذارد. بدیهی است که تقاضاها نیز ثابت نمی‌ماند و در شرایط کنونی جامعه ایرانی به سرعت تنوع و گسترش می‌یابند. در صورتی که حاکمیت توجهی به این تغییرات اجتماعی و تقاضاهای جدید نکند، به تدریج با بحران درونی مواجه می‌شود و پایه‌های اقتدار و مشروعیتش سست می‌شود (قبادزاده، ۱۳۸۱: ۲۳۳-۲۳۴).

امروزه بین ناکارآمدی (اقتصادی) و مشروعیت سیاسی یک نظام رابطه مستقیمی وجود دارد. برای هیچ نظامی نمی‌توان مشروعیت و کارآمدی قطعی قائل شد. ناکارآمدی اقتصادی نشان از ضعف عملکرد نظام سیاسی است. تحقیقات علمی نشانگر این واقعیت است که بحران اقتصادی مردم را از بدنه نظام جدا می‌کند و نظام را در مقابل خطرات خارجی و داخلی تنها می‌گذارد. کمترین تاثیر عدالت اقتصادی و اجتماعی این است که از بروز عقده‌های روانی و اجتماعی در میان آحاد جامعه جلوگیری می‌کند و از رشد عناصر معترض و مخالف جلوگیری به عمل می‌آید (فلاحی، ۱۳۸۹: ۶۲) (۱).

ساخت قدرت به دو صورت قابل تجلی است: یا ساخت قدرت متمرکز است، که در این نوع ساخت تمایل به انباشت قدرت می‌باشد، و یا این که ساخت قدرت متکثر است که تلاش بر توزیع قدرت است. در جامعه ایران هم اشکالی از ساخت قدرت متمرکز و هم اشکالی از قدرت متکثر وجود دارد. این دویپارگی و دو وضعیت بودن قدرت در ایران می‌تواند مانعی در سرراه توسعه سیاسی قلمداد گردد (فلاحی، ۱۳۸۹: ۳۹) (۲).

نویسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
	ایجاد کارویژه‌های «انسجام و همبستگی ملی» و «ایجاد آگاهی ملی و جهت‌دهی به زندگی اجتماعی».	مهیا کردن شرایط برای ایجاد احزاب کارآمد به منزله‌ی حلقه‌ی واسط میان مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی حکومت
مجید فلاحی	ایجاد فرهنگ سیاسی مشارکتی در جامعه و نهادهای مشارکت قانونی متعدد. همچنین تساهل و مدارای سیاسی و امکان مشارکت آزادمنشانه‌ی کلیه‌ی افراد در امور سیاسی و اجتماعی جامعه (فلاحی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).	عدم وجود فضای دموکراتیک، قانونمند و مردمی و نیز عدم پویایی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
	عدم تمرکز بر درآمد نفتی به منظور جلوگیری از استقرار یک نظام بسته‌ی سیاسی. استقلال نسبی دولت از جامعه‌ی مدنی و استقلال جامعه‌ی مدنی از دولت و باز بودن نظام سیاسی به روی مشارکت مدنی و دموکراتیزه کردن نظام سیاسی حتی در نبود بحران اقتصادی (۳)	وجود دولت رانتیر

مشخصات منبع:

- فلاحی، مجید. ۱۳۸۹. بررسی بحران‌های پنج‌گانه توسعه سیاسی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد در رشته‌ی علوم سیاسی. استاد راهنما: دکتر مسعود اخوان کاظمی. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه رازی.

ارجاع:

- ناصر، قبادزاده. روایت آسیب شناسانه از گسست نظام و مردم در دهه‌ی دوم انقلاب، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳-۲۳۴.
- محمدعلی، وکیلی. «بحران اقتصادی و مشروعیت سیاسی»، نشریه‌ی صدای عدالت، ۱۳۸۱/۹/۲۰
- سهراب، رزاقی. «توسعه‌ی سیاسی در پیچ و خم موانع»، نشریه‌ی توانا، شماره‌ی ۴۳.
- قاسمی، حمزه. ۱۳۹۰. تأثیر درآمدهای نفتی بر ناکارآمدی نهادهای سیاسی ایران. پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد در رشته‌ی مطالعات منطقه‌ای. دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در مدیریت بحران

مساله اصلی این پژوهش، شناخت کارکردها و ویژگی‌های خاص شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی به عنوان رسانه‌های نوین در مدیریت بحران است، لذا در آن به دنبال راهکارهایی در استفاده از شبکه‌های مجازی در مدیریت بحران هستیم. استفاده از پتانسیل شهروند خبرنگار و تبدیل مردم به خبرنگاران بالقوه که گسترش تکنولوژی موجب آن شده و ابعاد جدیدی به رسانه‌های خبری افزوده است، یکی از راهکارهای موجود است (محدثه افضلی، ۱۳۹۱: ۴۲). باید پذیرفت که مانند نقش رسانه‌های اجتماعی، نقش شهروندان روزنامه‌نگار در بحران‌ها دوگانه است. این کارکرد دوگانه موجب شده است که این رسانه‌ها بتوانند هم به عنوان ماشه و عامل جدید بحران‌زا باشند و هم به عنوان کانال و راه ارتباطی جدیدی برای رفع بحران و آگاهی‌سازی. (محدثه افضلی، ۱۳۹۱: ۴۱). با همه‌ی سودمندی‌های روزنامه‌نگاری شهروندی در توزیع و تولید سریع و آسان اخبار و اطلاعات خصوصاً در بحران‌ها، انتشار اطلاعات نادرست، شایعات و جهت‌گیری‌ها در خبررسانی از سوی شهروندان روزنامه‌نگار مساله‌ای قابل تامل است. استفاده از پتانسیل شبکه‌ها اجتماعی در ایران؛ با داشتن برنامه و استراتژی متناسب و خصوصیات «کاربر محوری»، «تسهیل ارتباطات» و «آگاهی بخشی» می‌توانند در نقش کنترل‌کننده و ابزار مهار بحران، مورد استفاده ارتباط‌گران و مدیران بحران قرار گیرند که البته این امر مستلزم مجهز بودن کاربران به سواد رسانه‌ای و همچنین ایجاد رفتارهای اعتمادزا از سمت مدیران چه در محتویات تولیدی و چه در تعاملات دوسویه است (محدثه افضلی ۱۳۹۱: ۱۰۳).

نوین‌سند	راهکار	علت ناکارآمدی
	کاهش فیلترینگ بروی شبکه‌های اجتماعی مطرح به منظور حضور فعال در آن‌ها	نگاه منفی حاکمیت به شبکه‌ها اجتماعی، به رسمیت نشناختن، دسترسی محدود و فیلترینگ شبکه‌ها و رسانه‌ها اجتماعی که «چالش‌ها فراساختاری» نامیده می‌شوند.
محدثه افضلی	بررسی راه اندازی یک شبکه اجتماعی تخصصی بحران در ایران که توان رقابت داشته باشد.	عدم وجود شبکه‌های اجتماعی قوی در ایران.
	حضور گسترده نهادهای اجرایی بحران در فضای مجازی و خصوصاً شبکه‌های اجتماعی و تعلیم سواد رسانه‌ای (محدثه افضلی/ ۱۳۹۱/ ص. ۹۸).	سرعت پایین اینترنت، سواد کم رسانه‌ای کاربران، ضریب نفوذ پایین شبکه و نهایتاً آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها

مشخصات منبع:

- افضلی، محدثه. ۱۳۹۱. نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در مدیریت بحران. پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد در رشته‌ی مدیریت رسانه. استاد راهنما: دکتر حسن خجسته. دانشکده‌ی ارتباطات دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

تحلیل رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه کلاوس اوفه

رابطه بین کارآمدی و مشروعیت یکی از موضوعات اصلی مورد علاقه مکتب انتقادی بوده است. کلاوس اوفه چهره شاخص مکتب انتقادی تحقیقات وسیعی در خصوص مکانیسم‌ها و گرایش‌های بحرانی سرمایه‌داری انجام داد که اطلاعات ارزشمندی درباره ریشه‌های کسری مشروعیت و تناقض بین کارآمدی دولت نوسرمایه‌داری و فرایند مشروعیت‌یابی آن به دست می‌دهد. در این تحقیق با استفاده از نظریه دولت اوفه به بررسی چنین رابطه‌ای در دولت جمهوری اسلامی طی دوره زمانی پس از سال ۱۳۶۸ تاکنون پرداخته و درصدد برآمدیم تا به این سوالات پاسخ گوئیم که آیا وجود تناقض بین مشروعیت و کارآمدی ذاتی نوسرمایه‌داری که در نظریه اوفه بر آن تأکید شده قابل تعمیم‌دهی بر دولت‌هایی همچون ایران هست یا خیر؟ همچنین در صورت وجود چنین تناقضی علل آن چیست؟ روش تحقیق مطالعه تاریخی، تطبیقی از طریق ابزار نمونه ایده‌آل است. نمونه ایده‌آل کشور نوسرمایه‌داری طبق تعریف اوفه معیار مقایسه قرار گرفت. علاوه بر بررسی کیفی، دو شاخص تورم و بیکاری برای کمی نمودن بحث از نظریه اوفه استخراج و در نمونه ایران مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. مبنای مقایسه داده‌ها، کشور ایده‌آل نوسرمایه‌داری آلمان در نظر گرفته شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که در ایران برخلاف کشورهای نوسرمایه‌داری با ناکارآمدی نظام اقتصادی (تورم بالا) مواجه هستیم که در ضمن موجب تهدید مشروعیت آن در برآوردن نیاز اساسی اشتغال شهروندان شده است. همان مکانیسم‌هایی که در دولت نوسرمایه‌داری موجب این تناقض است قابل تعمیم به کشوری چون ایران است. نتیجه دیگر اینکه علت اساسی تناقض بین کارآمدی و مشروعیت در ایران تمرکز اقتصاد در دست دولت است که به روش مدیریت سرمایه‌داری به طور ناقص اداره می‌شوند (شادلو و کرم پور، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

نوینسند	راهکار	علت ناکارآمدی
	طبق تعریف اوفه کارآمدی دولت نوسرمایه‌داری با ایجاد شرایط «کالایی شدن» تحقق می‌یابد. دخالت دولت در اقتصاد از این امر جلوگیری میکند.	توسعه ناقص سرمایه‌داری
عباس شادلو و رزا کرم پور	حمایت دولت از برنامه‌های اقتصادی تعدیل‌کننده به نفع توده فاقد ابزار تولید و پرداخت فراگیر هزینه‌های اجتماعی تولید شامل تأمین اجتماعی، اشتغال فراگیر، بیمه بازنشستگی و خدمات درمانی می‌تواند از گرایش‌های بحرانی سرمایه‌داری بخصوص بحران مشروعیت به طور موقت جلوگیری کند. البته تحقق چنین فرایندی منوط به کارآمدی اقتصاد سرمایه‌داری و مالیات‌دهندگان توانمند است.	تحلیل سیستم نوین کارآمدسازی دستگاه‌های دولتی با مدیریت خصوصی بر ساختاری غیرمنعطف و مقاوم در برابر تغییرات که به نابرابری دستمزد و بیکاری به واسطه کاهش فرصت‌های شغلی برای کاهش هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی دولت وابستگی عمده بنگاه‌های اقتصادی بزرگ به دولت که اغلب تولید انحصاری یا شبه انحصاری دارند اقتصاد دولتی و شبه دولتی

مشخصات منبع:

- شادلو، عباس، کرم پور، رزا، ۱۳۹۴، تحلیل رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه کلاوس اوفه، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۵۹-۱۴۱.

بررسی و تحلیل عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام سیاستگذاری در ایران

سیاستگذاری، فرآیندی است که در نظام‌های حکومتی مختلف، شکلی خاص و ماهیتی ویژه دارد. ماهیت نظام سیاستگذاری تابعی است که مختصات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. میزان موفقیت یک نظام سیاستگذاری یا عدم موفقیت آن در تحقق اهداف نیز در درون چرخه‌ای از عوامل فوق تعیین خواهد شد. پرسش اصلی این نوشتار این است که چرا نظام سیاستگذاری در ایران تاکنون ناکارآمد بوده است؟ این تحقیق با تکیه بر شرایط اقتضایی جمهوری اسلامی ایران، قصد دارد تا عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام سیاستگذاری کشور را در ذیل اجزاء شش‌گانه «نظام حقوقی غیرمنسجم، ساختار سیاسی نامساعد، شکاف‌های اجتماعی متعدد، بستر فرهنگی نامناسب، اقتصاد رانتیر و در نهایت مسئله عدم انتظام در سیاستگذاری» با استفاده از روش تحلیل اسنادی مورد بررسی قرار دهد.

نویسنده	راهکار	علت ناکارآمدی
		نظام حقوقی غیرمنسجم
		ساختار سیاسی؛ مساعد برای تعارض میان گروه‌های سیاسی
		محیط اجتماعی، شکاف‌های متعدد
سعید عطار و علی خواجه نائینی		بستر فرهنگی نامناسب
		اقتصاد صنعتی نشده و اقتصاد نفتی؛ دولت رانتیر و ناکارآمدی نظام سیاستگذاری
		مسئله عدم انتظام در نظام سیاستگذاری ایران

مشخصات منبع:

- عطار، سعید، خواجه نائینی، علی، بررسی و تحلیل عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام سیاستگذاری در ایران، سیاستگذاری عمومی، دوره اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، صص ۲۰-۱.

فراتحلیلی بر پژوهش‌های حوزه حکمروایی شهری در ایران

در سال‌های اخیر با مشخص شدن ناکارآمدی ابزار و شیوه‌های سنتی اداره جوامع شهری، اهمیت الگوهای گذار از حکومت شهری متمرکز و سلسله‌مراتبی، به حکمروایی خوب، غیرمتمرکز و مردم‌سالار روند فزاینده‌ای به خود گرفته است. رشد، تعدد و تنوع پژوهش‌های علمی منتشر شده در این حوزه نیز یکی از نشانه‌های قابل اتکا برای ضرورت توجه به این مفهوم است. برای اساس پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش فراتحلیل و با رویکردی بازنگرانه و کالبدشکافانه، به بازخوانی مطالعات علمی حوزه حکمروایی خوب شهری در راستای برجسته‌سازی قوت‌ها و رفع نواقص و ضعف‌های آن مبادرت کرده است. قلمرو پژوهش حاضر، پژوهش‌های تدوین شده در قالب مقالات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی در حوزه حکمروایی خوب شهری در داخل ایران است. نتایج حاصل نشان می‌دهد پژوهش‌های حوزه حکمروایی شهری که با روش شناختی توصیفی آغاز شده، اغلب از منظر ماهیت در رده پژوهش‌های توسعه‌ای و کاربردی بوده و همین امر این پژوهش‌ها را به نظریه‌آزمایی رهنمون کرده، همچنین غلبه روش‌های کیفی و توصیفی و تحلیل درصد استفاده از روش‌های استنباطی را در فرآیند تحلیل بالاتر برده است. به طور کلی تحولات پژوهش‌های حوزه حکمروایی شهری با روش شناختی توصیفی آغاز شده و دوره تحلیل‌های کمی را هرچند به صورت محدود در شهرهای بزرگ کشور تجربه کرده است. حال اگر این پژوهش‌ها بخواهد برای شهرها و نظام‌های اداره آنها مفید واقع شده و مشکلات آنها را برطرف کند،

هرچند نتایج و پیشنهادات خلاقانه و کاربردی را نیز تاکنون مشاهده کرده‌ایم، اما ضروری است در سایه اتکا به نظریه‌ها و اندیشه‌های اجتماعی و فلسفی و الگوهای تبیینی و آینده‌نگرانه به رویکردی بوم‌محور روی آورد (اسماعیل‌زاده، کوزه‌گر، علیان و آدینه‌وند، ۱۳۹۵: ۱).

نوین‌سند	راهکار	علت ناکارآمدی
اسماعیل‌زاده، کوزه‌گر، علیان و آدینه‌وند	اجرای مدل تمرکززدایی به عنوان توسعه	ساختار تمرکزگرای کنونی حاکم بر کشور
	تبیین صحیح، نهادینه سازی و نگاه راهبردی به بحث حکمروایی خوب شهری توانمندسازی و ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی کشور و توسعه اجتماع فقرزده در راستای اصول حکمروایی خوب شهری	چالش‌های حقوقی، سیاسی و فرهنگی بسیار در سطوح کلان، میانی و خرد که از مهمترین آنها می‌توان به تمرکزگرایی دولت، ضعف جامعه مدنی و فقدان شهروندی در نظام برنامه ریزی و مدیریت انطباق اندک قوانین و برنامه‌های توسعه شهری ایران با اصول حکمروایی شایسته شهری صرفاً با هدف استانداردسازی فنی، عملکردی و سازمان مدیریت شهری

مشخصات منبع:

- اسماعیل‌زاده، حسن، کوزه‌گر، لطفعلی، علیان، مهدی، آدینه‌وند، علی‌اصغر، ۱۳۹۵، فراتحلیلی بر پژوهش‌های حوزه حکمروایی شهری در ایران، نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۴۰-۱.

چالش‌های اجرای نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در ایران دهه ۹۰

این مقاله بر مسائل موجد ناکارآمدی در نظام رفاه اجتماعی ایران تمرکز کرده و به سبب اهمیت نظام رفاه در مشروعیت و کارآمدی دولت، می‌توان علل ناکارآمدی نظام رفاه را با یک واسطه علل ناکارآمدی حکومت نیز تلقی کرد. از نظر نویسندگان مقاله، در نظام رفاه ایران موازی‌کاری و ناهماهنگی منجر به اتلاف منابع و عدم هدفمندی حمایت‌های اجتماعی و از این رهگذر سبب ناکارآمدی نظام رفاهی شده است. دولت‌ها برای سیاست‌گذاری رفاهی به سمت ایجاد ساختار سازمانی حرکت کرده‌اند، اما به تدریج این سازمان‌ها به جای تلاش برای رسیدن به اهداف رفاهی جامعه به ابزار تسلط و اعمال قدرت بر جامعه تبدیل می‌شوند و مانع از تحقق اهداف اصلی می‌شوند. همچنین از منظر نویسندگان، کشمکش سیاسی میان جناح‌های اصلی کشور بر سر منافع و قدرت، مانع از تدوین نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی می‌شود. در سطح سازمانی، تمایل مدیران دستگاه‌های فعال در عرصه تأمین اجتماعی کشور برای حفظ و توسعه اختیارات سازمانی از طریق کاهش اختیارات دیگر سازمان‌ها سبب بروز کشمکش و ناکارآمدی شده است (مانند کشمکش‌ها میان سازمان بهزیستی و کمیته‌ی امداد؛ سازمان تأمین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاونت درمان وزارت بهداشت؛ سازمان بیمه و خدمات درمانی و کمیته امداد؛ هلال احمر و وزارت کشور). فقدان گفت‌وگو سیاست اجتماعی مستقل سبب تداوم دامنه نابرابری‌ها شده و علی‌رغم افزایش درآمدها بهبود قابل توجهی در زندگی و کیفیت زندگی مردم دیده نمی‌شود. در نهایت اینکه فقدان نگرش توسعه انسان محور و غلبه‌ی برنامه‌های متکی بر اصل چهار ترومن و توسعه فیزیکی و عمرانی بر نگرش حاکمیت از دیگر علل ناکارآمدی نظام جامع رفاه است.

نوینسده	راهکار	علت ناکارآمدی
بنیامین نعیمی و علی شکوری	ایجاد یکپارچگی و هماهنگی میان دستگاه‌های سیاستگذار	موازی کاری و ناهماهنگی در سیاستگذاری رفاهی و نظام رفاه ایران
		تمایل مدیران دستگاه‌های فعال در عرصه تأمین اجتماعی کشور برای حفظ و توسعه اختیارات سازمانی از طریق کاهش اختیارات دیگر سازمان‌ها
		فقدان گفت‌وگو سیاست اجتماعی در کشور
	هم‌افزایی	فقدان نگرش توسعه انسان محور

مشخصات منبع:

● نعیمی، بنیامین، شکوری، علی. ۱۳۹۵. «چالش‌های اجرای نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در ایران دهه ۹۰». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۹۵. صص ۵۲-۹.

تأثیر کارایی هزینه و اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جهان

یکی از موضوعات بحث برانگیز و نسبتاً قدیمی در اقتصاد که همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است، موضوع مربوط به گسترش حجم و اندازه دولت و پیامدهای این امر برای متغیرهای کلان اقتصادی است. کیفیت دخالت دولت در اقتصاد یا به عبارت دیگر کارایی و اثربخشی دولت، ارتباط بسیار نزدیکی با عملکرد توسعه دارد. بنابراین یکی از جنبه‌های قابل بررسی در مورد نحوه دخالت و عملکرد آن در تأمین رشد باثبات اقتصادی، می‌تواند بر کارایی و اثربخشی دستگاه دیوان‌سالاری یا به طور کلی بر کارایی و اثربخشی دولت متمرکز گردد. اهمیت این موضوع وقتی افزایش می‌یابد که رابطه نزدیکی بین دیوان‌سالاری و اداره سیاست‌گذاران در سطح کلان جامعه وجود داشته باشد. چرا که اغلب سیاست‌گذاران ناکارآمد، دیوان‌سالاری‌های ناکارآمدی را نیز خلق خواهند کرد. بنابراین ناکارآمدی دولت می‌تواند برای توسعه و امنیت اقتصادی بسیار خطرناک باشد و به اتلاف منابع، انحصار، عدم اعتمادپذیری دولت، بی‌ثباتی اقتصادی و نهادسازی نامناسب منتهی گردد. این پژوهش، رابطه تجربی بین کارایی و اثربخشی دولت با رشد اقتصادی را با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته در چارچوب داده‌های ترکیبی برای ۱۲۱ کشور منتخب جهان در بازه زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۶ در دو گروه بندی مجزا برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد بررسی قرار داده است. نتایج بیانگر تأثیر مثبت کارایی و اثربخشی هزینه‌های دولت بر رشد اقتصادی می‌باشد (آقازاده بکتاش و دیزجی، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

نوینسده	راهکار	علت ناکارآمدی
فرانک آقازاده بکتاش و منیره دیزجی	توصیه می‌شود که در پیش‌بینی و بهینه‌سازی اندازه دولت، به آثار منفی افزایش بی‌حد و اندازه مخارج دولت بر رشد اقتصادی نیز توجه لازم مبذول نمایند	حجم زیاد دولت
فرانک آقازاده بکتاش و منیره دیزجی	خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی با رعایت موازینی همچون: جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های جدید در شرکت‌های دولتی، هدفمند کردن خصوصی‌سازی شرکت‌ها، فراهم آوردن زمینه توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی، حمایت از بخش غیردولتی برای توسعه مشارکتهای اقتصادی و مهندسی مجدد تشکیلات دولتی پیشنهادهایی است که محققان اقتصادی توصیه می‌کنند.	حجم زیاد دولت
فرانک آقازاده بکتاش و منیره دیزجی	با توجه به تأثیر مثبت بهبود کارایی دولت در جهت کاهش هزینه‌های دولت، پیشنهاد می‌شود دولت به ویژه در کشورهای در حال توسعه با نقش معمار جدید وارد کار شود و با برنامه‌ریزی مناسب در زمینه کاهش مداخله در اقتصاد و نظام‌های مالی و برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و... زمینه ایجاد دولتی کارا تر فراهم نماید.	هزینه‌های زیاد دولت
فرانک آقازاده بکتاش و منیره دیزجی	صرف مخارجی در زمینه تأمین و بهبود خدمات بهداشتی درمانی مناسب در مناطق دورافتاده، تأمین آب آشامیدنی مناسب و خدماتی از این قبیل از یک سو و همچنین با سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش از طریق فراهم آوردن امکانات آموزشی مناسب در مناطق دورافتاده، اعطای تسهیلات آموزشی و تحصیلی و... از سوی دیگر با بهبود کیفیت نیروی کار به عنوان یکی از عوامل تولید و به عبارتی با افزایش سرمایه انسانی بر تأثیر منفی نیروی کار بر رشد اقتصادی غلبه نموده و موجبات افزایش رشد اقتصادی را فراهم آورند.	کاهش کیفیت نیروی کار

مشخصات منبع:

● آقازاده بکتاش، فرانک، دیزجی، منیره، ۱۳۹۶، تأثیر کارایی هزینه و اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جهان، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۴۰-۱۲۳.

بازتولید ساختار رانتی در ایران

ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امری ضروری برای توسعه اقتصادی اجتماعی است. ساختارهای جدیدی در سطوح ملی. منطقه‌ای به منظور اجرای طرح‌های تمرکززدایی به وجود آمدند که موجب شد برداشت سنتی از حاکمیت متحول شود. هدف از این تحول نزدیکی هرچه بیشتر دولت‌ها و مردم در سیاست‌گذاری و بهبود کیفیت حکمرانی و در نهایت افزایش پایداری و بقای نظام‌های سیاسی بوده است.

مجموعه‌ای از ناکارآمدی‌های نهادی مانند مانعی بر سر راه حکومت‌های محلی در ایران قرار گرفته که یکی از آن‌ها ساختار رانتی حاکم بر کشور است. این نوشتار نشان می‌دهد ساختار رانتی در جوامع توسعه نیافته یا در حال توسعه، وابسته به درآمدهای نفتی، به طور مستمر، در حال تکثیر خود است (قنواتی، وحید، ساعی، ازغندی، ۱۳۹۶: ۲۰۳). ساختار رانتی حاکم بر کشور از ناکارآمدی‌های نهادی بر سر راه حکومت در ایران است که حتی دموکراتیک‌ترین نهادها و فرایندها را در کشور نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. بر مبنای نفت، ساختارهایی در ایران شکل گرفته که تأثیرات عمیق و دیرپایی بر نظام سیاسی ایران و ماهیت دولت برجای گذاشته است. نفت به عنوان یک متغیر سیاسی و اقتصادی دولت‌ها را مجهز به قدرت بی‌بدیلی ساخته که آنها را در جایگاهی فراتر از گروه‌ها، احزاب، جریان‌ها و طبقات قرار داده است. در واقع، باور به معجزه‌آفرینی دلارهای نفتی و در بستری از اقدامات زیربنایی آمرانه و از بالا به پایین و غیرمشارکتی و به عبارت بهتر نوع خاصی از توزیع قدرت و اختیارات، موجب شکلی از توسعه ناپایدار و نامتوازن در مناطق شده است (قنواتی، وحید، ساعی، ازغندی، ۱۳۹۶: ۲۰۵). درآمد ثابت نفتی به عنوان عامل تداوم بخش حکومت خودکامه و استبدادی می‌باشد. بنابراین، دولت رانتی در شرایطی که به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جامعه است، یعنی مادامی که با بحران مالی مواجه نشده باشد، علاقه چندانی به کاهش وابستگی جامعه مدنی به خود و در نتیجه افزایش استقلال آن نشان نمی‌دهد. عوامل متعددی بر کاهش ناکارآمدی نهادها در جامعه‌ی ایران موثر است و این مقاله صرفاً به تأثیر ساختار رانتی و تداوم آن می‌پردازد.

نوینسنده	راهکار	علل ناکارآمدی
قنواتی، وحید، ساعی، ازغندی	جولوگیری دولت از داشتن درآمد ثابت نفتی عدم دخل و تصرف و توزیع منابع رانتی توسط دولت و قوای مجریه کشور که وابسته به درآمدهای طبیعی اند.	حفظ و تداوم قدرت انحصاری دولت به دلیل دارا بودن از رانت عدم استقلال جامعه‌ی مدنی و وابستگی آن به دولت رانتی، در نتیجه ایجاد حکومت خودکامه و استبدادی (قنواتی، وحید، ساعی، ازغندی، ۱۳۹۶: ۲۰۸).

مشخصات منبع:

● قنواتی، نسرين. وحید، مجید. ساعی، احمد. ازغندی، سیدعلیرضا. ۱۳۹۶. «بازتولید ساختار رانتی در ایران». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۶.

ارزیابی تئوری برنامه سیاست های ضد فساد در ایران بعد از انقلاب

فساد به یک چالش اساسی در نظام حکمرانی کشورها بدل شد و اهمیت پیدا کرد. فراگیری فساد در کشورهایی با تنوع نظام اقتصادی مسلط و یا سطح توسعه یافتگی، گویای این واقعیت بود که فساد پدیده‌ای به شدت پیچیده و چندلایه است و هیچ کشوری از آن مصون نیست.

استفاده از رویکرد نظری حکمرانی خوب یکی از راه‌های مقابله با فساد است. این رویکرد پیش فرض‌های نهفته در اقتصاد نهادی را به عرصه سیاسی انتقال می‌دهد، و معتقد است برای مقابله با فساد باید از پیمایش عمومی، افزایش دستمزدهای بخش عمومی، کاهش اندازه بخش عمومی، پاسخگویی مالی، استقلال رسانه، استقلال قضایی، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی و تغییر فرهنگ بوروکراتیک و... استفاده کرد (سلیمان پاک سرشت و زین العابدین افشار، ۱۳۹۶: ۱۸۵).

علل ناکارآمدی	راهکار	نویسنده
عدم وجود سیاست‌های مشخص و روشن برای مقابله با فساد بعد از انقلاب.	پیگیری و اجرای کامل هفت برنامه‌ی ضد فساد شامل: (۱) برنامه‌ی از بین بردن فرصت فساد. (۲) برنامه‌ی بازدارندگی و مجازات. (۳) برنامه‌ی شفافیت. (۴) برنامه‌ی آزادسازی یا خصوصی‌سازی. (۵) برنامه‌ی اشکارگی و حساب کشی. (۶) برنامه‌ی تنظیم امور بودجه‌ای و مالی. (۷) برنامه اصلاح نظام اداری، شایسته‌سالاری و فرهنگ سازمانی	سلیمان پاک سرشت و زین العابدین افشار
برنامه‌ی ضد فساد، بیشتر فساد خرد را هدف قرار می‌دهد، و در مقابله با فساد در سطح سیاسی ناکام است.	راهکاری ارائه نشده است.	
ناسازگاری مدل ارائه شده با زمینه اجرا، دلیل اصلی شکست سیاست‌های ضد فساد در جهان و در نتیجه ناکارآمدی دولت و حکومت. (سلیمان پاک سرشت و زین العابدین افشار، ۱۳۹۶: ۱۸۰).	استفاده از رویکرد نظری حکمرانی خوب.	

مشخصات منبع:

- پاک سرشت، سلیمان. افشار، زین العابدین. ۱۳۹۶. «ارزیابی تئوری برنامه سیاست های ضد فساد در ایران بعد از انقلاب». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۶.



فاز دوم
تحلیلی بر کارآمدسازی نظام سیاسی در ایران
با تکیه بر مطالعات و پژوهش های انجام شده

پژوهشگران: حسین موسوی، سمانه سهرابی، فهیمه بهرامی

ناظر: کمال رضوی

ویراستار: راضیه شیخ رضایی

مجری: مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه

